

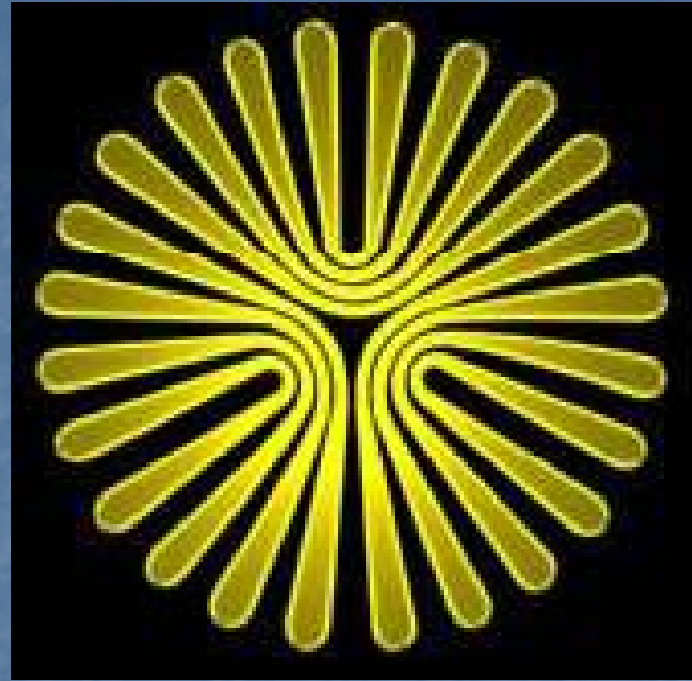
www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

الله اعلم
بما نزلنا
من كتابك
من قبلنا
وما كنا
بنازيهين
عليه



دانشگاه پیام نور

اسلایدهای درس تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و
اقتصادی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان
بر اساس کتاب:

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران
در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان

دکتر برات دهمرده

تهیه کننده:

دکتر هوشنگ خسروبیگی

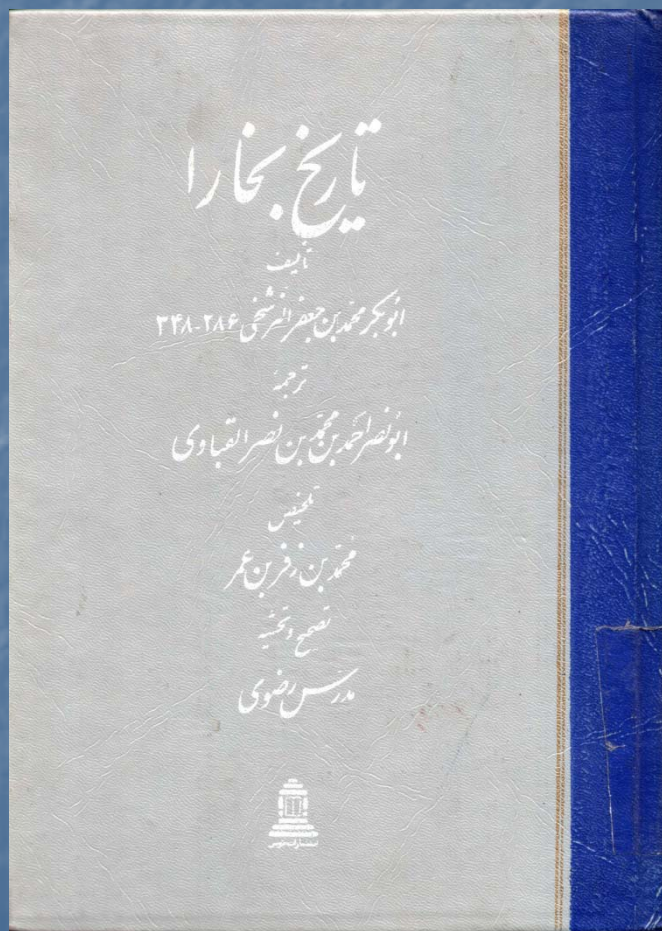
عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور



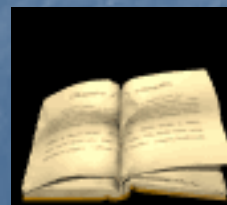


بررسی منابع

1- تاریخ بخارا نوشته ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی



2- زین الاخبار یا تاریخ گردیزی تألیف عبدالحی گردیزی



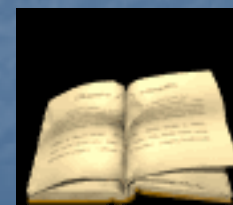
تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



بررسی منابع

3- تاریخ یمنی یا تاریخ عتبی تألیف ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی

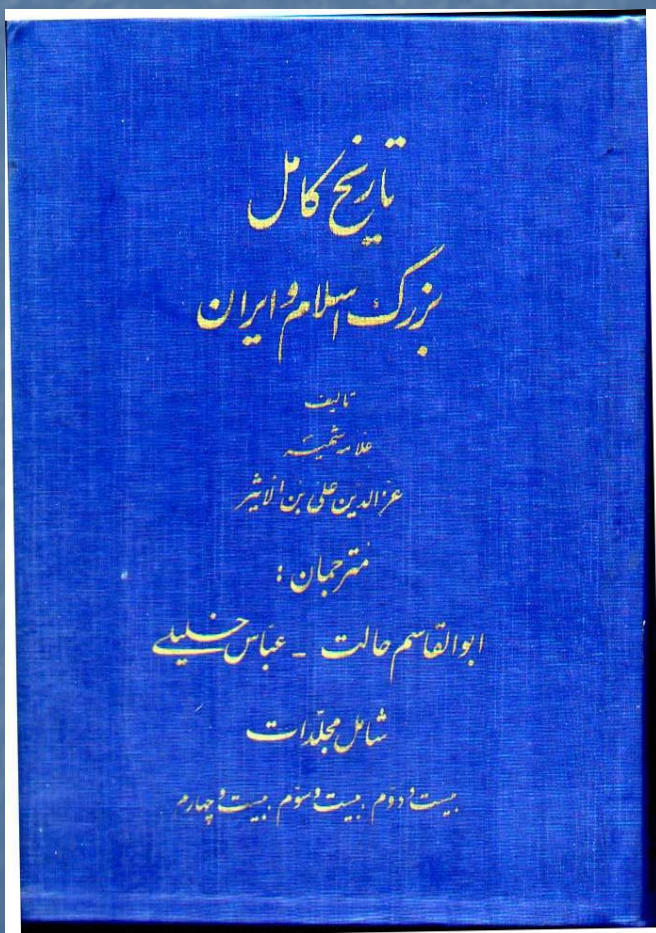
4- تاریخ بیهقی یا تاریخ مسعودی تألیف ابوالفضل بیهقی



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



بررسی منابع



5- طبقات ناصري تألیف ابو علي عمر عثمان
منهاج سراج جوزجاني

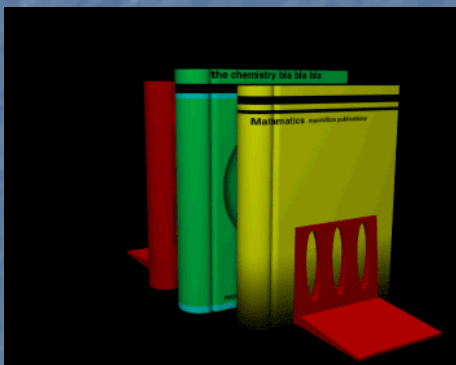
6- تجارب الامم و تعاقب الهمم ابو علي مسكويه رازي

7- تاريخ كامل يا الكامل في التاريخ عز الدين بن الاثير

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



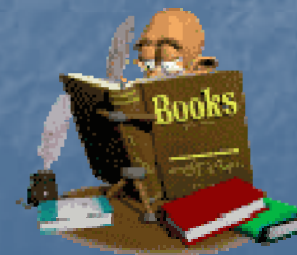
بررسی منابع



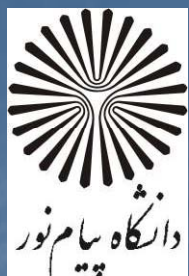
8- تاریخ سیستان

9- تاریخ طبرستان بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار

10- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ظهیرالدین مرعشی گیلانی



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع جهان اسلام و خلافت عباسی در اواخر قرن سوم

فصل اول

از همان ابتدای کار عباسیان تجزیه بخشهایی از قلمرو جهان اسلام آغاز شد:

امویان آسیایا اولین سلسله اسلامی بودند که با به دست گرفتن قدرت در آسیایا،

به دنبال خلع قدرتی که در ناحیه خراسان پس از سقوط طاهریان

در 250 ق حسن بن زید علوی موفق شد تا با شکست طاهریان حکومت علویان طبرستان را بنیان نهد.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



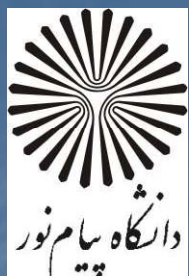
میراث صفاریان

فصل اول

شکست و اسارت عمرو بن لیث در نبرد بلخ در 287 ق به منزله پایان دوره شکوفایی دولت صفاری بود. خلیفه عباسی پس از پیروزی اسماعیل بر صفاریان، تمام متصرفات شرقی عمرو را به سامانیان واگذار نمود که خود سبب شد تا قلمرو و صفاریان کاهش یابد. جانشینان صفاری آن اندازه ضعیف بودند که لیث بن علی از سپاهیان مقتدر عباسی شکست خورد و به اسارت درآمد. جانشین او در سیستان ابوعلی محمد بن علی بن لیث نیز در 298 ق با هجوم سپاهیان احمد بن اسماعیل سامانی مواجه شد و به اسارت درآمد.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



ماوراءالنهر (اوضاع جغرافیایی و اهمیت سیاسی و نظامی)

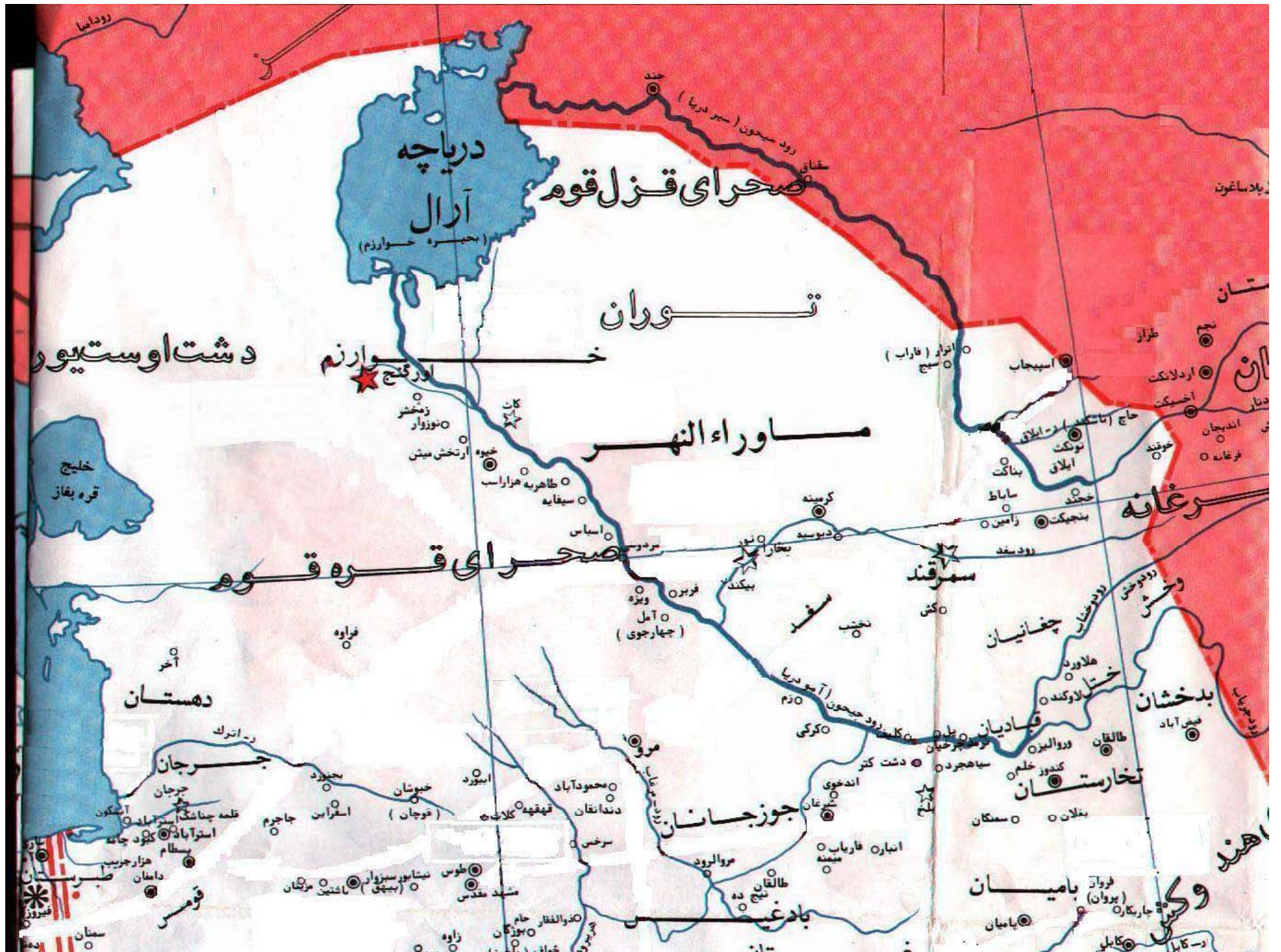
ناحیه ماوراءالنهر را می‌توان به پنج ایالت تقسیم کرد:

ایالت سغد یا سغدیانای قدیم دارای دو مرکز به نامهای سمرقند و بخارا بود که اولی مرکز سیاسی و

ایالت خوارزم محل التقاط جیحون و دریا، خوارزم بود دارای دو کرسی بک در قسمت غربی یعنی

ایالت خراسان و ایالت بلخ و ایالت نیشابور و ایالت مرو

ایالت چاچ (تاش یا تاشکند امروزی) اطراف شهر چاچ و ولایاتی را که در شمال باختری ماوراءالنهر تا مصب رود سیحون قرار داشتند شامل می‌گردید.





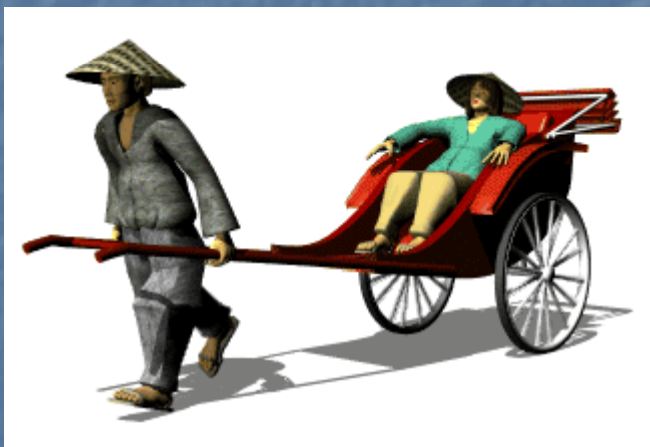
ماوراءالنهر (اوضاع جغرافیایی و اهمیت سیاسی و نظامی)

ناحیه ماوراءالنهر از نظر تجاری:

1) عبور جاده ابریشم از این ناحیه

2) وجود اقوام تجاری چون خوارزمیها و سغدیها

1) تجارت برده

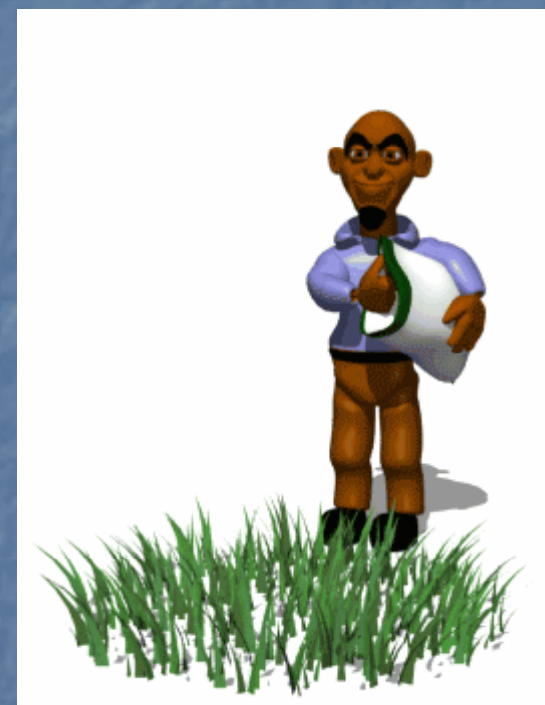
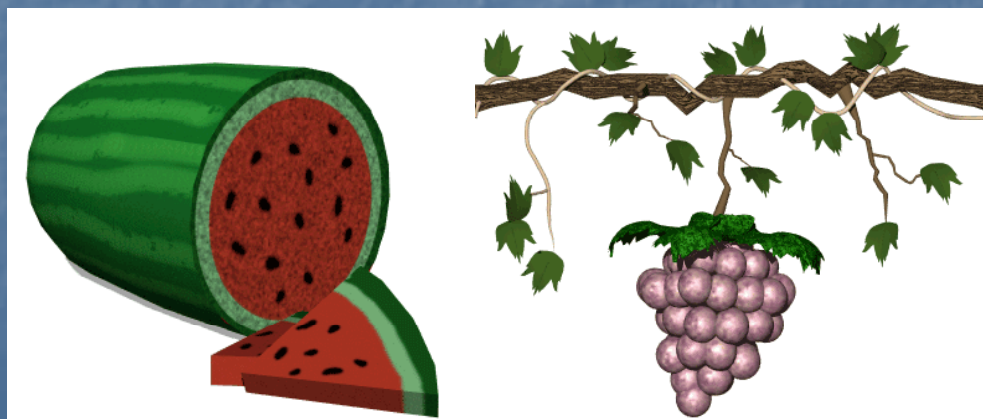




ماوراءالنهر (اوضاع جغرافیایی و اهمیت سیاسی و نظامی)

ناحیه ماوراءالنهر از نظر کشاورزی:

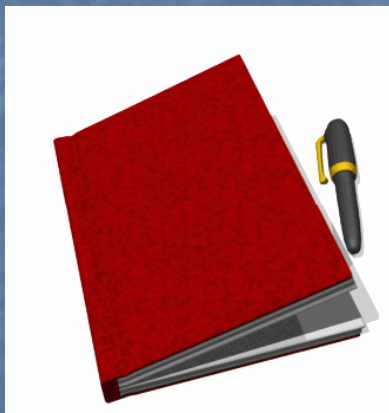
ناحیه خوارزم و واحه بخارا
زمینی بسیار حاصلخیز داشتند و
محصولات متنوعی از این نواحی
به دیگر نقاط صادر می‌شد.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



ماوراءالنهر (اوضاع جغرافیایی و اهمیت سیاسی و نظامی)



ناحیه ماوراءالنهر از نظر صنعت:

صنعت کاغذسازی در سمرقند.
صنعت پارچه‌بافی خصوصاً در بخارا پارچه‌های مخصوصی به نام زندیجی تولید می‌نمود که به هند و عراق نیز صادر می‌شد.



ماوراءالنهر (اوضاع جغرافیایی و اهمیت سیاسی و نظامی)

ناحیه ماوراءالنهر از نظر سیاسی و نظامی:



ماوراءالنهر از روزگار باستان سرحد ایران و ترکان بود .
ترکان و اقوام بدوی از ماوراءالنهر به عنوان پایگاهی برای
هجوم به خراسان ثروتمند و دیگر نواحی ایران استفاده می نمودند. به
همین علت حکومت های مستقر در ایران تسلط بر آن ناحیه را برای
جلوگیری از تهاجمات اقوام، ضروری می دانستند.
ماوراءالنهر معدنی از نیروهای نظامی زبده ای بود که به عنوان
مهاجم، متحد و یا اسیر وارد می شدند. این نیروها به خدمت
فرمانروایان در می آمدند و در رقابتهای سیاسی و نظامی شرکت
می جستند.



ماوراءالنهر و سابقه آن در ایران باستان

ماوراءالنهر، آریاییها و مادها:





ماوراءالنهر و سابقه آن در ایران باستان

ماوراءالنهر و هخامنشیان:

با سقوط مادها و به قدرت رسیدن پارسها وظیفه دفاع از مرزهای شمال شرقی ایران به پارسها منتقل گردید. کوروش در جنگ دوم با ماساژتها در شرق به قتل رسید.



جانشینان کوروش توانستند ماوراءالنهر را تصرف کنند و از این پس شاهد حضور اقوام شرقی ایران چون سکاها، باکتریاییها، پارتیان، خوارزمیان و اهالی سغد و زرنگیان (درنگیان) در سپاه هخامنشی هستیم.

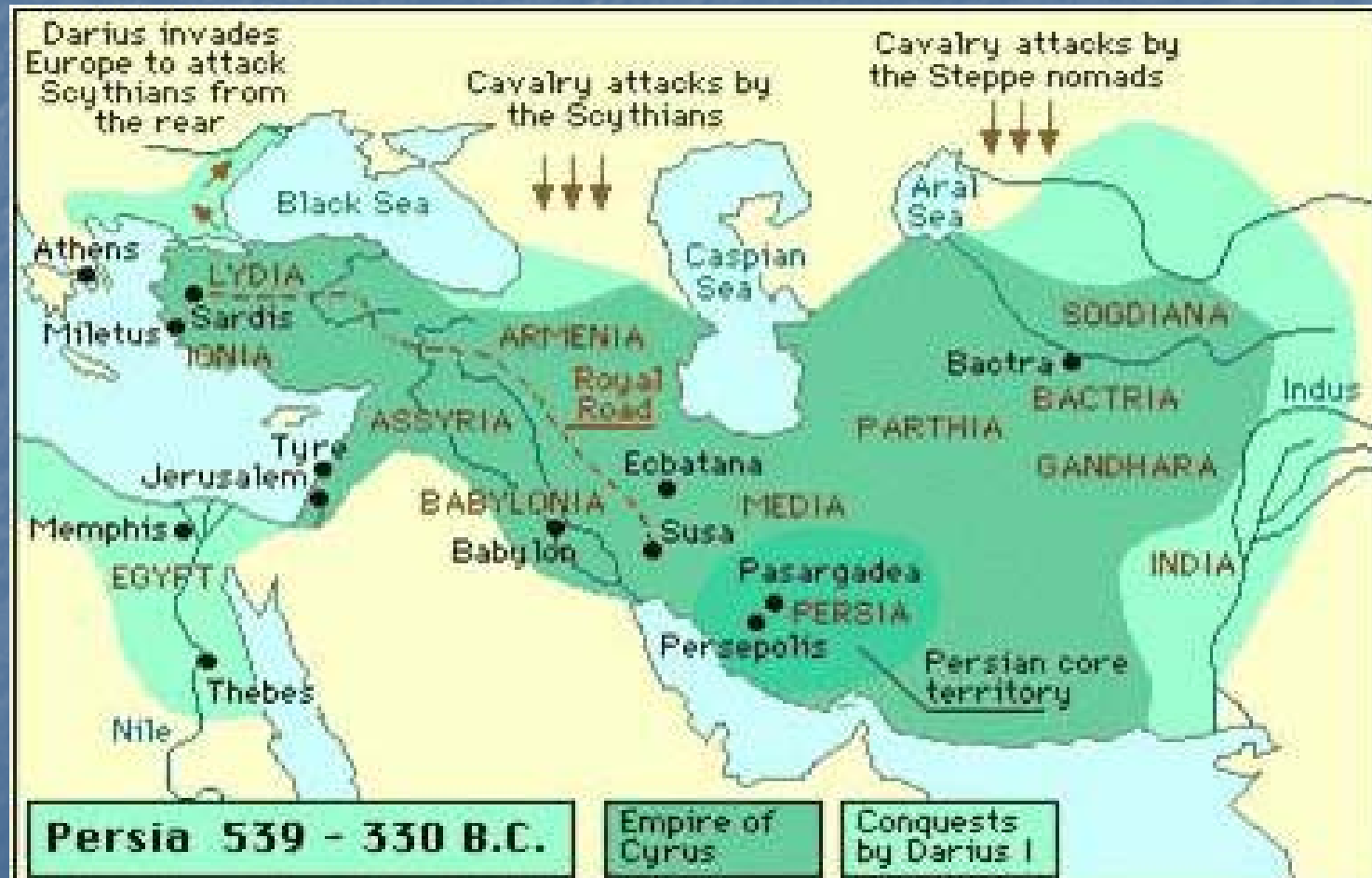


یک باکتریایی در کتیبه های هخامنشی

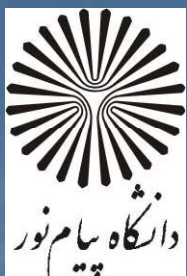
تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



ماوراءالنهر و سابقه آن در ایران باستان



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



ماوراءالنهر و

فصل اول

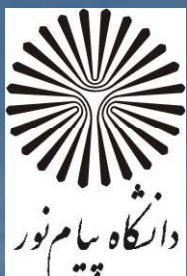
سابقه آن در ایران باستان



ماوراءالنهر و اسکندر و جانشینانش:

- اقوام ماوراءالنهر مقاومت سرسختانه‌ای در برابر اسکندر مقدونی انجام دادند.
- پس از اسکندر شهریان نشینهای شرقی امپراتوریش مستقل شدند.
- سلوکوس اول موسس سلسله سلوکی موفق به تصرف باکتریا گردید.
- نفوذ جانشینان سلوکوس در ماوراءالنهر به تدریج کاهش یافت و با به قدرت رسیدن آنتیوخوس دوم و شورش یونانیان بلخ و مستقل شدن پارت در دوره وی ارتباط میان سلوکیان و ماوراءالنهر کاملاً قطع شد.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



ماوراءالنهر و سابقه آن در ایران باستان

ماوراءالنهر معاصر با پارتها :

سکاهای آریایی مستقر در فرغانه، تاشکند و کاشغر چون توانایی مقاومت در برابر یوچه‌ها را نداشتند مجبور به مهاجرت به مناطق غربی و جنوبی شدند. آنها ناحیه سغد و قلمرو دولت یونانی باختر را متصرف و به حیات آن پایان دادند.

سکاهای تحت فشار یوچه‌ها به مناطق جنوبی‌تر یعنی زرنگیان (سیستان) و آراخوزی (رخج) رانده شدند. سکاهای پارتها را نیز شکست دادند.

مهرداد دوم با شکست سکاهای و ساکن نمودن آنها در سیستان از آنان به عنوان سدی در برابر سایر اقوام بدوی استفاده نمود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



ماوراءالنهر و سابقه آن در ایران باستان

ماوراءالنهر و کوشانها :

● قوم یوچه (طخارها) به دنبال سکاها از جیحون گذشته و وارد افغانستان شدند و پادشاهی کوشان را به وجود آوردند.

● کوشانها از شعب اتحادیه یوچهها یا طخارها بودند و از نیمه اول قرن اول م با پادشاه خود کوجولا کد فیزس وارد تاریخ می شوند.

● پادشاهی کوشان شامل اقوام چادرنشین آسیای مرکزی و نواحی مسیر رود جیحون و زرافشان و شهرهایی که یونانیان در دره های کابل و پنجاب بنا کرده بودند، می گردید.



ماوراءالنهر در دوره ساسانیان

فصل اول

ساسانیان و کوشانها :

اعضای خانواده اردوان پنجم آخرین پادشاه پارت به پادشاه کوشان پناه بردند. کوشانها با خسرو اول پادشاه ارمنستان - که از خانواده اشکانی بود - اتحادیه‌ای در برابر اردشیر به وجود آوردند. اردشیر متحدان را مغلوب و کوشان را وادار به عقب‌نشینی ساخت.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره ساسانیان، دیلمیان و غزنویان



ماوراءالنهر در دوره ساسانیان

فصل اول

ساسانیان و کوشانها :

شاهنشاهی کوشان از دو لحاظ توجه شاپور اول جانشین اردشیر را به خود جلب می‌کرد.

1- کوشان بر بخشی از جاده ابریشم تسلط داشت و رقیب ساسانیان در تجارت بین‌المللی بود.

2- کوشانیان مخالف قدرت شاپور بودند.

سپاهیان شاپور سرزمین‌های کوشان را تسخیر و سلسله کوشان را منقرض ساختند.



ماوراءالنهر در دوره ساسانیان

فصل اول

ماوراءالنهر و شاپور دوم:

شاپور دوم بخشی از قلمرو کوشانها را کاملاً به ایران منضم کرد و بخشی دیگر به دست هونها (هیاطله خیونی) که موج تازه‌ای از مهاجمان بودند افتاد. هیاطله خیونی به صورت دشمن خطرناکی در مرزهای شرقی ایران وارد عمل شدند. شاپور دوم برای تأمین امنیت مرزهای شرقی پس از آن که این قبایل را آرام ساخت و در زمینهای کوشان به عنوان متحد مستقر نمود، از آنها در لشکرکشی‌هایی که بر ضد روم می‌کرد، استفاده نمود.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره ساسانیان، دیلمیان و غزنویان



ماوراءالنهر در دوره ساسانیان

فصل اول

ساسانیان و هیاطله (هپتالیان) :

در پادشاهی بهرام پنجم مرزهای شرقی در خطر حمله هپتالیان (هیاطله) قرار گرفت. بهرام پنجم موقتاً مانع از پیشروی آنها گردید.

اردشیر دوم به دلیل حملات مهاجمان صحراگرد شمالی یعنی کیداریان که ظاهراً با هپتالیان پیوستگی داشتند کمتر موفق بود.

هپتالیان با شکستی که بر فیروز ساسانی وارد ساختند برای مدتی ایران را تابع و خراجگزار خود نمودند.

قباد نیز که توسط هیاطله به قدرت رسیده بود برای مدتی تابع آنان بود.

خسرو انوشیروان با همکاری ترکان هیاطله را نابود و قلمروشان را تقسیم کردند. ماوراءالنهر به ترکان و مناطق اطراف بلخ و قندوز در شمال خراسان در اختیار ساسانیان قرار گرفت.



ماوراءالنهر در دوره ساسانیان

ترکان و ساسانیان:

ترکان خواهان آزادی تجارت ابریشم از فراز ایران و سرحدات چین تا حدود بیزانس بودند. این تقاضا توسط خسرو رد شد. بنابراین ترکان با بیزانس قراردادی بر علیه ساسانیان به امضا رساندند و همراه بیزانس با ایران وارد جنگ شدند .

ترکان به دلیل اتحاد بیزانس با آوارها که از دشمنان ترکها بودند از اتحاد با بیزانس خارج شدند .

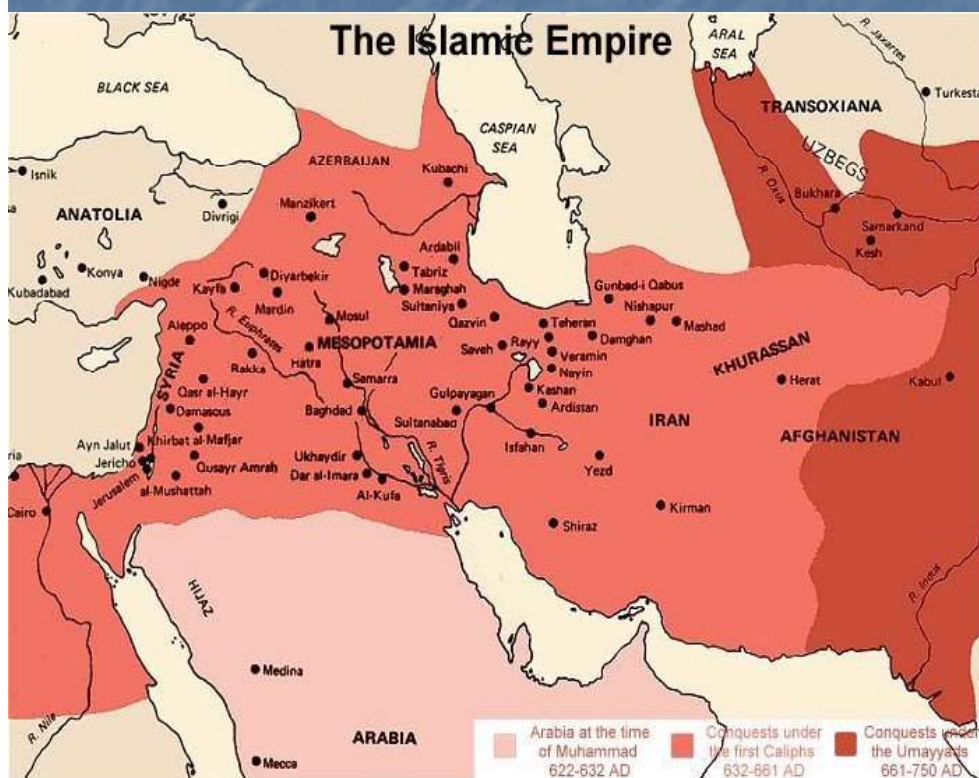
دشمنی میان بیزانس و ترکان مانع از هجوم ترکان به ایران نشد. باختران (تخارستان) به تصرف ترکان درآمد و آنان تا هرات پیشروی نمودند.

اختلاف میان بهرام چوبین و خسرو پرویز سبب شد تا بهرام چوبین به آنها پناهنده شود و این امر به نفع ترکان بود.



ورود اسلام به ماوراءالنهر

سیر فتوحات مسلمین در ماوراءالنهر :



- پیشروی اعراب در 31 ق تا بلخ
- فتوحات قتیبہ بن مسلم باہلی حاکم خراسان در ماوراءالنهر
- درخواست کمک اہالی ماوراءالنهر از چینہا پس از کشتہ شدن قتیبہ
- حمایت ترکان تورگاش از مردم ماوراءالنهر برای عصیان علیہ مسلمانان
- شکست تورگاشہا از اعراب
- بہدلیل بد رفتاری چینہا در ناحیہ تاشکند، ترکان آن منطقہ از سردار عرب و ترکان قرلق درخواست کمک نمودند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



ورود اسلام به ماوراءالنهر

قراخانیان در ماوراءالنهر :

قراخانیان دارای مذهب اسلام بودند. در نتیجه تسلط ترکان قراخانی بود که دین اسلام در کاشغر و منطقه ایسی‌گول نفوذ عمیقی یافت. این وضع تا 1130 م که تمام آن نواحی به تصرف قراخانیان بودایی که از پکن آمده بودند، ادامه یافت



کجا آن بزرگان ساسانیان زبهرامیان تا بسامانیان

سامانیان

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی سامانیان

تقسیم بندی دوره سامانی از نظر سیاسی

دوره	ویژگی دوره	آغاز دوره	پایان دوره
دوره اول	تلاش برای تثبیت	از آغاز قرن 3 ق پس از آنکه	
<p>مهمترین ویژگی دوره سوم ، تسلط غلام سپهسالاران ترك بر دربار سامانی و زد و خوردهای پایان ناپذیر آنان برای حکومت خراسان و مقام سپهسالاری می باشد .</p>			
		طبرستان	331 ق
دوره سوم	ضعف و انحطاط سامانیان	قدرت یافتن نوح بن نصر در 331	با تصرف بخارا توسط قراخانیان در 389 ق و اسارت عبدالملک دوم

تاریخ سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان ، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی سامانیان

فصل دوم

خاندان سامانیان:



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تلاش برای کسب قدرت سیاسی

نصرین احمدسامانی و عباسیان:

از همان آغاز مورد تأیید دستگاه خلافت قرار گرفت و خلیفه واثق بالله طی منشوری تمامی ماوراءالنهر را به وی واگذار نمود.

پیامدهای سقوط طاهریان در ماوراءالنهر:

■ سقوط طاهریان و هرج و مرج ناشی از آن فرصت مناسبی در راستای استقلال سامانیان در ماوراءالنهر به وجود آورد و به آنان فرصت داد با ورود به صحنه منازعات سیاسی آن ناحیه ضمن تثبیت موقعیتشان با تصرف سایر نقاط، نوعی وحدت سیاسی در ماوراءالنهر به وجود آوردند.

■ سقوط طاهریان و عدم تسلط کامل صفاریان بر ماوراءالنهر باعث به وجود آمدن بحران در بخشهایی از آن ناحیه، خصوصاً بخارا گردید.



تلاش برای کسب قدرت سیاسی

سامانیان و بخارا:

مهمترین خطری که بخارا با آن مواجه بود، حملات خوارزمیها بود. مردم بخارا از سامانیان که تنها قدرت قابل توجه در ماوراءالنهر بودند برای برقراری نظم و امنیت درخواست کمک کردند. اسماعیل بهدلیل همکاری مردم، آن شهر را بدون نیروی نظامی تصرف کرد و به تسلط نسبتاً ضعیف صفاریان بر بخارا پایان داد. نصر بن احمد پس از موفقیت اسماعیل در این مأموریت حکومت بخارا را به وی واگذاشت.



تلاش برای کسب قدرت سیاسی

اسماعیل و نصر:

خودداری اسماعیل از پرداخت خراج، منجر به برخورد نظامی میان دو برادر گردید، که به شکست نصر و اسارت وی پایان یافت. اسماعیل نصر را به سمرقند فرستاد و برتری وی را تا زمان درگذشتش 279 ق به رسمیت شناخت، هرچند که خود عملاً قدرت واقعی را در بخارا در اختیار داشت.

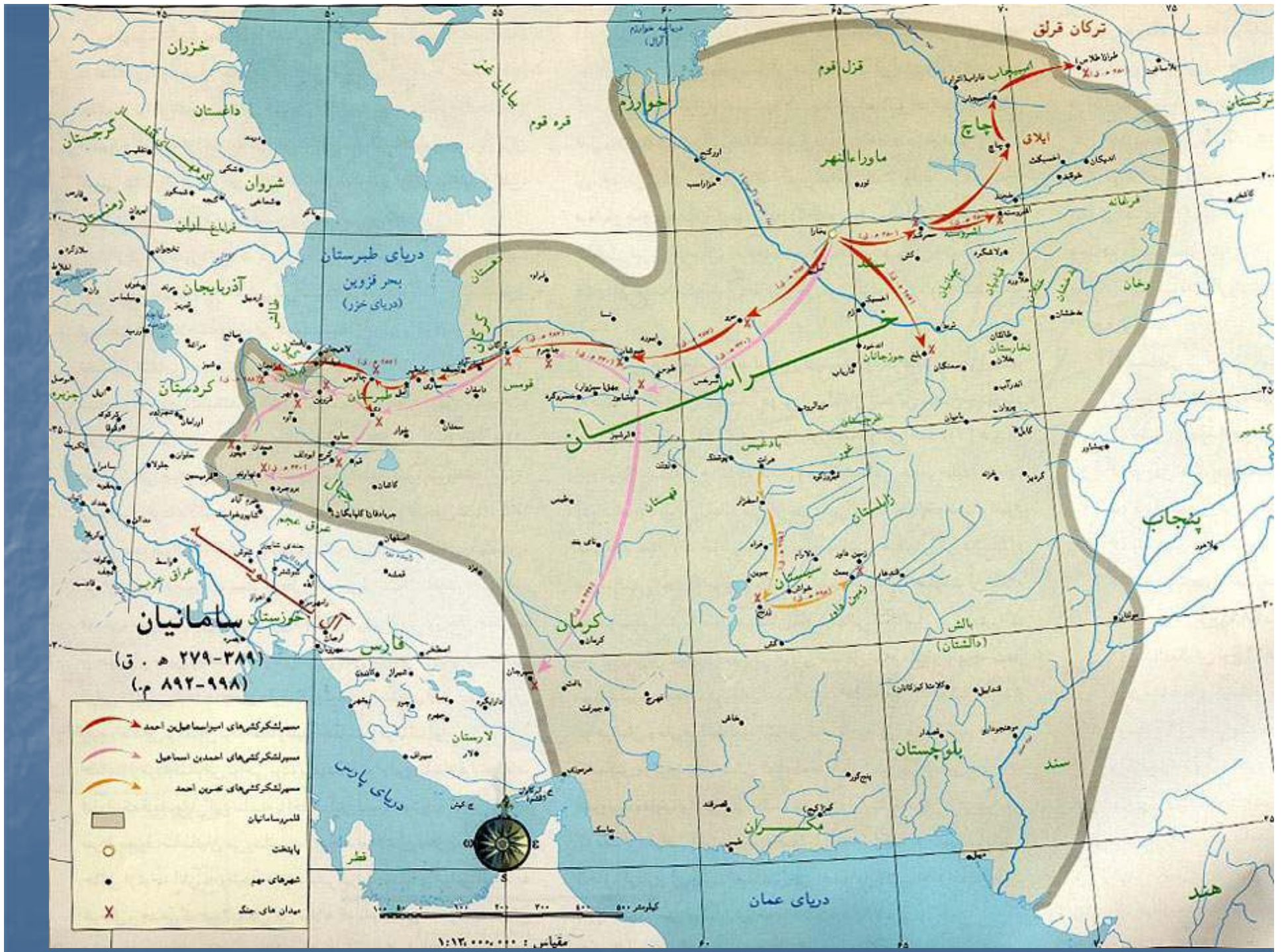




تلاش برای کسب قدرت سیاسی

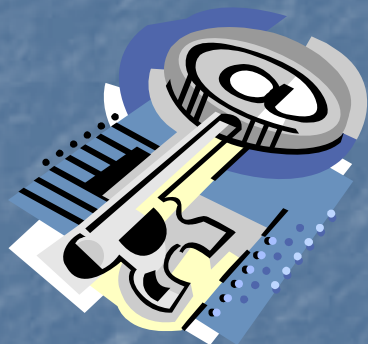
مراحل توسعه ارضی اسماعیل سامانی:

- 1- عبور از سیحون و تصرف شهر طراز مرکز حکومت ترکان .
- 2- تصرف خراسان پس از نبرد بلخ.
- 3- الحاق خوارزم.
- 4- تسلط بر گرگان و طبرستان پس از نبرد گرگان.
- 5- تصرف ری و جبال پس از شکست محمد بن هارون فرمانده شورشی سامانیان.
- 6- توسعه متصرفات تا آن سوی سیحون برای جلوگیری از تهاجمات ترکان.





تلاش برای کسب قدرت سیاسی



پیامدهای فتح طراز مرکز حکومت ترکان :

1. طراز یکی از پایگاههای مهم ترکان در هجوم به قلمرو سامانیان بود، فتح آن، نوعی آرامش در مرزهای شمالی سامانیان به وجود آورد.
2. با گرایش امیر طراز و بسیاری از دهقانان آن به اسلام زمینه نفوذ اسلام در آن ناحیه فراهم آمد که اعتبار معنوی قابل توجهی برای سامانیان به دنبال داشت.
3. اسماعیل غنایم زیادی به دست آورد که میتواند امکانات نظامی را برای لشکرکشیهای آتی فراهم آورد.



نبرد بلخ

زمینه نبرد بلخ:

با موفقیت عمرو بن لیث صفاری در تسلط بر خراسان اوضاع سیاسی شرق ایران به ضرر سامانیان تغییر کرد. زیرا امیر صفاری خواهان تسلط بر ماوراءالنهر بود و خلیفه عباسی را تحت فشار قرارداد تا منشور حکومت آن ناحیه را برایش ارسال دارد.

تلاش صفاریان برای تسلط بر ماوراءالنهر منجر به درگیری دو قدرت سامانی و صفاری گردید. نبرد نهایی در ناحیه بلخ در 287 ق صورت گرفت. عمرو بن لیث شکست خورد و به اسارت سامانیان درآمد و به بغداد فرستاده شد.





نبرد بلخ

دلایل خلیفه برای واگذاری خراسان و ماوراءالنهر به صفاریان :

- 1- به اوضاع مرزهای غربی را سامان دهد و مانع از پیشروی بیزانس به سوی بین‌النهرین شود.
- 2- با سرگرم نمودن صفاریان در خراسان و ماوراءالنهر مانع از حمله آنان به بغداد شود.
- 3- درگیری صفاریان و سامانیان، صرف نظر از نتیجه آن به نفع خلافت بود، زیرا منجر به نابودی یکی و تضعیف دیگری می‌شد.



نبرد بلخ

نتایج نبرد بلخ:

- 1- از بین رفتن نفوذ صفاریان در خراسان و محدود شدن آنان به عنوان يك قدرت درجه دوم به سیستان، کرمان، فارس و مکران بود.
- 2- سامانیان از مرزهای ماوراءالنهر بیرون آمدند و خراسان را ضمیمه قلمروشان نمودند و به عنوان قدرت درجه اول شمال شرق ایران مطرح شدند.
- 3- خوارزم نیز به عنوان بخشی از قلمرو سامانیان درآمد.



نبرد گرگان و نابودی علویان طبرستان

زمینه نبرد گرگان:

عقب‌نشینی صفاریان از خراسان سبب شد تا دولت سامانی سنی با علویان طبرستان شیعی زیدی به رهبری محمد بن زید دارای مرز مشترک گردند. بنا بر این درگیری نظامی آنان دور از انتظار نبود.

مشکلات محمد بن زید داعی علویان طبرستان:

- 1) شورش ابوالحسین احمد بن ابراهیم معروف به قائم.
- 2) حضور رافع بن هرثمه به عنوان یک رقیب سیاسی قدرتمند در گرگان و طبرستان.
- 3) نفوذ مستحکم عمرو بن لیث در سرزمینهای شرق و مرکزی ایران مانع توسعه طلبی علویان بود.



نبرد گرگان و نابودی علویان طبرستان

آغاز گر جنگ:

منابع تاریخی هم سامانیان و هم علویان را آغازگر جنگ می‌دانند. اما با توجه به این که نیروهای اسماعیل سامانی مأمور حمله به گرگان شدند می‌توان گفت که سامانیان آغازگر جنگ بودند.

نتایج جنگ:

- 1- شکست و قتل داعی علوی
- 2- تسلط سامانیان بر گرگان و طبرستان.



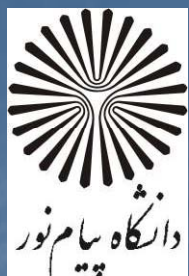
احمد بن اسماعیل

فصل دوم

وقایع و اقدامات احمد بن اسماعیل :

- 1- لشکرکشی به سمرقند و دستگیری عمویش اسحاق بن احمد حاکم سمرقند که قصد شورش داشت.
- 2- سرکوب پارس یا بارس الکبیر عامل گرگان که از پرداخت خراج خودداری نموده بود.
- 3- گشودن ری و سر و سامان دادن به امور آن که اولین هدف امیر جدید بود.
- 4- فتح سیستان.
- 5- با فتح سیستان قلمرو سامانیان به اوج خود رسید زیرا امرای صفاری بر مکران، رنج و زابلستان تسلط داشتند و به دنبال تسلط سامانیان بر سیستان، آن مناطق نیز تحت نفوذ سامانیان درآمد.
- 6- حملات ترکان به سرحدات شرقی سامانی و شکست ترکان توسط سامانیان.
- 7- هجوم روسها از طریق دریا به مرزهای شمالی و غارت سواحل شمالی ایران .
- 8- آخرین بحران دوره احمد بن اسماعیل شورش علویان طبرستان به رهبری ناصر کبیر و تسلط بر طبرستان بود.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



نصر بن احمد و تلاش برای ایجاد ثبات در ایالات

وقایع دوران نصر بن احمد (ملقب به سعید):

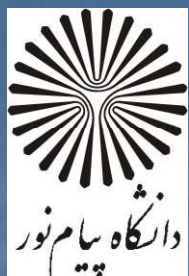
- 1- شورشهای اعضای خاندان سامانی .
- 2- شورش حسین بن علی مرورودی در هرات .
- 3- محمد بن حید (جنید) صاحب شرطه بخارا که به حسین بن علی مرورودی در هرات پیوست و در نیشابور بر علیه سامانیان شورید.
- 4- شورش احمد بن سهل در نیشابور فرمانده سامانی .
- 5- تسلط زیدیان بر طبرستان و حملات آنان به خراسان.



نصر بن احمد و تلاش برای ایجاد ثبات در ایالات

وقایع دوران نصر بن احمد (ملقب به سعید):

- 6- با لشکرکشی یوسف بن ابی الساج، والی آذربایجان و ارمنستان، ری، قزوین، ابهر و زنجان از دست سامانیان خارج شد.
- 7- شورشهای عیاران در سیستان.
- 8- شورش الیاس پسر اسحاق بن احمد با گرفتن کمک از ترکان و حمله به سمرقند.
- 9- شورش برادران نصر در بخارا.
- 10- تصرف کرمان.
- 11- تصرف گرگان.
- 12- فتح ری و شهرهای جبال از حدود قم تا حدود حلوان.
- 13- فتح طبرستان و شکست وشمگیر زیاری در ساری.



آغاز دوره ضعف و انحطاط دولت سامانی

وقایع دوران و قایع دوران نوح بن نصر:

- 1- مهمترین مسئله نفوذ اسماعیلیان بود که موجب نارضایتی امرای سپاه و روحانیون شده بود.
- 2- شورش ابوعلی چغانی سپهسالار سامانیان و اقدامات او بر علیه سامانیان.
- 3- حملات آل بویه.
- 4- تحریکات زیاریان.

سامانیان و آل بویه:

مهمترین عامل درگیری میان سامانیان و آل بویه صرف نظر از تمایل ذاتی هر یک از دو طرف به گسترش قلمرو و همچنین اختلافات مذهبی، تحریکات آل زیار به رهبری وشمگیر زیاری بود.

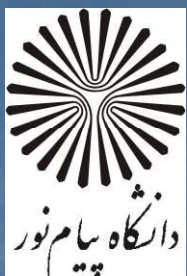
تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



آغاز دوره ضعف و انحطاط دولت سامانی

وقایع دوران ابوالفوراس عبدالملک بن نوح :

- 1- طغیان ابوعلی چغانی.
- 2- آشوب در تمامی شهرهای قلمرو سامانی .
- 3- تحریکات آل بویه در راستای نفوذ در خراسان و گرگان
- 4- شکست سامانیان در تصرف ری و اصفهان .
- 5- بحران در بخارا. تعویض پیدری و وزراء و سپهسالاران توسط عبدالملک بن نوح کمکی به بهبود اوضاع نکرد.



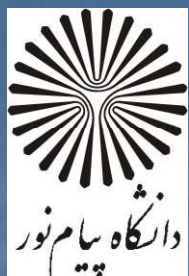
آغاز دوره ضعف و انحطاط دولت سامانی

زمینه های به حکمرانی رسیدن منصور بن نوح :

در هنگام وفات عبدالملك دو جریان عمده در مورد تعیین جانشین وی به فعالیت پرداختند.

بلعمی وزیر و الپتکین سپهسالار از نصر بن عبدالملك حمایت می نمودند. اکثریت ترکان به رهبری فائق یکی دیگر از امرای ترک از منصور برادر عبدالملك پشتیبانی می نمودند. سرانجام فائق و اکثریت سپاه موجبات به قدرت رسیدن منصور سامانی را فراهم کردند.

الپتکین از نیشابور به غزنه گریخت و سلسله غزنویان را در آن شهر بنیان گزارد. بنابراین اختلاف بر سر تعیین جانشین عبدالملك منجر به ظهور سلسله جدیدی در غزنه گردید.



آغاز دوره ضعف و انحطاط دولت سامانی

وقایع دوران منصور بن نوح :

- 1- شورش در سیستان .
- 2- جنگ با آل بویه.
- 3- به دنبال آرامشی که در آخرین سالهای حیاتش به وجود آمد کوشید تا نقش مهمتری در اداره امور داشته باشد و احتمالاً تعویض سریع وزراء نیز در همین راستا بوده است. مرگ منصور مانع از آن شد تا هرگونه اقدامی در راستای اعاده قدرت دیوانسالاری سامانی منتج به نتیجه‌ای شود .



آغاز دوره ضعف و انحطاط دولت سامانی

وقایع دوران نوح بن منصور (نوح دوم) :

1- چون خردسال بود، مادرش کفالت او را داشت اما قدرت واقعی در دست فائق خاصه و تاش حاجب سالار بود.

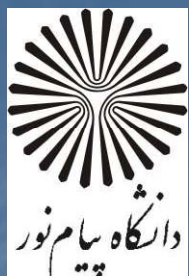


2- ابو عبدالله جیهانی به دلیل پیروی کنارگیری نمود و وزارت به ابوالحسین عبدالله بن عتبی واگذار گردید.

3- مهمترین اقدام عتبی عزل سیمجور از فرماندهی لشکر خراسان و دادن امارت خراسان به حسام الدوله ابوالعباس تاش بود. این اقدام عتبی نشان از احیاء قدرت وزارت داشت.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



آغاز دوره ضعف و انحطاط دولت سامانی

وقایع دوران نوح بن منصور (نوح دوم) :

- 4- امارت و سپهسالاری تاش در خراسان مقارن بود با توسعه طلبی جدید آل بویه به رهبری عضدالدوله و رویارویی سامانیان و آل بویه.
- 5- درگیری های تاش، فائق خاصه و سیمجور در خراسان.
- 6- پیدایش قراخانیان



پیدایش دولت قراخانیان و سقوط سامانیان

فصل دوم

اسلام و قراخانیان:

1- مهمترین ویژگی و اختلافی که قراخانیان با سایر اقوام ترک داشتند مسلمان بودن آنان بود.

2- نخستین حاکم قراخانی که به اسلام روی آورده بغراخان نام داشت. مسلمان بودن قراخانیان یکی از عواملی بود که امکان نفوذ آنان در ماوراءالنهر را فراهم می‌آورد. با گرایش آنان به اسلام مسئله جهاد در مقابل آنان منتفی شد. از این پس مهمترین عاملی که ایجاد مشروعیت می‌کرد، توان نظامی هر یک از طرفین بود.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



پیدایش دولت قراخانیان و سقوط سامانیان

فصل دوم

علت حمله ترکان به بخارا :

- 1- عده‌ای فائق خاصه را محرك اصلي قراخانیان در حمله به بخارا می‌دانند
- 2- عده‌ای ابوعلی سیمجوری حاکم خراسان را محرك قراخانیان دانسته‌اند.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



پیدایش دولت قراخانیان و سقوط سامانیان

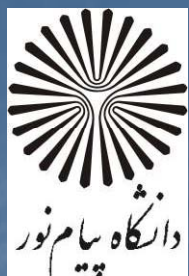
فصل دوم

قراخانیان و بخارا :

بغراخان هارون به دنبال چند برخورد مقدماتی با سپاهیان سامانی آنان را شکست داده و در 382 ق بخارا را متصرف شد و نوح بن منصور به آمل شط فرار کرد.

مهمترین عامل بازگشت سامانیان، بیمار شدن بغراخان هارون در بخارا و عقب‌نشینی وی از آن شهر بود.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



پیدایش دولت قراخانیان و سقوط سامانیان

فصل دوم

زمینه ورود غزنویان به خراسان:

به دنبال تسلط نوح بن منصور بر بخارا، فائق خاصه که از جانب قراخانیان به حکومت بلخ منصوب شده بود، از سپاهیان سامانی شکست و به ابوعلی سیمجوری رقیب سابقش پیوست و پس از گرفتن نیروی کمکی از فخرالدوله بویه ای اتحادیه ای قوی در برابر سامانیان به وجود آورد. نوح بن منصور با کمک از غزنویان و والیان جرجانیه (گرگانج)، خوارزم، جوزجانان و غرjestان آماده مقابله با آنان شد.

تلاقی طرفین در **اطراف هرات** صورت گرفت و سیمجور شکست خورد و همراه با فائق خاصه به **گرگان** گریخت.

این پیروزی به معنی احیاء قدرت نوح بن منصور سامانی نبود. زیرا نوح مجبور بود تا خراسان را به غزنویان واگذار نماید.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



پیدایش دولت قراخانیان و سقوط سامانیان

فصل دوم

صلح قطوان:

با پیشروی قراخانیان در ماوراءالنهر، نوح بن منصور مجدداً از سبکتکین درخواست کمک نمود. سبکتکین از جیحون گذشت اما قبل از هر برخوردی، ایلكخان با سبکتکین صلح کرد.

مفاد مصالحه:

- 1- قطوان مرز مشترک دو دولت تعیین و بنابراین تمامی حوزه سیحون در اختیار قراخانیان قرار گرفت.
- 2- فائق خاصه نیز بخشوده شد و به خواهش ایلكخان به حکومت سمرقند منصوب گردید.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



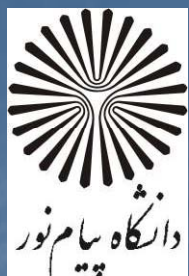
پیدایش دولت قراخانیان و سقوط سامانیان

فصل دوم

وقایع دوران منصور دوم:

- 1- رقابت میان شخصیت‌های درباری جهت تسلط بر امیر جوان.
- 2- حملات ایلك‌خان نصر قراخانی جانشین بغراخان .
- 3- تحرکات فائق ابوالقاسم سیمجوری که پس از مرگ برادرش ابوعلی سیمجوری جانشین وی شده بود.
- 4- افزایش تدریجی قدرت غزنویان.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



پیدایش دولت قراخانیان و سقوط سامانیان

فصل دوم

ابوالفوارس عبدالملک بن نوح (عبدالملک دوم) :

امرای معارض سامانی از قبیل فائق، بگتوزون و ابوالقاسم سیمجور، موقتاً اختلافات را به کناری نهاده و در مقابل غزنویان جبهه واحدی را تشکیل دادند. آنان از آنجایی که از پیوستن منصور دوم به غزنویان واهمه داشتند در 389 ق او را معزول و کور نمودند و برادر خردسالش ابوالفوارس عبدالملک بن نوح (عبدالملک دوم) را بر تخت نشاندد.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



پیدایش دولت قراخانیان و سقوط سامانیان

فصل دوم

سامانیان و غزنویان:

کشته شدن منصور دوم بهانه به دست غزنویان داد که مایل به تسلط بر خراسان بودند. محمود غزنوی در مرو، قوای متحدین را درهم شکست و خراسان را به طور کامل از چنگ سامانیان بیرون آورد.

با تسلط محمود غزنوی بر خراسان، قلمرو سامانیان تنها محدود به بخشی از ماوراءالنهر گردید.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



پیدایش دولت قراخانیان و سقوط سامانیان

فصل دوم

سقوط سامانیان :

ایلكخان حاکم قراخانی در 389 ق متوجه بخارا شد و برای آن که حساسیتی به وجود نیارد، قصدش را حمایت از سامانیان عنوان نمود. این امر سبب شد تا مردم بخارا مقاومتی از خود بروز ندهند. روحانیون و علماء مذهبی نیز از حمایت سامانیان در مقابل قراخانیان خودداری نمودند.



اوضاع اداری سامانیان

فصل سوم

تشکیلات اداری بخارا سمرقانی برای سلسله‌های بعدی گردید. سامانیان این تشکیلات اداری را از بغداد گرفته بودند، بغدادی که خود آن را از تیسفون به عاریت گرفته بود.

امور اداری دولت سامانی توسط متنفذین دو نهاد انجام می‌شد که عبارت بودند از:

دربار (درگاه) و دیوان.



دربار (درگاه) و تشکیلات آن

1- حاجب سالار:

ریاست دربار سامانی را حاجب سالار یا حاجب بزرگ (حاجب الحجاب) بر عهده داشت که به اداره امور سرای امیر (دارالاماره) می‌پرداخت. حاجب بزرگ به منزله وزیر دربار بود در مواقع ضعف یا خردسالی امرای سامانی از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌شد به تدریج با نفوذ ترکان در دربار سامانی که یکی از وظایف آنان نگهبانی از دارالاماره بود بر قدرت حاجب که بر این نگهبانان ریاست داشت افزوده شد و در مقابل از قدرت وکیل کاسته شد.



دربار (درگاه) و تشکیلات آن

2- وکیل:

در دوره امرای نخستین سامانی وکیل یا رئیس اهل خانه امیر از حاجب نفوذ بیشتری داشته است. نظام‌الملک وظیفه وکیل را نظارت بر احوال مطبخ و شرابخانه و آخور و سراهای خاص و فرزندان و حواشی می‌داند.

3-- منصب صاحب حرس:

یا «امیر حرس» دومین مقام درگاه بود. چنین به نظر می‌رسد که وظایف امیر حرس با وظایف «صاحب‌الشرطه» یا «رئیس نگهبانان» مشترک بوده است. وظیفه «امیر حرس» که ریاست اهل حرس را برعهده داشت برقراری نظم شهر بود.



دیوان

فصل سوم

نهاد دیوان :

در رأس هر يك از این دیوانها عاملي قرار داشت که زیر نظر وزیر سامانی مشغول به کار بود.

1. دیوان وزیر
2. دیوان مستوفي
3. دیوان عمیدالملک
4. دیوان صاحب شرط
5. دیوان صاحب مؤید
6. دیوان شرف
7. دیوان مملکه خاص
8. دیوان محتسب
9. دیوان اوقاف
10. دیوان قضا
11. دیوان سپاه.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان

دیوان وزیر

جایگاه وزیر:

دیوان وزیر از مهمترین دیوانهای مرکزی بود که بر کار سایر دیوانها نظارت داشت و در رأس آن وزیر یا خواجه بزرگ قرار داشت. وزیر شخص دوم مملکت بود

اگرچه وزارت موروثی نبود، اما چند خاندان وجود داشت که به رقابت با یکدیگر می پرداختند.

وزارت شغل بسیار حساس و پرخطری بود، زیرا وزیری قدرتمند می توانست سایر دیوانیان را معزول نماید و حتی فرماندهی سپاه را برعهده گیرد.

وزیر رئیس دیوان بود و به همین دلیل در سازمان دیوان سالاری با حاجب که رئیس دربار بود، مسئولیت مشترک داشت.

دیوان وزیر

انتخاب وزیر:

عموماً وزراء از میان کسانی انتخاب می‌شدند که سابقه کار دیوانی داشتند. در اوایل کار سامانیان که امرای سامانی از قدرت زیادی برخوردار بودند، وزیر توسط شخص امیر انتخاب می‌شد، مگر آنکه امیر سامانی خردسال می‌بود و وزیرش توسط درباریان انتخاب می‌گردید.

با آغاز دوره ضعف سامانیان که خصوصاً پس از به قدرت رسیدن نوح بن نصر افراد مختلف در انتخاب وزیر دخالت نمودند.

در این میان سپهسالاران نقش مهمی در انتخاب وزیر داشتند علت واقعی این دخالت آن بود که وزیر در عزل و نصب همه مقامات دولتی حتی شخص سپهسالار مختار بود و به همین علت سپهسالاران می‌کوشیدند تا وزرای را منصوب کنند که حافظ منافع آنان در دربار باشند.

دیوان وزیر

وظایف وزیر:

وزیر در کار برید، قضا، نظارت بر خزانه و خراج و ترتیب مقررات مالی، رسیدگی به کار لشکریان و پرداخت مواجب آنان و در برخی موارد عزل و نصب سپهسالاران دخالت داشت.

جیهانی:

در رشد و شکوفایی دیوان سالاری سامانیان، ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی، وزیر امیر نصر بن احمد نقش بسیار مهمی داشت. جیهانی مردی حکیم، مدبر و آزادمنش بود و در باطن از آیین مانوی پیروی می‌کرد پس از رسیدن به وزارت با مطالعه آیین مملکتداری سایر ممالک رسوم پسندیده و نیکو را در دربار بخارا معمول نمود.

دیوان استیفاء (دیوان خراج)



دیوان استیفاء:

در رأس آن مستوفي قرار داشت و سررشته امور مالی دولت سامانی را در دست داشت.

استیفاء در لغت به معنی تمام گرفتن و طلب تمام کردن است. اما در اصطلاح عبارت است از جمع‌آوری خراج، حسابرسی و حسابداری امور مالی و دخل و خرج و تنظیم دفترهای مربوط به آن در يك ولايت و يا همه مملکت.

این دیوان بعد از دیوان وزارت بزرگترین و مهمترین دیوان بود. احتمالاً کلمه مستوفي مترادف با خازن و خزینهدار و عامل خراج و اموال دیوان بوده است و محاسبان تابع خزانه‌دار بوده‌اند. بنابراین دیوان استیفاء همان دیوان خراج بوده است.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



دیوان استیفاء (دیوان خراج)

فصل سوم

گردآوری خراج:

بر اساس آنچه خوارزمی در مفاتیح العلوم آورده نحوه کار دیوان خراج عبارت بود از: گردآوری خراج (جبایت) بنابر شیوه‌ای که در قانون الخراج معین شده بود. کارگزار شرایطی را برای پرداخت خراج پیشنهاد می‌کرد و مردم می‌پذیرفتند (تقریر). ثبت صدقات (زکات) هر کوره را عبرت می‌خواندند. برای تعیین مقدار خراج از محصول غله و باغ، که اصطلاحاً **ارتفاعات** خوانده می‌شد، مقدار محصول سالی را که در آن کمترین محصول به دست آمده بود، و سالی را که در آن بالاترین محصول به دست آمده بود، در نظر گرفته و میانگین آن را برای پرداخت خراج در نظر می‌گرفتند. تخفیف‌های مالیاتی به نام‌های تسویغ، حطیطه و تریکه نیز وجود داشت

دیوان استیفاء (دیوان خراج)



منابع مالی دولت سامانی :

1. مالیات ارضی یا خراج. عمده ترین درآمد دیوان خراج بود که گاه از آن تعبیر به ارتفاعات می شد.
2. عوارض راهداری (ضرایب).
3. خمس.
4. غنایم جنگی.
5. مال المصالحه (= و صلّه، رسم موافقات، رسم موافقات). مبلغی بود که یکی از طرفین درگیر، پس از صلح و سازش متعهد به پرداخت آن می شد.
6. ضبط و مصادره: معمولاً پس از عزل یکی از مقامات دربار، اموال وی به نفع خزانه مرکزی ضبط و مصادره می شد.
7. اِتاوه (خراج ناخواسته و تحمیلی و باج).
8. مالیات بر ارث.





دیوان استیفاء (دیوان خراج)

فصل سوم

تشکیلات دیوان استیفاء:

دیوان خراج در هر يك از سي و چند كورة (استان) قلمرو سامانیان دارای شعبي بود که در رأس آن شخصي به نام بُنّدار (محاسب، عامل) قرار داشت.

مخارج و اقطاع:

بزرگترین مخارج دولت سامانی، پرداخت مواجب لشکریان و کارمندان بود تمامی کسانی که در يك ناحیه خدمت می‌کردند و از نظر سلسله مراتب خدمت هم درجه بودند، مقرري یکسانی داشتند. واگذاری اقطاع نیز مرسوم بود. ناحیه وسیع قهستان در اقطاع سیمجوریان بود.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



دیوان رسائل

فصل سوم

دیوان رسائل یا دیوان انشاء و یا احتمالاً دیوان عمیدالملک.

بیهقی رئیس دیوان رسالت را خواجه عمید و نرشخی آن را عمیدالملک می‌نامد. وظیفه این دیوان، انشاء و ثبت فرمانهای حکومتی، مکاتبات اداری و نامه‌های رسمی (سلطانیات) بود که از جانب امیر به خلیفه، امرای اطراف و حکومتها نوشته می‌شد و به منزله وزارت خارجه بود. به لحاظ، گاه از این دیوان با عنوان دیوان اسرار و از متولی آن با نام کاتب‌السر یاد شده است.

تشکیلات دیوان رسائل در ایالات نیز وجود داشته است.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



دیوان شرطه

فصل سوم

دیوان شرطه:

شُرَطیان گروهی برگزیده از سپاهیان امیر سامانی بودند که با علائم مخصوصی، مانند پرچمهای سیاه شناخته می‌شدند و رئیس آنان را صاحب شُرَط می‌گفتند. شرطه به منزله نیروی انتظامی وظیفه حفظ نظم و امنیت شهرها و رسیدگی به جرایم و جنایات را داشت.

در ابتدا وظایف اصلی شرطه اجرای احکام قضا و تابع تشکیلات قضایی بود. کم‌کم رسیدگی به جرایم از قضات گرفته شد و به شرطه واگذار گردید.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



دیوان برید

فصل سوم

دیوان برید:

سازمان ارتباطات و خبر رسانی دولتی بود که وظیفه‌اش جمع‌آوری و گزارش اطلاعات و حراست از امنیت دولت بود. مأموران برید وظیفه رساندن نامه‌های دولتی و اخبار چه اخبار علنی و چه اخبار مخفی را داشتند. بنابراین نوعی جاسوسی نیز جزو وظایف دیوان برید بود و از این جهت تا حدودی با دیوان اشراق اشتراک وظیفه داشت.

دیوان محتسب :

محتسب در اصطلاح دیوانی کسی را می‌گفتند که به کار بازار و کوی و برزن و خرید و فروش و منع اصناف از امور غیر شرعی و تقلب می‌پرداخته و عمل محتسب را حسب می‌گفته‌اند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



دیوان اشراف دیوان اوقاف

فصل سوم

دیوان اشراف:

اشراف در اصطلاح، به معنی بازرسی در امور دیوانی به‌ویژه در امر استیفا و امور مالی بود.

دیوان اوقاف:

در زمان سامانیان سنت وقف کردن از سوی امیران، دولتمردان و مردم رواج داشت. از این‌رو نصر بن احمد بن اسماعیل دیوان اوقاف را بنیاد نهاد. در قلمرو سامانیان معمولاً کار سرپرستی اوقاف به فردی از فقها و قضات واگذار می‌گردید.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



دیوان قضا و دیوان املاک خاصه (مملکه خاصه)

فصل سوم

دیوان قضا:

در رأس دیوان قضا، قاضی القضاة بود که قضات فراوانی زیر نظر وی اشتغال داشتند.

وظیفه قضات حل و فصل منازعات و اختلافات و رساندن حق به صاحب آن، رسیدگی به همه مرافعات، مسائل حقوقی و امور و مصالح عمومی به جز جنایات و تخطیهای سیاسی و تظلمات مالی از دولتمردان بود. رسیدگی به این امور غالباً توسط شخص پادشاه و یا یکی از شخصیت‌های مهم درباری صورت می‌پذیرفت.



دیوان املاک خاصه (مملکه خاصه):

به احتمال قوی وکیل در رأس آن بود. این دیوان وظیفه اداره املاک اختصاصی امیران سامانی را برعهده داشت. دیوان املاک خاصه از زمان نصر بن احمد بن اسماعیل فعالیت رسمی خویش را آغاز کرد.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



دیوان سپاه (عرض)

دیوان سپاه (عرض):

در رأس این دیوان عارض قرار داشت و تأدیه مواجب سپاه و نظارت و مرتب و منظم بودن وضع آن جزو وظایف عارض بود. در بسیاری از موارد سلطان خود کار بازدید و سان سپاه را انجام می‌داد. معمولاً نام سربازان را در جریده عرض ثبت می‌کردند. برای غلامان جریده جداگانه‌ای وجود داشت. عموماً وقتی که از سپاهیان سان دیده می‌شد، مواجب آنان نیز پرداخت می‌گردید. در زمان سامانیان پرداخت جیره سپاهیان هر سه ماه صورت می‌گرفت.





تشکیلات دیوانها

فصل سوم

تشکیلات دیوانی در مناطق امرای نیمه مستقل محلی :

ادارات و دیوانهایی که در بخارا وجود داشت در تمامی قلمرو دولت سامانی یکسان نبود. برخی از مناطق تابع دولت سامانی چون چغانیان، جوزجانان، خوارزم، جرجانیه و سیستان هر یک تشکیلات متفاوتی داشتند. این مناطق زیر نظر امرای نیمه مستقل محلی قرار داشتند و سامانیان تنها به گرفتن بیعت و هدایایی از آنان قناعت می نمودند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان

زبان دیوان سالاری سامانی



زبان دیوان سالاری :

احمدبن اسماعیل سامانی اعلانها و فرمانها را از فارسی به عربی برگرداند. تا پیش از زمان احمدبن اسماعیل زبان دیوان سالاری سامانیان زبان فارسی بوده است. اندکی بعد از آنجایی که این اقدام با اقبال عامه مردم مواجه نشد ملغی گردید. با توجه به آنکه زبان دیوان سالاری غزنویان فارسی بوده است و کوشش میمندی در تغییر آن از فارسی به عربی به نتیجه‌ای نرسید، می‌توان گفت که در دوره سامانیان نیز از فارسی استفاده می‌شده است.

از نظر فرای احتمالاً در امور دینی یا مسائل مربوط به خلیفه از عربی استفاه می‌شده است و این نشان می‌دهد که دیوان سالاری سامانیان دوزبانه بوده است



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



دیوان سپاه (عرض)

سپاه سامانی:

سپاه سامانی شامل سواره نظام، پیاده نظام و غلامان خاص سلطنتی می‌شد که بر دسته اخیر امیر سامانی نظارت داشت.

سواره نظام که به وسیله اشراف و زمینداران تشکیل شده بود در درجه نخست قرار داشت و پیاده نظام و افراد دیگری که همراه با سپاه حرکت می‌کرد اهمیت چندانی نداشتند.

دسته غلامان ترک (صف غلامان) بیشتر بر اساس سپاه ترک خلفا سازمان یافته بودند تا بر پایه سنن ایران باستان یا آسیای مرکزی. این گروه به تدریج قدرت یافته و به مشاغل عمده نظامی دست یافتند.



دیوان سپاه (عرض)

فصل سوم

غلامان ترك:

مشاغل عمده نظامی خصوصاً سپهسالاری در ابتدا در اختیار خاندانهای بزرگ ایرانی مانند اسفنجانی و چغانی بود؛ اما به تدریج غلامان ترك مانند سیمجوریان، الپتکین، تاش، فایق و دیگران بر این مناصب دست یافتند.

نفوذ غلامان ترك بر اثر جنگهای سامانیان با ترکان و اسارت تعداد زیادی از آنان، روزبه‌روز افزایش می‌یافت. غلامان به تدریج از چنان قدرتی برخوردار شدند که به راحتی در مسئله جانشینی امرای سامانی و اداره امور مداخله و اعمال نفوذ می‌نمودند. با نفوذ تدریجی ترکان از قدرت طبقه دیوانسالار کاسته شد و به تدریج این غلامان ترك بودند که بر امورات دولت سامانی تسلط یافتند و طبقه دیوانسالار را به زیر نفوذ خود درآوردند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تشکیلات ایالتی سامانیان

فصل سوم

نواحی زبانی و فرهنگی:

قلب دولت سامانی ماوراءالنهر بود. این ناحیه تا قبل از فتوحات اعراب مرکب از دولتهای کوچکی بود که میتوان آن را به سه ناحیه زبانی و فرهنگی تقسیم کرد:

- 1- **ناحیه خوارزم** که زبان نوشتاری و گویش رسمی آن زبان خوارزمی بود.
- 2- **سغدیانای بزرگ** که شامل سمرقند و بخارا و مناطق تحت نفوذ آنان چون فرغانه و شاش (= چاچ) میگردید که زبان آن سغدی بود.
- 3- **ناحیه باکتريا (= باختر)** که شامل چغانیان، بیشتر تاجیکستان امروزی و شمال افغانستان میگردید. زبان این ناحیه کوشانی - باکتریایی بود و خط آن در قرن اول ق خط یونانی بود که اندک اصلاحاتی در آن وارد شده بود.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تشکیلات ایالتی سامانیان

فصل سوم

قلمرو سامانی:

1- در **خوارزم** که در زمان اسماعیل بن احمد سامانی به تصرف دولت سامانی درآمدند، **آل عراق** و سپس **مأمونیان** قدرت داشتند و هر دو خراجگذار سامانیان بودند. خاندان مأمونی به دنبال سقوط سامانیان دارای استقلال شد، اما با به قدرت رسیدن سلطان محمود غزنوی برتری وی را به رسمیت شناخت.

2- **آل محتاج** که در ناحیه **چغانیان** دارای قدرت بود احتمالاً از همان روزگار امارت اسماعیل سامانی برتری سامانیان را پذیرفتند و به صورت یکی از خاندانهای با نفوذ قلمرو سامانی درآمدند که برای مدتی سپهسالاری خراسان را برعهده داشتند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تشکیلات ایالتی سامانیان

فصل سوم

قلمرو سامانی:

- 3- در نواحی شرقی‌تر در درهٔ وحش شاهزاده‌نشین **ختلان** قرار داشت .
- 4- ناحیهٔ **جوزجان** در جنوب رود جیحون در میمنهٔ افغانستان . دودمان **فریغونی** بر این ناحیه حکومت می‌نمود و تا به آخر به سامانیان وفادار ماند .
- 5- **غرجستان** (غرشستان) شامل ناحیه کوهستانی قسمت علیای مرغاب در افغانستان امروزی می‌گردید نیز تابع سامانیان بود. در این ناحیه **سلسله‌ای بومی که دارای لقب شار** بود حکومت داشت که در نهایت توسط سلطان محمود غزنوی منقرض گردید.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تشکیلات ایالتی سامانیان

فصل سوم

قلمرو سامانی:

6- سیستان پس از هجوم سامانیان در 298 ق به تصرف آنان درآمد، هر چند که دائماً در هر حال شورش و آشوب بود.

7- شاهان **بُست و غزنه** نیز به دنبال سقوط سیستان تابع سامانیان شدند. غزنه از ایام حکومت البتکین مستقل گردید و اگرچه از این پس برای مدتی با سامانیان همکاری داشت، از پرداخت خراج خودداری ورزید.

8- **خراسان پهناترین و ثروتمندترین** ایالت سامانیان در نبرد بلخ به تصرف سامانیان درآمد. این ایالت در آغاز توسط یکی از خویشان امیر سامانی و بعدها به دست یکی از غلامان معتمد اداره می‌گردید. حاکم این ایالت معمولاً منصب سپهسالاری یا صاحب الجیوش را که فرمانده کل سپاه سامانی بود، بر عهده داشت.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تشکیلات ایالتی سامانیان

فصل سوم

قلمرو سامانی:

9- ولایت **قهستان** در جنوب خراسان و شمال سیستان. پس از قدرت یافتن آل سیمجور در اقطاع آنان قرار گرفت و تا انقراض آنان توسط سلطان محمود در اختیار آنان باقی ماند.

10- **شهر ری و نواحی اطراف آن (جبال)** تنها در برخی از مقاطع به تصرف سپهسالاران سامانی درمی آمد. اما آل بویه سریعاً آن نواحی را پس می گرفتند. عموماً آل بویه متعهد می شدند که در قبال ری و مناطق همجوار مبالغی به دولت سامانی بپردازند.

11- **گرگان** در برخی مواقع به تصرف سامانیان درمی آمد اما این ایالت نیز بیشتر در اختیار آل بویه بود و برای مدتی نیز علویان طبرستان و آل زیار بر آن تسلط داشتند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اقتصادی سامانیان

فصل چهارم

تجارت :

از جمله عوامل مؤثر در توسعه تجارت و صنایع در ماوراءالنهر در دوره سامانی:

1- **موقعیت سوق الجیشی**. نزدیکترین راه برای تجارت میان دنیای ایرانی با ترکستان، چین، هند و جنوب روسیه بود و به همین علت نیز جاده معروف ابریشم از آن عبور می‌کرد.



2- **امنیتی** که دولت سامانی به وجود آورده بود.

3- **تجربه بسیار بالای مردم ماوراءالنهر** در زمینه تجارت و صنعت .

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اقتصادی سامانیان

فصل چهارم

تجارت :

1- تجارت با اروپای شرقی:

وظیفه تجارت با اروپای شرقی (مملکت خزرها در جنوب روسیه و بلغارهای کرانه ولگا) بر عهده **خوارزمیان** بود. و فور سکه‌های نقره سامانیان در اروپای شرقی خصوصاً در روسیه، لهستان و اسکاندیناوی نشان‌دهنده گسترش مبادلات تجاری سامانیان با نواحی مختلف دنیای آن روز بود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اقتصادی سامانیان

فصل چهارم

2- تجارت با چین:

جاده ابریشم که به چین می‌رفت در دوره سامانیان دارای رونق بود. **سغدیان** مقام اول در تجارت با چین را بر عهده داشتند. در این زمان چین صادرکننده کالاهای تجملی به قلمرو سامانیان بود. در مقابل سامانیان کالاهایی چون اسب و همچنین شیشه را که سمرقند و سایر شهرهای ماوراءالنهر در ساخت آن شهره بودند به چین صادر می‌کردند.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اقتصادی سامانیان

فصل چهارم

3- تجارت با ترکان:

ماوراءالنهر به دلیل ارتباط تنگاتنگ با قلمرو ترکان دارای اهمیت بود و خرید و فروش بردگان و غلامان ترك در این ناحیه جایگاه ویژه‌ای داشت و یکی از اقلام مهم صادراتی سامانیان غلامان ترك یا بردگانی بود که از قلمروشان به سایر نقاط ترانزیت می‌شد. سامانیان با گرفتن مالیات حق‌العبور از بردگان درآمد سرشاری به‌دست می‌آوردند و معمولاً به عنوان يك قلم از اقلام مالیاتی غیر نقدی یا هدیه غلامان ترك را به خلفای عباسی هدیه می‌کردند.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



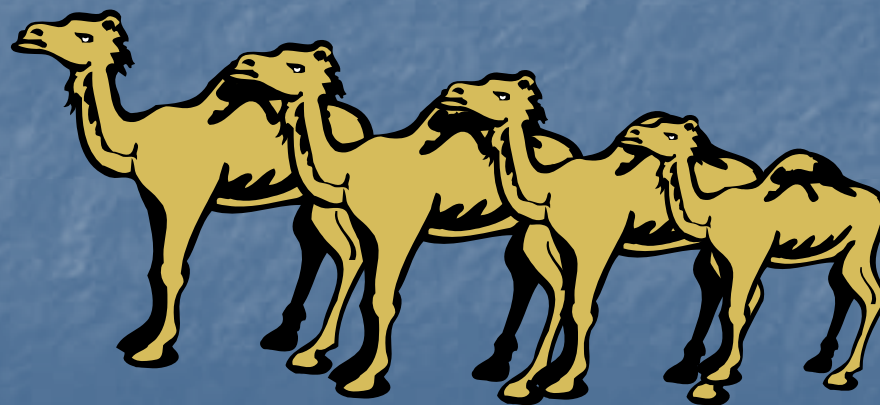
اوضاع اقتصادی سامانیان

فصل چهارم

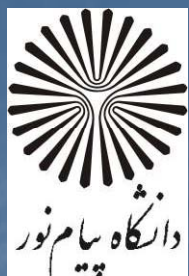
4- تجارت و انتقال فرهنگها:

کاروانهای تجاری از اقشار متعددی شامل تجار، غلامان، صنعتگران، نگهبانان، داعیان، و مبلغان مذهبی تشکیل می‌یافت و نقش مهمی در انتقال فرهنگ ایرانی به سایر نقاط داشتند.

بزرگانان سغدی فرهنگ ایرانی را به چین و شرق اقصی انتقال دادند و خوارزمیان نیز این فرهنگ را در اروپای شرقی اشاعه دادند.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اقتصادی سامانیان

فصل چهارم

5- کاروانها و راههای تجاری:

برای راحتی کاروانها و تسهیل تجارت در فواصل پنج فرسنگی کاروانسراهایی در مسیر رشتهای از چاههای آب و یا نقاط دفاعی مستحکم بنا شده بود که نقش مهمی در گسترش تجارت داشتند.



برای تسهیل تجارت رواج نوعی چک و برات مرسوم شده بود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اقتصادی سامانیان

فصل چهارم

کشاورزی :

اساسیترین رکن زندگی اقتصادی ایران بود. مالیات کشاورزی مهمترین منبع درآمد دولت سامانی بود. دشت بخارا توسط کانالهایی متعدد از آبراهه‌های زیر زمینی که بعداً کاریز نام گرفت، در این دوره بهره‌برداری می‌شد. کشاورزی در بخارا و ماوراءالنهر نشان‌دهنده یک سیستم فئودالی بود که علی‌رغم ماهیت سیستم فئودالی که گریز از مرکز بود، در این ناحیه به مرکزیت تمایل داشت. عامل اصلی چنین تمایلی وجود بیابانهایی بود که احتمال پیشروی ریگهای روان از آنها به سوی مناطق معمور وجود داشت. زیرا برای مبارزه با ریگهای روان نیاز به حرکت و همکاری دسته جمعی بود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اقتصادی سامانیان

فصل چهارم

صنعت :

سامانیان تحولی در وضعیت به وجود نیاوردند و صنعت رونق چندانی نداشت. صنعت کاغذسازی توسط اسرای چینی در سمرقند رواج یافته بود. در دره فرغانه، نفت از زمین استخراج می‌شد. گویا یکی از مهمترین موارد استعمال نفت استفاده در جنگها بود. صنعت پارچه‌بافی تا حدودی مرسوم بود. بخارا به واسطه پارچه‌های مخصوصی که در یکی از روستاهای آن به نام زندنه بافته می‌شد و زندیجی نامیده می‌شد، دارای شهرت بود. این پارچه‌ها به هند و عراق نیز صادر می‌شد.



اوضاع اجتماعي سامانيان

فصل چهارم

طبقات اجتماعي عصر ساماني:



تاريخ سياسي ، اجتماعي ، اقتصادي و فرهنگي ايران در دوره سامانيان ، ديلميان و غزنويان



اوضاع اجتماعی

فصل چهارم

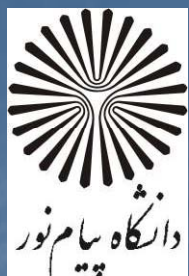
1- خاندان سلطنتی :

در رأس طبقات اجتماعی عصر سامانی، خاندان سلطنتی قرار داشت که امرای سامانی از آن برمی‌خاستند. شاهزادگان معمولاً پست‌های مهم سیاسی از جمله حکومت ایالات و شهرهای مختلف را بر عهده می‌گرفتند و همکاری نزدیکی با امیر داشتند. اما در برخی از موارد اعضای خاندان حاکمه برای به‌دست گرفتن مقام امارت به شورش در برابر امیر سامانی می‌پرداختند.

2- درباریان:

در این طبقه گروه‌های مختلفی چون فرماندهان سپاه، وزراء، حکام ایالات، شخصیت‌های درباری و خواص پادشاه قرار داشتند. اعضای این طبقه از قدرت زیادی برخوردار و از پرداخت مالیات نیز معاف بودند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اجتماعی

فصل چهارم

3- دبیران، ادبا، علما و روحانیون :

1- دبیران یا دیوانیان:

نقش مهمی در اداره امور سیاسی، اداری و نظامی دوره سامانی داشتند. در ابتدای کار سامانیان از سایر گروهها برتری داشتند. اما در سالهای پایانی دولت سامانی تحت تأثیر قدرت روحانیون و سپس ترکان قرار گرفتند و به نفع آنان قدرت خویش را از دست دادند.

2- اقشار متعددی چون قاضیان، کافیان، بندگان و والیان:

مقرری آنها تقریباً مساوی بود. مقدار مقرری به وضع هر ناحیه و ولایت بستگی داشت، ولی در يك ناحیه بین دیوانیان فرقی وجود نداشت.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اجتماعی

دبیران، ادبا، علما و روحانیون :

3- ادبا (ادیبان) شعرا و اطباء :

از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. دربار سامانیان به خاطر حمایت و تشویق امیران و وزراء محفل ادبا، شعرا و طبایبی بود که در آنجا گرد آمده بودند.

4- روحانیون و علمای دین :

در این دوره قدرت قابل توجهی بودند و ریاست معنوی جامعه را داشتند. سامانیان می‌کوشیدند تا با حمایت از آنان کنترل فکری جامعه را در اختیار گیرند.

روحانیون وظایفی چون قضاوت، تعلیم و تربیت، پاسخگویی به سؤالات شرعی و فکری و ساخت ابنیه عام‌المنفعه به دلیل در اختیار داشتن نهاد وقف، را بر عهده داشتند.

اگرچه ارتباط میان دولت سامانی و روحانیت، به‌طور کلی مسالمت آمیز بود، اما این روابط در برخی موارد دچار تنش‌های شدیدی نیز گردید.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اجتماعی

فصل چهارم

4- سپاهیان، تجار و پیشه‌وران جزء:

آنان را شاید بتوان طبقه متوسط عصر سامانی قلمداد کرد. هر چند که فرماندهان سپاه و رؤسای تجار و پیشه‌وران را می‌توان جزء اشراف جامعه قلمداد کرد.

1- سپاه:

مرکب از **دهقانان و اتباعشان، ترکان و بندگان زرخرید**. در ابتدای کار سامانیان دهقانان از قدرت نظامی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند، ولی در اواخر ترکان بخش قابل توجه سپاه را تشکیل می‌دادند.

غازیان (داوطلبان جهادگر) یکی از گروه‌های اجتماعی ماوراءالنهر بودند. حضور غازیان در ماوراءالنهر تا زمانی که ترکان به اسلام گرایش نیافته بودند، برای مقابله با آنان حیاتی بود. اما با گرایش ترکان به اسلام، زمینه‌ای برای حضور غازیان در ماوراءالنهر وجود نداشت و آنان متوجه سایر مرزهای جهان اسلام شدند.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



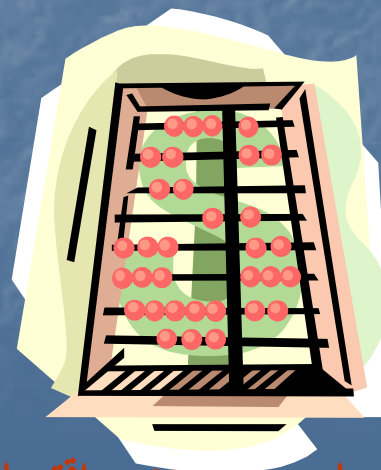
اوضاع اجتماعی

فصل چهارم

سپاهیان، تجار و پیشه‌وران جزء:

2- پیشه‌وران و تجار:

وضعیت مناسبی داشتند. در شهرها معمولاً بازار محل تجمع کسبه، صاحبان حرف و صنایع و تجار بود و هر رسته‌ای از آنان محله و کوی مخصوص به خود را داشت. در بازار خانبارها و کاروانسراهایی برای داد و ستد وجود داشت که هر يك از کاروانسراها دارای کالایی به‌خصوص بود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اجتماعي

فصل چهارم

5- توده مردم:

در پاي هرم طبقاتي عصر ساماني توده مردم بودند، که به مشاغلي چون کشاورزي و دامداري اشتغال داشتند. معمولاً در روستاها مي‌زیستند وضع اقتصادي مناسبی نداشتند زیرا بار سنگین خراج و مالیات بر عهده آنان بود. علاوه بر آن مجبور بودند تا به عنوان پیاده نظام در جنگها بدون آنکه دستمزد خاصی داشته باشند حضور یابند.

سطح زندگي توده مردم رابطه مستقیمی با شخصیت امیر سامانی داشت، زیرا هر گاه امیری قدرتمند و خدا ترس در رأس قدرت قرار می‌گرفت به دلیل حمایتی که از توده مردم می‌نمود امکان ظلم و ستم نسبت به آنان بسیار کم بود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اجتماعی

فصل چهارم

6- بردگان:

از مهمترین ویژگیهای جامعه سامانی حضور تعداد زیادی از بردگان ترك بود. از همان نخستین برخوردهای مسلمانان با تركان بردگان ترك به جهان اسلام راه یافتند و بر تعداد آنان افزوده شد.

در دوره سامانیان به دنبال **غزواتی** که اسماعیل سامانی با تركان داشت تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنان به عنوان اسیر وارد قلمرو سامانیان شدند که این مسئله در دوران امیران بعدی سامانی نیز ادامه یافت. همچنین تعداد قابل توجهی از غلامان ترك **توسط بازرگانان و تجار** وارد ماوراءالنهر می‌شدند.

این غلامان ترك به تدریج به **واسطه توانایی که در به کار بردن سلاح داشتند** و به **دلیل وفاداری قابل توجهی که به صاحبان قدرت** نشان می‌دادند در سپاه و دربار سامانیان نفوذ نمودند و از چنان قدرتی برخوردار شدند که مشاغل حساس نظامی و اداری را تصاحب نمودند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اجتماعی

فصل چهارم

دهقانان:

دهقانان در دوره سامانیان ستون فقرات جامعه به حساب می‌آمدند و به دلیل وجود اینان بود که بسیاری از آداب و رسوم ایران باستان محفوظ مانده و وارد دنیای اسلام شده بود. دهقانان عموماً محافظه‌کار و خواهان حفظ وضع موجود و عدم به وجود آمدن تحول در وضعیت موجود جامعه بودند و به واسطه همین ویژگی آنان بود که جامعه سامانی و خصوصاً ماوراءالنهر بعد از اسلام دچار تحول چندانی نشده بود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



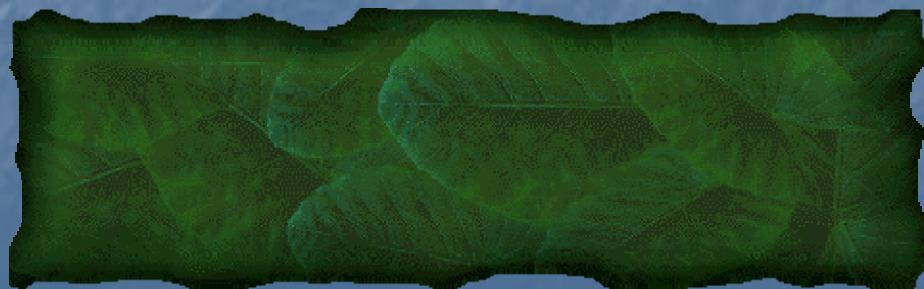
اوضاع اجتماعی

فصل چهارم

دهقانان:

علل قدرت یافتن طبقه دهقان:

یکی از مهمترین عواملی که در دوره ساسانیان و پس از آن در دوره اسلامی منجر به قدرت یافتن طبقه دهقان گردیده بود عملکرد مالی این طبقه بود. دهقانان نقش واسطه میان مردم و دولت را داشتند زیرا با جمع آوری مالیاتها از توده کشاورز کمک بسیار بزرگی به دولت می نمودند .



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره ساسانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اجتماعی

فصل چهارم

دهقانان:

علل اضمحلال قدرت طبقة دهقان:

- اضمحلال طبقه دهقان در اواخر دوره سامانیان به واسطه
- 1- رشد شهر نشینی و بزرگ شدن شهرها
 - 2- تمایل دهقانان برای اقامت در شهرها و رها نمودن کشت و زرع
 - 3- افزایش قدرت دستگاه اداری و طبقه دیوان سالار بود.
- با افزایش قدرت دستگاه اداری و تمرکز گرایی این دستگاه، طبقه دهقانان بسیاری از اختیارات سنتی و در نتیجه قدرت خویش را از دست داد.
- به تدریج قدرت دهقانان به اندازه‌ای کاهش یافت که دهقان مترادف با کشاورز ساده و بی‌زمین گردید.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اجتماعی

فصل چهارم

دهقانان:

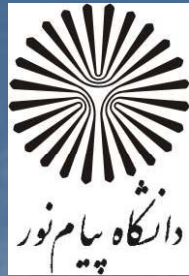
نتایج اضمحلال قدرت طبقة دهقان:

با از بین رفتن قدرت دهقانان زمینه برای نفوذ و قدرت یافتن ترکان فراهم گردید و این امر منجر به کنار گذاشتن کامل دهقانان و ترك شدن تدریجی ماوراءالنهر گردید. ترکان موفق شدند خاندانهای دهقان ایرانی را که مناصب مهمی چون سپهسالاری خراسان را در اختیار داشتند به کنار زده و خود این منصب را در اختیار گیرند و بر سپاه و دربار استیلا یابند. ترکان به تدریج به رقابت با خود پرداختند که این خود یکی از عوامل ضعف دولت سامانی بود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان

اوضاع فرهنگی عصر سامانی



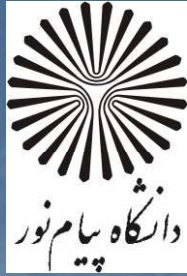
دوره حکومت نصر بن احمد :

سامانیان به واسطه نقشی که در حفظ آداب و رسوم، اعتقادات و فرهنگ و ادب فارسی داشتند، احیاءگر فرهنگ و ادب ایرانی هستند. اگرچه تقریباً همه امیران سامانی در رشد ادب فارسی نقش داشتند، **دوره نصر بن احمد** را می‌توان دوره شکوفایی ادب و فرهنگ فارسی دانست. وزرای وی همچون ابو عبدالله جیهانی، بلعمی و ابوطیب محمد بن حاتم مُصعَبی نیز در این خصوص اهتمام می‌ورزیدند. رودکی ابودلف نیز از جمله ادبای دوره او هستند.

کتابخانه بخارا، از کتابخانه‌های عظیم جهان به شمار می‌آید چنان که ابن سینا اشاره کرده دارای کتب بسیار نادری بوده است.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان

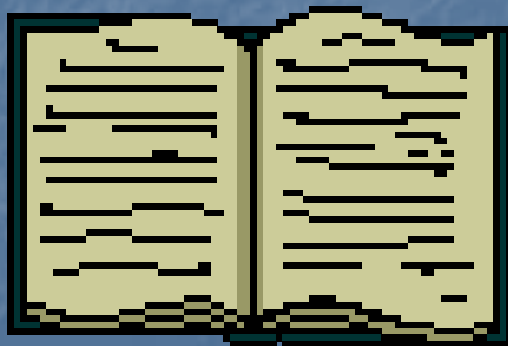


اوضاع فرهنگی عصر ساسانی

فصل چهارم

دوره فرمانروایی نوح بن نصر:

در این دوره کتب فلسفی بسیاری از زبان یونانی به پارسی دري ترجمه شد، اما از آنجایی که صحت این ترجمه‌ها، قابل اطمینان نبود، نوح بن نصر از ابونصر فارابی درخواست کرد تا بعد از تحقیق و تفحص کافی در آن ترجمه‌ها، ترجمه صحیح و جامعی تهیه نماید. فارابی نیز در پی این دستور، کتابی تحت عنوان تعلیم‌الثانی فراهم آورد. فارابی از آن پس به معلم ثانی شهرت یافت.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره ساسانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع فرهنگی عصر سامانی

فصل چهارم

دوره عبدالملک بن نوح:

ابومنصور محمد بن عبدالرزاق کنارنگ طوس وزیر خود، ابومنصور معمري و عده‌اي از تاريخدانان کهن را به نوشتن **شاهنامه ابومنصوري** واداشت. ابومنصور معمري وزير پس از جمع‌آوري اطلاعات مورد نظر، بر آن مقدمه‌اي سودمند به زبان فارسي نوشت که به **مقدمه قدیم شاهنامه** شهرت يافت و امروزه از آن اثر تنها همين مقدمه باقيمانده است.



ابوصالح منصور بن نوح:

در دوره اين امير بود که ابو علي محمد بن بلعمي پسر ابوالفضل بلعمي وزير، **تاريخ طبري** را از عربي به فارسي ترجمه کرد که به **تاريخ بلعمي** شهرت يافته است

تاريخ سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي ايران در دوره سامانيان، ديلميان و غزنويان



اوضاع فرهنگی عصر سامانی

فصل چهارم

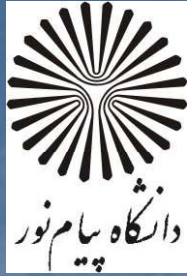
نوح بن منصور:

او به ابو منصور محمد بن احمد دقیقی، بزرگترین شاعر اواخر عهد سامانیان دستور داد تا تاریخ حماسی ایران قبل از اسلام و آداب و رسوم باستانی را که فقط در تصانیف قوالان و قصه‌گویان باقی مانده بود به رشته نظم درآورد.

اسماعیل منتصر:

جوانی ادیب و صاحب ذوق بود. او اشعاری فصیح و بلیغ در نهایت ظرافت و لطافت سروده است که نمونه‌هایی از آن در **لباب‌الالباب** آمده است.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع مذهبی عصر سامانی

فصل چهارم



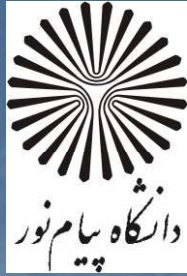
1- تسنن :

مذهب رسمی دوره سامانی **تسنن** بود و مذهب **حنفی** پیروان بیشتری داشت. امیران سامانی حنفی مذهب بودند به همین علت بخارا یکی از مراکز عمده مذهب حنفی بود. پس از آن مذهب شافعی در ماوراءالنهر طرفداران بیشتری داشت.

2- تشیع:

در ماوراءالنهر دارای پیروانی بود. پس از مرگ نصر بن احمد سختگیری نسبت به شیعیان افزایش یافت به گونه‌ای که آنان مذهب خویش را پنهان می‌داشتند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع مذهبی عصر سامانی

فصل چهارم

3- اسماعیلیان:

آنان موفق شدند حسین بن علی مرو رودی را که از امرای بزرگ سامانی بود به مذهب اسماعیلی درآوردند. وی مدتی بعد رئیس اسماعیلیان خراسان شد و قیامی نافرجام بر علیه نصر بن احمد سامان داد که به قتل وی منجر شد.

4- سایر ادیان:

به دلیل روحیه تساهل و تسامحی که سامانیان داشتند، امکان حیات سایر ادیان و مذاهب نیز در قلمرو آنان وجود داشت. جیهانی وزیر نصر بن احمد، مانوی و دقیقی شاعر دربار منصور بن نوح و نوح بن منصور، زردشتی بود. تعداد زیادی بودایی، یهودی، مسیحی و همچنین شماری از خرمدینان و سپیدجامگان نیز در قلمرو سامانیان میزیستند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی آل‌زیار

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



جغرافیای دیلم و صفحات جنوبی دریای خزر

1- ناحیه گیلان: که اعراب آن را جیل و جیلان می‌نامیدند به سه ولایت مجزا تقسیم می‌گردید:

جیل (جیلان) دیلم (دیلمان) طالش (طالشان)

2- طبرستان: یا مازندران در مشرق گیلان قرار گرفته و شامل منطقه ساحلی و کوهستانی جنوب دریای خزر بود.

3- ایالت جرجان:، یا گرگان در جنوب شرقی دریای خزر و مشتمل است بر جلگه‌های پهناوری که دو رود اترک و گرگان آنها را سیراب می‌سازد. در زمان قدیم این ایالت هر چند از توابع خراسان شمرده می‌شد ولی در حقیقت مستقل بود.



سامانیان و تلاش برای تسلط بر میراث علویان

- 1- اخراج عامل طاهریان از طبرستان در 250 ق توسط علویان و تشکیل سلسله مستقل علویان طبرستان.
 - 2- بقدرت رسیدن سامانیان در خراسان و تلاش علویان برای نفوذ در گرگان و خراسان و آغاز دشمنی میان آنان و سامانیان .
 - 3- کشته شدن محمد بن زید داعی علوی و تسلط چهارده ساله سامانیان بر طبرستان .
 - 4- پیروزی علویان طبرستان به رهبری ابو محمد حسن بن علی الاطروش ملقب به ناصر کبیر بر سامانیان .
 - 5- حکمرانی حسن بن قاسم معروف به داعی صغیر و فتح ری و ولایت جبال تا قم همراه با سردارش ماکان بن کاکي.
 - 6- درگیری های سامانیان _ ماکان _ مرداویج زیاری و داعی صغیر که در نهایت منجر به برتری سامانیان شد و اسفار از امرای لشکر ماکان که طبرستان تا سمنان را متصرف شده بود سروری سامانیان را پذیرفت.
- تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



قدرت یافتن آل زیار

امیر نصر سامانی اسفار را بر حکومت گرگان ابقاء نمود و او را مأمور مقابله با علویان کرد. اسفار در چنین شرایطی به فراخواندن سایر دیلمیانی که در مخالفت با علویان به سامانیان پیوسته بودند پرداخت.

معروفترین این شخصیتها مرداویج بن زیار بن وردانشاه گیلی بود. او در ابتدا از امرای سپاه داعی صغیر بود، اما مورد غضب واقع شد و به ناچار به سامانیان پیوست. به همین علت بلافاصله دعوت اسفار را پذیرفت و با سپاهیان گیلی خود از خدمت قراتگین سردار سامانیان به اسفار پیوست و فرماندهی سپاهش را بر عهده گرفت. سوء رفتار اسفار سبب شد تا به تدریج عناصر ناراضی در سپاه افزایش یابند مرداویج بن زیار با استفاده از وضع موجود شورش کرد. این شورش به قتل اسفار منتهی شد.

کشته شدن اسفار به معنی آغاز سلسله زیاری به ریاست مرداویج در 319 ق بود.



اولین اقدامات مرداویج

- 1- دلجویی از مردم قزوین و لغو مالیاتهای سنگینی که اسفار بر آنها نهاده بود
- 2- دادن عطایا و مقرری قابل توجه به سپاهیان. این امر سبب شد تا از مناطق مختلف تعداد زیادی به سپاه او پیوستند.
- 3- توسعه قلمرو و تصرف شهرهای اصفهان، همدان، دینور و حلوان و مناطق اطراف آن و فتح جبال و خوزستان که در چنگ والیان خلیفه بود.

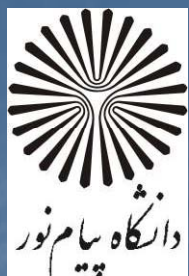




مرداویج و خلافت

مرداویج با تلقینهای منجمان و متملقان به همراه سپاه قدرتمند و خزاین بیشماري که داشت درصدد برآمد تا با از بین بردن دستگاه خلافت عباسی، شکوه و جلال ایران در عهد خسروان را احیاء نماید. ولی به دلایل زیر با خلیفه سازش کرد:

- 1- دریافت که شرایط برای چنین تحویلی در آن زمان مهیا نیست .
- 2- تلاش دولت سامانی برای تسلط بر گرگان و طبرستان و همچنین ادعای آنان در مورد شهری
- 3- تلاش برخی از سران دیلم برای کسب قدرت در مناطق از دست داده در جنوب و مرکز
- 4- حضور ماکان بن کاکي که مورد حمایت سامانیان نیز بود در شمال ایران



مرداویج و خلافت

توافق مرداویج و خلیفه عباسی:

مهمترین درخواست مرداویج از خلیفه آن بود که آنچه را که خود از سرزمینهای مشرق خلافت به غلبه تصرف کرده بود، خلیفه به مقاطعه به او و اگذار نماید. خلیفه این شرط را پذیرفت و در مقابل مرداویج متعهد شد که سالیانه دویست هزار دینار بابت اقطاع آن نواحی به درگاه خلیفه بپردازد. با این قرار خلیفه با ارسال منشور و لوا و خلعت برای مرداویج روابطش با مرداویج را عادی ساخت.





مرداویج و سامانیان

پس از شکست تلاشهای اولیه ماکان و سامانیان در تصرف گرگان و طبرستان نصر بن احمد در 321 ق شخصاً در صدد لشکرکشی به آن حدود برآمد. در نتیجه مرداویج ناچار به عقد قرار داد صلح با سامانیان شد :

- 1- گرگان به سامانیان واگذار گردید.
- 2- مرداویج در ازای تصرف ری سالیانه به امیر سامانی خراج بپردازد.





مرداویج و آل بویه

به دنبال صلح میان مرداویج و سامانیان ، او این امکان را یافت تا متوجه قدرت یافتن آل بویه در جنوب شود.

ابوالحسن علی بویه یکی از سرداران ماکان بن کاکي بود که پس از پیروزی مرداویج بر ماکان همراه با دو برادر خویش حسن و احمد به مرداویج پیوست و پس از مدتی از جانب مرداویج به حکومت کرج ابي دلف منصوب شد .
توسعه طلبی علی به اختلاف مرداویج و او منتهی شد. پس از آنکه مرداویج موفق شد اهواز را متصرف شود، علی با مرداویج صلح کرد.



مرداویج و آل بویه

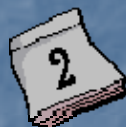
قرار داد صلح مرداویج و علی آل بویه:

علی آل بویه متعهد شد:

نام مرداویج را در خطبه ذکر کند.



اموالی برای مرداویج ارسال دارد.



برادرش حسن را به عنوان گروگان به دربار مرداویج اعزام نماید.





وِشمگیر زیاری

آغاز حکومت وِشمگیر زیاری:

قتل مرداویج به منزلة پایان نقشه‌های جاه طلبانه وی مبني بر تصرف بغداد و ایجاد يك شاهنشاهی ایرانی و احیاء سنت‌های ایرانی بود. زیرا بلافاصله با قتل وی بخشی از سپاه ترکش به آل‌بویه و بخشی دیگر به خلیفه عباسی پیوستند. اما با این وجود بخش اعظم دیلمیان و گیل‌های سپاه زیاری از خوزستان و اصفهان و سایر نقاط به ری بازگشتند و به وِشمگیر برادر مرداویج پیوستند.





رویدادهای دوره وشمگیر زیاری

فصل پنجم

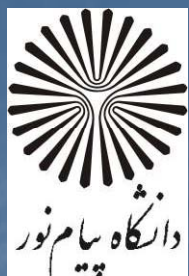
1- درگیری با سامانیان: زیرا سامانیان که گرگان و ری را بخشی از قلمرو خویش می‌دانستند با دریافت خبر قتل مرداویج در صدد باز پس گرفتن آن مناطق برآمدند .

2- مقابله با جاه‌طلبیهای آل‌بویه در مرکز ایران .

3- در طبرستان حسن‌بن فیروزان پسر عموی ماکان و والی ساری که وشمگیر را مسئول مرگ ماکان می‌دانست به مخالفت با وی برخاست. حسن‌بن فیروزان از وشمگیر شکست خورد و به ابوعلی چغانی در خراسان پیوست و او را واداشت که به طبرستان لشکر کشد.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



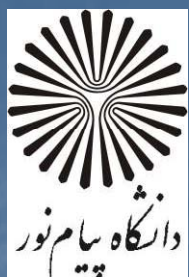
رویدادهای دوره بیستون زیاری

فصل پنجم

1- اختلاف با برادرش قابوس بر سر حکومت

2- کسب حمایت آل بویه و دریافت لقب ظهیرالدوله از المطیع خلیفة دست‌نشانده آل بویه. بنابراین بار دیگر رقابت میان آل بویه و سامانیان برای تسلط بر شمال ایران به نفع آل بویه به اتمام رسید.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



قابوس زیاری و آل بویه

فصل پنجم

- 1- قابوس با حمایت عضالدوله قدرت را در گرگان و طبرستان بدست گرفت. اندکی بعد به کمک عضالدوله لقب شمس المعالی را از خلیفه الطایع دریافت کرد. به این ترتیب بار دیگر آل بویه موفق شدند سیادت خود را در شمال ایران تحکیم نمایند.
- 2- اختلاف عضالدوله با قابوس به دلیل طرفداری قابوس از فخرالدوله برادر و رقیب عضالدوله. ولایات زیاری در حدود هفده سال به تصرف مستقیم آل بویه درآمد و قابوس این مدت را به عنوان تبعیدی در دربار سامانیان بسر برد.
- 3- در زمان حکمرانی مجدالدوله فرزند فخرالدوله قابوس وارد گرگان شد و مورد استقبال طرفدارانش واقع شد. او پس از استقرار در گرگان موفق شد تا تلاشهای مجدالدوله و مادرش را برای تسلط بر گرگان خنثی نماید.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



قابوس زیاری و سامانیان و غزنویان

فصل پنجم

قابوس در طی دوره امارت طولانی‌اش چندین بار به اسماعیل منتصر شاهزاده فراری سامانی که برای احیاء قدرت سامانیان می‌کوشید پناه داد و حتی کمک نظامی نمود. او در این مدت اگر چه روابط بسیار حسنه‌ای با محمود غزنوی برقرار کرد، تنها سیادت و قیمومیت خلیفه عباسی را پذیرا شد.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



قابوس زیاری

فصل پنجم

قابوس بسیار عالم و ادیب بود . در ترسل به عربی از صاحب سبکهای به نام زمانه خویش به شمار می رفت . همچنین هم به فارسی و هم به عربی شعر می سرود که بخشی از آنها باقیمانده است . در دربار وی بسیاری از دانشمندان معروف چون بیرونی و ابن سینا حضور داشتند .

قابوس معتقد به مذهب تسنن بود و همچون سلطان محمود از فعالیت شیعه و معتزله در قلمرو خویش جلوگیری می کرد



تاریخ سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان ، دیلمیان و غزنویان



منوچهر فلک المعالي

فصل پنجم

حکومت منوچهر از همان ابتدا مورد تأیید خلیفه قرار گرفت که او را ملقب فلک المعالي نمود.

منوچهر از همان ابتدای کار سیادت سلطان محمود غزنوی را که قدرتمندترین امیر ایران به حساب می‌آمد پذیرفت و متقبل پرداخت خراج سالیانه نیز گردید.

او حتی با تزویج یکی از دختران سلطان محمود روابطش را با غزنویان بسیار مستحکم نمود. این روابط صمیمانه سبب می‌شد تا سلطان محمود از حمایت احتمالی از برادرش دارا بن قابوس که در زمان حیات قابوس به سلطان محمود پیوسته بود، خودداری ورزد.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



انوشیروان شرف المعالی

فصل پنجم

در کودکی به قدرت رسید. سلطان محمود و سپس مسعود جانشینی او و حکومتش را بر منطقه متصرفی به رسمیت شناختند.

اقدامات دایی وی ابوکالیجار سپهسالار سپاه زیاری برای کسب قدرت موجب شد مسعود غزنوی بشرط پرداخت خراج از سوی ابوکالیجار فرمانروایی وی بر گرگان و طبرستان را به رسمیت شناسد.

در 433 ق انوشیروان توفیق یافت تا به کمک مادرش ابوکالیجار را دستگیر و زمام امور را در دست گیرد. این تحولات مصادف با آغاز کار سلجوقیان در ایران بود. طغرل با دیدن اوضاع ناآرام گرگان در همان سال آنجا را متصرف شد و انوشیروان را وادار به پذیرش برتری‌اش در گرگان و طبرستان نمود. به این ترتیب شمال ایران چون سایر نقاط در اختیار دولت تازه تأسیس سلجوقی قرار گرفت.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان

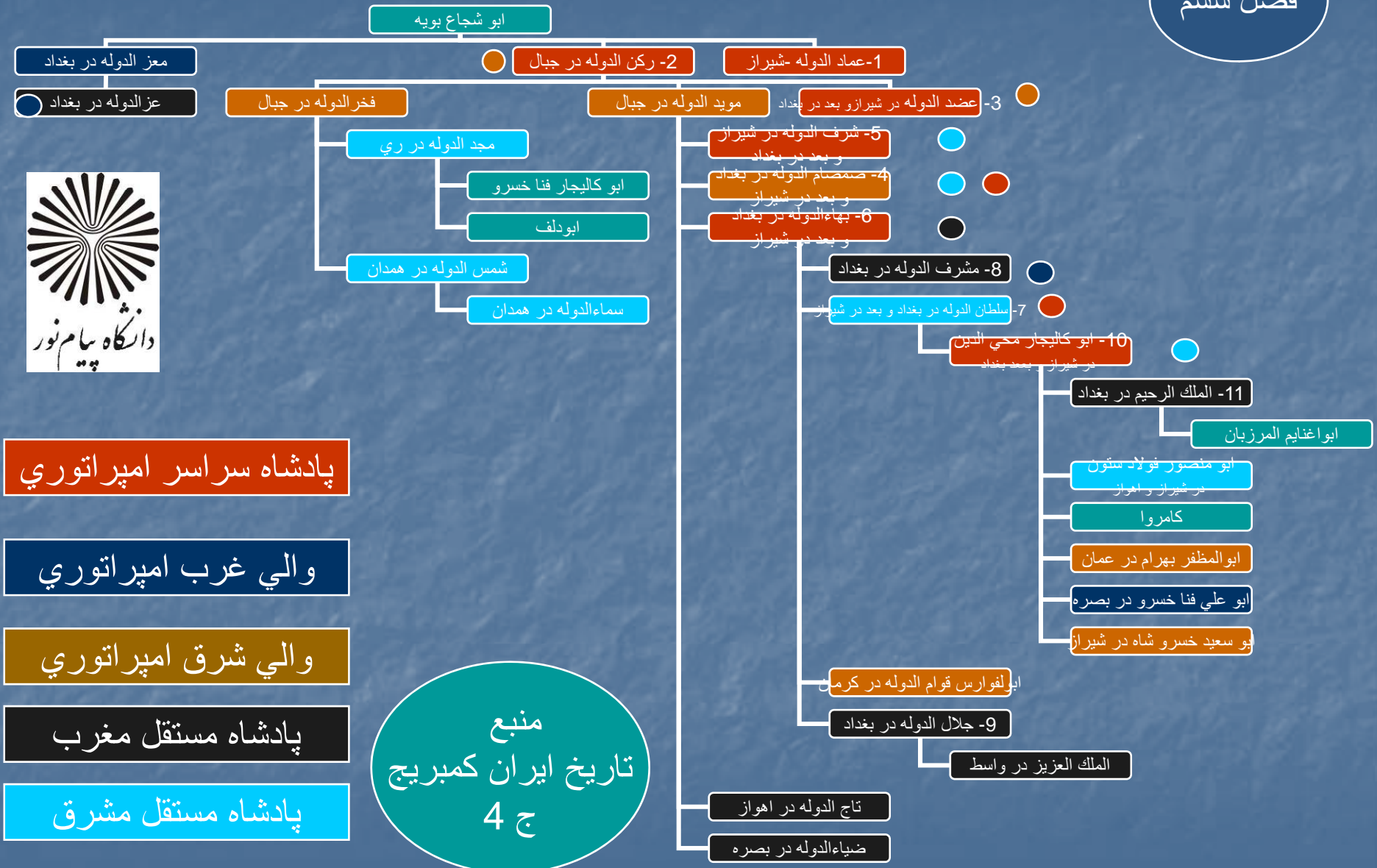


تاریخ سیاسی آل بویه

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان

تاریخ سیاسی آل بویه

فصل ششم





تاریخ سیاسی آل بویه

آغاز به کار آل بویه:

فصل ششم

عمادالدوله علی:

- 1- مرداویج حکومت شهر کرج ابي دلف را به عمادالدوله واگذار نمود.
- 2- افزایش قدرت و قلمرو در کرج. چون متوجه حمله مرداویج شد به اصفهان رفت. واز از آنجا به شیراز گریخت.
- 3- ورود عمادالدوله به شیراز به معنی تشکیل سلسله جدیدی به نام آل بویه در تاریخ ایران بود.
- 4- در شیراز عمادالدوله غنایم بسیار زیادی به دست آورد که بعدها او را در تجهیز سپاه برای گسترش قلمروش یاری داد.
- 5- الراضی خلیفه عباسی حکومت او بر فارس را مشروط بر پرداخت سالانه هشت میلیون درهم به رسمیت شناخت.
- 6- قتل مرداویج زمینه توسعه قدرت آل بویه را فراهم آورد.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



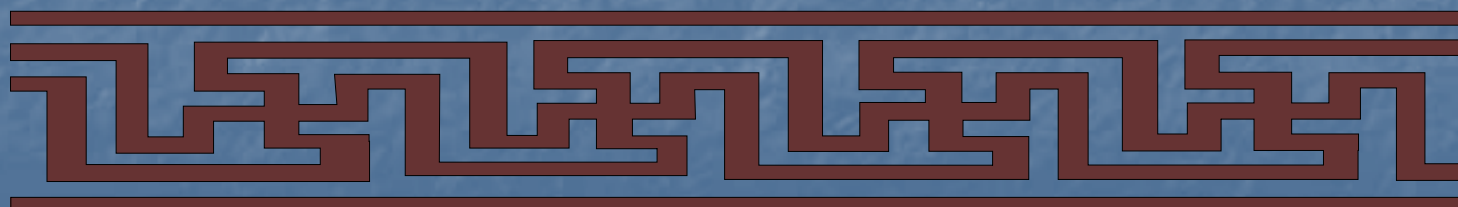
تاریخ سیاسی آل بویه

آغاز به کار آل بویه:

فصل ششم

رکن الدوله حسن :

که به عنوان گروگان در دربار مرداویج به سر می برد، با قتل وی به فارس گریخت و با گرفتن نیروی نظامی متوجه اصفهان شد. فتح اصفهان به آسانی صورت گرفت زیرا وشمگیر که درگیر مبارزه با سامانیان بر سر ری بود. به این ترتیب قلمرو آل بویه شامل فارس و اصفهان گردید.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی آل بویه آغاز به کار آل بویه:

فصل ششم

معزالدوله احمد :

- 1- احمد به فرمان برادرش علی ، سامانیان و ماکان کاکي را از کرمان بیرون کرد.
- 2- به دلیل اوضاع نابسامان خوزستان عمادالدوله برادرش احمد را مأمور تصرف اهواز نمود. احمد بر آن شهر تسلط یافت و آن را به صورت پایگاهی برای هجوم به بغداد درآورد. یکی از مهمترین عواملی که آنها را تحریک به این کار می‌نمود، وجود اختلاف میان امرای ترک سپاه خلیفه بود که توان نظامی آنان را به تحلیل می‌برد.
- 3- احمد بغداد را متصرف شد. 4- معزالدوله در بین‌النهرین با دو خطر جدی روبرو بود. بریدیان در بصره و واسط و ، حمدانیان موصل در بین‌النهرین بودند، که به رهبری ناصرالدوله برادر سیف‌الدوله می‌کوشیدند آل بویه را از بغداد بیرون رانند.



تاریخ سیاسی آل بویه آغاز به کار آل بویه:

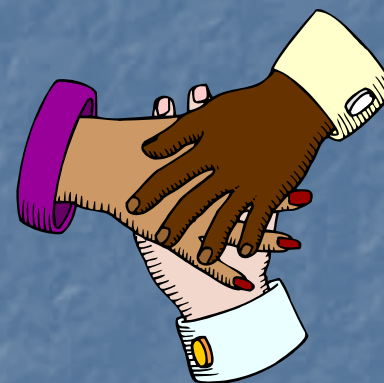
فصل ششم

آل بویه و خلافت:

پس از تصرف بغداد، مستکفی عنوان امیر الامرائی و لقب معزالدوله را به احمد داد و لقب عمادالدوله و رکنالدوله را به دو برادر دیگرش علی و حسن بخشید. معزالدوله در همان آغاز کار در صدد برآمد تا به نقل خلافت از آل عباس به آل علی بپردازد، اما مشاورانش او را از این کار مانع شدند. با این وجود او که بر همه امور خلافت تسلط یافته بود، هیچ اعتقادی به آن نداشت و مدتی بعد بواسطه سوءظنی که نسبت به مستکفی یافت او را معزول و خلیفه دیگری با لقب المطیع لله را برمسند نشانید.

دوره اوج قدرت آل بویه

سه شاخه حکومت آل بویه
در دوره اوج قدرت



احمد معز الدوله در عراق

عضدالدوله پسر رکن الدوله
و جانشین علی عمادالدوله
در فارس

رکن الدوله حسن بزرگ
خاندان که امیرالامرا بود
در اصفهان و ری و همدان.



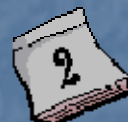
دوره اوج قدرت آل بویه

مشکلات حسن رکن الدوله امیرالامرای آل بویه :

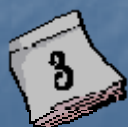
1- درگیری با سامانیان و متحدان آنان (زیاریان) که می‌کوشیدند تا مجدداً بر نواحی مرکزی و شمال ایران دست بزنند



2- کشمکش و اختلاف با آل مسافر



3- جلوگیری از تلاش فرزندش عضدالدوله برای تسلط بر عراق و از بین بردن شاخه عراق





دوره اوج قدرت آل بویه

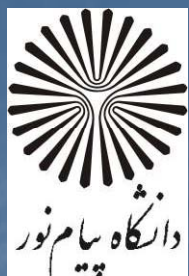
مهمترین مسائل آل بویه عراق در زمان معز الدوله و جانشینش عزالدوله:

1- حمدانیان برخلاف قرارداد صلحی که با معز الدوله به امضاء رسانده بودند هر گاه امکان می‌یافتند از پرداخت خراج سر باز می‌زدند.

2- مهمترین فتح سالهای پایانی حیات معز الدوله فتح ناحیه عمان به کمک قوای عضدالدوله بود.

3- تحریکات نظامی روم شرقی در شمال بین‌النهرین در زمان عزالدوله با درگذشت امیر حلب سیف‌الدوله حمدانی، بزرگترین پایگاه مقاومت در برابر بیزانس از بین رفت و این امر سبب تحریکات رومیها گشت.





دوره اوج قدرت آل بویه

مهمترین مسائل آل بویه عراق در زمان معز الدوله و جانشینش عزالدوله:

4- عدم موفقیت عزالدوله در جنگ با شاهینیان جنوب عراق که در زمان پدرش نیمه کاره رها شده بود .

5- شکست وی از حمدانیان موصل موضع او را بیش از پیش دچار ضعف نموده بود .

6- دومین مشکلی که عزالدوله با آن روبرو شد، شورش ترکان سپاهش بود. با تسلط آل بویه بر بغداد، از قدرت ترکان به نفع دیالمه کاسته شده بود. همچنین اختلافات مذهبی نیز در نارضایتی ترکان مؤثر بود.

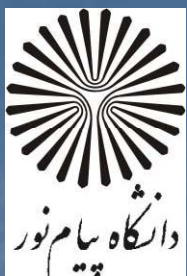
عزالدوله پس از شکست از حمدانیان در صدد مصادرة اقطاع ترکان برآمد تا مشکلات مالی اش را برطرف سازد و در همان ایام سبکتکین را از سپهسالاری سپاهش معزول نمود. این امر سبب شورش ترکان شد. عزالدوله با کمک عضدالدوله بر این مشکل فایق آمد.



دوره اوج قدرت آل بویه

عضدالدوله و حکومت شاخه عراق آل بویه:

1- با شورش ترکان ، رکنالدوله پسرش عضدالدوله را مأمور نجات عزالدوله نمود. عضدالدوله پس از شکست شورش ترکان ، با تمدید اقامت خود در عراق به بهانه رسیدگی به وضعیت سپاه و برقراری نظم قدرت را در دست گرفت. اقدام عضدالدوله برخلاف انتظار ، با عکس العمل شدید پدرش رکنالدوله مواجه شد. عضدالدوله که دریافته بود از لشکر کشی به بغداد نه تنها سودی نبرده بلکه این احتمال نیز وجود دارد که حق جانشینی بعد از پدرش را نیز از دست بدهد، ب فکر چاره جویی برآمد. ابوالفتح بن العمید، وزیر رکنالدوله، موفق شد موجبات ملاقات دوستانه پدر و پسر را در اصفهان فراهم آورد. در این ملاقات رکنالدوله ضمن آنکه عضدالدوله را به جانشینی منصوب نمود، حکومت ری و همدان را به فخرالدوله و مؤیدالدوله واگذار نمود و آنان را ملزم به پذیرش امیرالامرای عضدالدوله نمود.



دوره اوج قدرت آل بویه

عضدالدوله و حکومت شاخه عراق آل بویه:

2- با مرگ رکن‌الدوله تجزیه قلمرو آل بویه آغاز شد. عزالدوله که از عضدالدوله وحشت داشت بلافاصله پس از درگذشت رکن‌الدوله برای آن که متحدانی در برابر عضدالدوله داشته باشد، اقدامات زیر را انجام داد:

• دخترش را به عقد خلیفه الطایع درآورد و روابط دوستانه‌ای با خلیفه برقرار کرد.
• با ابوتغلب بن حمدان فرمانروای موصل و عمران بن شاهین صاحب بطایح و حسنویه فرمانده کردان برزیکانی در ناحیه جبال، متحد گردید.

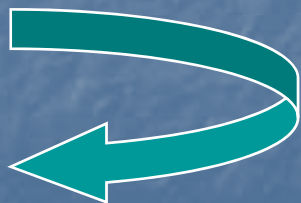
عضدالدوله در 366 ق با درهم شکستن قوای عزالدوله و متحدانش بغداد را تصرف کرد. عزالدوله به قلمرو ابوتغلب در سوریه گریخت و مدتی بعد با اتحاد با ابوتغلب در صدد پس گرفتن قلمروش برآمد اما شکست خورد و به قتل رسید.



دوره اوج قدرت آل بویه

عضدالدوله و یکپارچگی آل بویه:

- 1- تصرف بغداد و حذف شاخه آل بویه عراق
- 2- شکست حمدانیان موصل، و تسلط بر میافارقین، آمد، دیاربکر و دیار مضر
- 3- خراجگزار ساختن حمدانیان حلب
- 4- درگذشت ناگهانی عمران بن شاهین و حسنویه کرد از مخالفان عضدالدوله و تصرف قلمرو حسنویه به دلیل اختلاف میان پسران او.





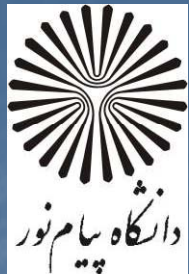
دوره اوج قدرت آل بویه

عضدالدوله و یکپارچگی آل بویه:

5- فخرالدوله برادر عضدالدوله به نزد قابوس بن وشمگیر گریخت. عضدالدوله پس از تصرف قلمرو فخرالدوله بخشی از آن شامل همدان و نهاوند را به برادر وفادارش مؤیدالدوله سپرد و دینور و کرمانشاه را به قلمرو خود منضم نمود. پس از آن از قابوس درخواست استرداد برادرش را نمود و چون بامخالفت وی روبه‌رو شد، مؤیدالدوله را مأمور حمله به جرجان و طبرستان نمود.

6- مؤیدالدوله طبرستان و گرگان را متصرف شد و قابوس و فخرالدوله را به دربار سامانیان فراری داد.

اختلاف بر سر جانشینی عضدالدوله



ابوکالیجار مرزبان
ملقب به صمصام‌الدوله
پسر دوم عضدالدوله
که در بغداد حضور
داشت خود را به
عنوان وارث تاج
و تخت پدر اعلام کرد.



درگذشت مؤیدالدوله، برادر عضدالدوله. صاحب
بن عباد وزیر از فخرالدوله که در نیشابور بسر
می‌برد، دعوت نمود و قدرت را به او واگذار کرد.
او سپس از واگذاری گرگان به قابوس‌خودداری
ورزید و برای تسلط بر مناطق مرکزی ایران از
گرگان متوجه ری گردید. فخرالدوله با تسلط بر
مناطق مرکزی ایران مدعی مقام امیر الامرای گردید

ابوالفوارس شیردل
ملقب به شرف‌الدوله
پسر ارشد عضدالدوله
که می‌بایست به
جانشینی وی انتخاب
شود، در این مقطع
در کرمان بسر
می‌برد. شیردل
بلافاصله فارس را
متصرف شد.

پسران دیگر عضدالدوله
به نامهای:
ابوالحسین بر اهواز،
و ابوطاهر بر بصره

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



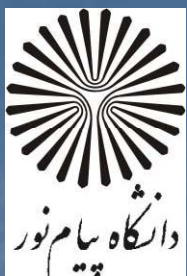
اختلاف بر سر جانشینی عضدالدوله

فصل ششم

1- فخرالدوله در ری و مرکز ایران:

ابوالحسین و ابوطاهر جوانترین پسران عضدالدوله که ملقب به تاجالدوله و ضیاءالدوله بودند و بر خوزستان و بصره استیلاء داشتند، چون خود را گرفتار رقابت صمصامالدوله و شرفالدوله دیدند، به فخرالدوله پیوستند.

این امر سبب شد تا صاحب بن عباد وزیر که به دنبال تشکیل يك دولت مقتدر بود تا حدودی در نقشه‌اش پیشرفت نماید. در چنین شرایطی انتخاب لقب شاهنشاه از جانب فخرالدوله نشان داد که او مدعی جانشینی عضدالدوله و مقام امیرالامرای به عنوان بزرگ خاندان بویه است.



اختلاف بر سر جانشینی عضدالدوله

فصل ششم

2- شرف‌الدوله در فارس :

- ✘ از پذیرش برتری فخرالدوله سر باز زد .
- ✘ در نخستین گام به تصرف عمان پرداخت .
- ✘ با کمکی که به سامانیان در مقابله با فخرالدوله نمود امنیت در مرزهای شمالی قلمروش به وجود آورد.
- ✘ موفق به تصرف خوزستان و بصره و فراری دادن برادرانش به ری گردید.
- ✘ تصرف بغداد: صمصام‌الدوله که توانایی مقابله با شرف‌الدوله را نداشت از در صلح برآمد و بر اساس آن: صمصام‌الدوله ملزم شد خطبة بغداد را به نام شرف‌الدوله نموده و به نیابت از او حکومت نماید. ولی شورشی که بر علیه صمصام‌الدوله صورت گرفت سبب شد که شرف‌الدوله برای پایان دادن به شورش و بهره‌برداری سیاسی از آن متوجه بغداد گردد. او پس از ورود به بغداد در 377 هـ. ق با خلع صمصام‌الدوله مقام امیرالامرای را رسماً از خلیفه دریافت نمود.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اختلاف بر سر جانشینی عضدالدوله

فصل ششم

3- بهاء الدوله جانشین شرفالدوله در بغداد :

مرگ شرفالدوله مانع از تحقق حمله او به ری گردید. با درگذشت شرفالدوله اطرافیان در بغداد مقام امیرالامرای را به ابونصر پسر سوم عضدالدوله که در این زمان هفده ساله بود، دادند و او را به بهاءالدوله ملقب نمودند.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اختلاف بر سر جانشینی عضدالدوله

3- بهاء الدوله جانشین شرف الدوله در بغداد :

3-1- بهاء الدوله و صمصام الدوله:

امیر الامرایی بهاء الدوله با مخالفت صمصام الدوله روبرو گردید که از بند گریخته و بر فارس، کرمان و خوزستان تسلط یافته بود. بهاء الدوله از صمصام الدوله شکست خورد و چون با خطر فخرالدوله از شمال مواجه بود با صمصام الدوله صلح کرد. صمصام الدوله موافقت نمود که خوزستان و عراق در اختیار بهاء الدوله باشد و خود ارجان را که اهمیتی استراتژیک داشت حفظ نمود. اما پس از دو سال صمصام الدوله با از اطلاع از اینکه بهاء الدوله در صدد حمله به فارس است، پیشدستی نمود و خوزستان را تصرف کرد.





اختلاف بر سر جانشینی عضدالدوله

فصل ششم

3- بهاء الدوله جانشین شرفالدوله در بغداد :

بهاء الدوله با استفاده از درگیری فخرالدوله با سامانیان با بدرین حسنویه نیز متحد شده بود درصدد هجوم به فارس برآمد. اما قبل از آنکه دو برادر رویاروی هم قرار گیرند، صمصامالدوله در جریان شورش که توسط فرزندان زندانی عزالدوله صورت گرفته بود حین فرار از شیراز به قتل رسید. این امر به بهاءالدوله فرصت داد تا ضمن آنکه شیراز را متصرف شود، اندکی بعد با درهم شکستن شورش فرزندان عزالدوله در فارس و کرمان موقعیتش را در شیراز مستحکم نماید .



اختلاف بر سر جانشینی عضدالدوله

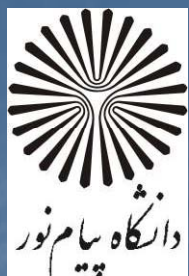
فصل ششم

3-2- بهاءالدوله و فخرالدوله:

بوجود آمدن اختلاف میان بهاءالدوله و صمصامالدوله سبب شد تا فخرالدوله که ادعای مقام امیرالامرای را داشت در صدد تصرف مناطق جنوبی و غربی آل بویه گردد. به همین علت وارد خوزستان شد. ولی به دلیل طغیان رودخانه‌ها با تخلیه خوزستان به ری عقب نشست. در جریان این لشکرکشی بهاءالدوله که خواهان انعقاد قرارداد صلح با عمویش شده بود، او را وادار ساخت که از مداخله در میراث عضدالدوله خودداری ورزد و فخرالدوله نیز با پذیرش این مصالحه موضعش را ولو به ظاهر به عنوان ریش سفید خاندان تثبیت نمود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اختلاف بر سر جانشینی عضدالدوله

فصل ششم

3-2- بهاءالدوله و فخر الدوله:

با درگذشت فخرالدوله دیگر مدعی قابل توجهی در برابر امیرالامرای بهاءالدوله که اکنون فارس و کرمان را نیز در اختیار داشت باقی نماند، زیرا فرزندان خردسال فخرالدوله به نامهای مجدالدوله حاکم ری و شمسالدوله حاکم همدان و کرمانشاه که تحت نظارت مادرشان سیده بانو قرار داشتند، نیروی چندانی نداشتند. آنان سرانجام در 400 ق امیرالامرای بهاءالدوله را به رسمیت شناختند و به این ترتیب سرانجام قلمرو آل بویه یکپارچه گردید.



بهاءالدوله در دوره امیر الامرایي

علیرغم یکپارچه شدن قلمرو آل بویه در دوره بهاءالدوله اقتدار آنان چون گذشته نبود. زیرا در همین زمان تلاش دولتهای دیگر برای گسترش قلمروشان به ضرر آل بویه وجود داشت:

1- **آل زیار** به فرماندهی قابوس بن وشمگیر با اتحاد با سلطان محمود غزنوی طبرستان و گرگان را از چنگ مجدالدوله بیرون آوردند.

2- در مغرب، **مسافریان آذربایجان** موفق به تصرف زنجان و شهرهای اطراف آن گردیدند.





بهاءالدوله در دوره امیر الامرای

فصل ششم

3- **غزنویان** نیز بر دامنه فعالیتشان برای تبدیل شدن به یک قدرت درجه اول می‌کوشیدند.

4- بهاءالدوله از توجه به مناطق مرزی خودداری ورزید و در فارس اقامت گزید و امور بغداد را به نایب خویش عمیدالجیوش واگذار کرد. این امر سبب شد که **در عراق نیز سلسله‌های مستقل و نیمه مستقلی چون بنی مروان به رهبری شخصی به نام باذ و بنی عقیل** بر دامنه قدرتشان بیفزایند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



ضعف و سقوط آل بویه

سلطان الدوله :

با درگذشت بهاء الدوله پسرش ابوشجاع ملقب به سلطان الدوله جانشین پدر در شیراز شد. از همان آغاز کار برادرانش را در حکومت سهیم نمود. بصره را به ابوطاهر ملقب به جلال الدوله و کرمان را به ابوالفوارس ملقب به قوام الدوله واگذار نمود. عراق را نیز در دست نایب و وزیر پدرش **فخر الملك** باقی گذاشت و از رفتن به بغداد و شرکت در آیین اعطای لقب و خلعت نیز خودداری نمود.



ضعف و سقوط آل بویه

مشکلات سلطان الدوله :

- 1- تقسیم قدرت سلطان الدوله کار صحیحی نبود، زیرا هنگامی که سلطان الدوله متوجه بغداد شده بود، ابوالفوارس از کرمان به فارس حمله کرد. اما سلطان الدوله او را وادار به فرار به قلمرو غزنویان نمود.
- 2- شورش مشرف الدوله برادر دیگر در بغداد که از جانب ترکان به حکومت انتخاب شده بود. سرانجام قرار داد صلحی میان طرفین به امضاء رسید که بر اساس آن فارس و کرمان از آن سلطان الدوله و عراق از آن مشرف الدوله گردید.
- 3- ظهور سلسله‌های جدیدی در قلمرو آل بویه: از جمله، بنی‌کاکویه اصفهان.



ضعف و سقوط آل بویه

آل بویه و بني كاكويه:

علاءالدوله محمد بن دشمنزيار پسر دايي مادر مجدالدوله ديلمي بود در 398 ق به **حکومت اصفهان** منصوب گرديد و اين امر سبب شد تا هسته دولت بني كاكويه تشكيل شود. او بتدريج بر دامنه قلمروش افزود و موفق شد پس از درگذشت شمسالدوله ديلمي، که **حکومت همدان** را در اختيار داشت، و به قدرت رسيدن پسرش سماءالدوله همدان را متصرف شود.



ضعف و سقوط آل بویه

مشکلات ابوکالیجار (دوره اول):

با درگذشت سلطان الدوله پسرش عمادالدین ابوکالیجار در اهواز مدعی جانشینی پدر شد.

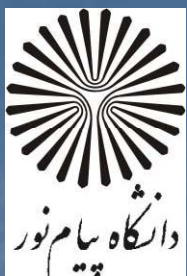
- 1- درگیری با عمویش ابوالفوارس قوام الدوله و تصرف کرمان
 - 2- در بغداد ابوطاهر جلال الدوله حکومت می‌کرد او با شورش یکی از فرماندهان سپاهش به نام پارس طوغان روبرو شده بود، به مصالحه با ابوکالیجار پرداخت. با وفات جلال الدوله، ابوکالیجار در همان سال وارد بغداد شد و خود را امیرالامراء خواند.
- به این ترتیب بار دیگر اتحاد میان فارس و عراق برقرار شد اما در این زمان به واسطه تحولاتی که در مرکز ایران به وجود آمده بود، آل بویه موفق به احیاء قدرتشان نشدند



ضعف و سقوط آل بویه

مشکلات ابوکالیجار (دوره دوم):

- 1- سلطان محمود غزنوي موفق شده بود تاري را از چنگ مجدالدوله ديلمي بيرون آورده و به حیات آل بویه **جبال** پایان دهد.
- 2- **تصرف اصفهان و همدان به دست مسعود غزنوي بني کاکويه** را نیز از متصرفاتشان محروم نمود.
- 3- **با شکست غزنويان در نبرد دندانقان** در 431 ق سلجوقيان به تصرف نواحی مرکزی ایران پرداختند و به عنوان رقیبی جدی برای آل بویه درآمدند. ابوکالیجار به انعقاد قرارداد صلحی با آنان پرداخت. اما این صلح دوامی نیاورد، زیرا اندکی بعد والی کرمان به قاورد برادر مادري طغرل سلجوقي پیوست و آن ایالت را در اختیار وی قرار داد. درگذشت ابوکالیجار در 440 ق مانع از عکس العمل او شد.



ضعف و سقوط آل بویه

ملك الرحيم:

- با درگذشت ابوکالیجار پسر بزرگش ابونصر خسرو فیروز در عراق به امارت رسید و بر خلاف میل خلیفه و بهرغم اعتراض او لقب ملك الرحيم را برای خود برگزید.
- پسر دیگر ابوکالیجار به نام ابو منصور پولاد ستون فارس را به تصرف درآورد و به منازعه با برادرش پرداخت.
- ملك الرحيم موفق به تصرف فارس در 443 ق گردید.
- ابومنصور پولاد ستون، از سلجوقیان درخواست کمک نمود و با پذیرش سروری آنان در 445 ق موفق به بازپس‌گیری فارس شد.



ضعف و سقوط آل بویه

ملك الرحيم و سلجوقيان و پايان حيات آل بويه بغداد:

طغرل سلجوقي خوزستان را متصرف شد. از آنجايي که خليفه حاضر نبود توسط طغرل بيك سني مذهب، از شر آل بويه شيعي که بسيار ضعيف شده بودند، نجات يابد، اوضاع تا حدودي بگرنج گرديد. سرانجام طغرل بيك بسيار زيர்கانه به بهانه زيارت حج در 447 ق وارد بغداد شد و اندکي بعد با دستگيري ملك رحيم به حيات آل بويه بغداد پايان داد.



ضعف و سقوط آل بویه

ابو منصور پولاد ستون و پایان حیات آل بویه ایران:

با کشته شدن ابو منصور پولاد ستون در 448 ق بر اثر شورش طوایف شبانکاره به رهبری فضلویه کرد، فارس نیز به تصرف والی سلجوقی کرمان درآمد و به این ترتیب به حیات آل بویه پایان داده شد





اوضاع اداري عصر آل بويه

فصل هفتم

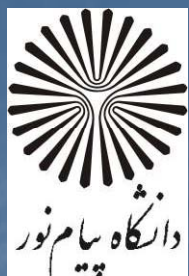
امير (اميرالامراء):

در رأس دولت آل بويه امير (اميرالامراء)، با قدرت نامحدود قرار داشت.

مقام اميرالامراءي در دوره اول:

- 1- عمادالدوله علي اولين اميرالامراءي آل بويه است. اگرچه رسماً اين عنوان را نداشت، اما به دليل آن که بزرگترين عضو خاندان بود و دو برادر ديگر که در اصفهان و بغداد حضور داشتند، برکشيدگان وي بودند، اين عنوان شايسته او بود.
- 2- قدرت عمادالدوله علي به عنوان نخستين اميرالامراءي آل بويه نامحدود نبود، زيرا برادرش رکن الدوله حسن به صورت مستقل در اصفهان و ري حکومت مي نمود.
- 3- معزالدوله فاتح بغداد اگرچه رسماً در بغداد لقب اميرالامراء را داشت هيچگاه مدعي رياست بر قلمرو آل بويه نبود. او همواره خود را مطيع عمادالدوله علي مي دانست.

تاريخ سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي ايران در دوره سامانيان، ديلميان و غزنويان



اوضاع اداری عصر آل بویه

فصل هفتم

امیر (امیرالامراء): مقام امیرالامراء در دوره دوم:

با به قدرت رسیدن عضدالدوله که مدعی لقب شاهنشاه نیز بود، وضعیت تا حدودی تغییر نمود. در این زمان امیرالامراء به عنوان قدرتمندترین شخصیت قلمرو آل بویه تمامی امور سیاسی، نظامی و اداری دولت را در دست داشت. قدرت امیرالامراء تا حد زیادی به شخصیت و قدرت نظامی وی مربوط می‌شد. امرایی که از قدرت نظامی زیادی برخوردار بودند و بر تمامی قلمرو آل بویه مسلط بودند. اما امرایی که از توان نظامی کمتری برخوردار بودند و بر بخشی کوچک از قلمرو آل بویه تسلط داشتند، فقط حق دخالت در آن بخش را داشتند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه

فصل هفتم

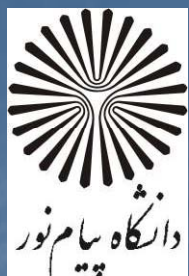
وزیر:

در نظام حکومت دولت آل بویه، وزیر دومین شخصیت قدرتمند کشور و پس از شخص امیر قرار داشت.

وظایف وزیر:

- 1- وزیر به نیابت از شخص امیر یا پادشاه بویهی به همه امور قلمرو آل بویه نظارت می کرد
- 2- در برخی از موارد فرماندهی سپاه را نیز در دست می گرفت.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه

فصل هفتم

انواع وزیر در دوره آل بویه :

وزیر تفویض و وزیر تنفیذ :

- 1- مقام وزیر تفویض از وزیر تنفیذ بالاتر بود و می توانست شخصاً به همه امور بپردازد، در حالی که وزیر تنفیذ چنین اختیاراتی نداشت، بلکه تنها واسطه میان پادشاه و مردم بود و دستورهای او را در مورد انتصاب والیان و اعزام سپاه و غیره به اطلاع مردم می رساند.
- 2- وزیر تفویض می بایست مسلمان و آزاده باشد، وزیر تنفیذ می توانست از اهل ذمه و بردگان نیز باشد.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه

فصل هفتم

انواع وزیر در دوره آل بویه :

وزیر تفویض و وزیر تنفیذ :

3- اجرای احکام شرعی و اظهار نظر در مظالم، تعیین والیان، اعزام سپاه و تدبیر جنگ و تصرف در بیت المال از مهمترین اختیارات وزیر تفویض بود که وزیر تنفیذ حق انجام آنها را نداشت.

اگرچه به طور معمول هر يك از امرای آل بویه دارای يك وزیر داشتند، برخی از آنان چون عضدالدوله، صمصام الدوله، فخرالدوله و بهاءالدوله دو وزیر داشتند. عضدالدوله نخستین کسی بود که دو وزیر برای اداره امور برگزید. مطهر بن عبدالله که وزیر تفویض بود در بغداد حضور داشت و نصر بن هارون که مسیحی بود در شیراز اقامت داشت.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه

فصل هفتم

دیوانها:

وزیر در رأس دیوانهایی قرار داشت که هر یک از آنها به اداره بخشی از امور قلمرو آل بویه می پرداختند. آل بویه موجد تشکیلات دیوانی و اداری خاصی نبودند. بلکه کنترل دیوانها و تشکیلات اداری بغداد را بدون آنکه تغییر محسوسی در آنها به وجود آورند به دست گرفتند. این دیوانها در برخی مواقع کوچکتر و یا بزرگتر می شدند و تا حدودی تغییر نام می دادند.

دیوانهای جدیدی نیز با توجه به ضروریات جامعه به وجود آمدند. از جمله این دیوانها می توان به **دیوان هزینه و دیوان فارسی** اشاره کرد



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه

فصل هفتم

دیوانها:

مهمترین دیوانهایی که همزمان با به قدرت رسیدن آل بویه به اداره قلمرو خلفا می پرداختند و آل بویه نیز آنها را مورد استفاده قرار دادند به شرح ذیل می باشند.

4- دیوان السواء

1- دیوان النفقات

5- دیوان المشرق

2- دیوان الاعطاء

6- دیوان المغرب

3- دیوان ضیاع الخاصه

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه

دیوانها

فصل هفتم

15- دیوان البريد والخرائط

11- دیوان بیت المال

16- دیوان زمام

12- دیوان المستحدثه

8- دیوان التوقيع

17- دیوان الخراج والضياع
السلطانيه

13- دیوان الدار

9- دیوان الجيش

18- دیوان الاشراف

14- دیوان الانشاء

10- دیوان الخراج

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه

دیوانها

فصل هفتم

26- دیوان الماء (نهر)

22- دیوان الفص والخاتم

7- دیوان الخاصه

27- دیوان حرم

23- دیوان المرافق

19- دیوان المقبوضات

24- دیوان البر

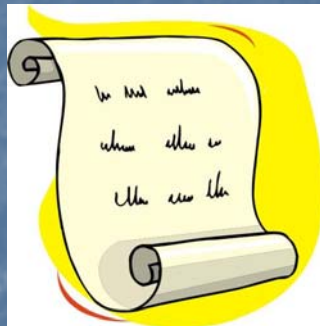
20- دیوان المصادرين

25- دیوان الخاتم

21- دیوان الدار الكبير

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان

اوضاع اداری عصر آل بویه دیوانها



دیوان رسایل (الانشاء) :

دیوان رسایل (الانشاء) از مهمترین دیوانها بود. این دیوان مسئولیت نگارش و ارسال کلیه مکاتبات دولت مرکزی را با کلیه اتباعش بر عهده داشت. همچنین به نامه‌هایی که از اطراف و اکناف کشور می‌آمد رسیدگی می‌کرد. در رأس این دیوان یکی از کاتبان بزرگ قرار داشت که به صرف و نحو و لغت آشنایی کامل داشت. اهمیت صاحب دیوان رسایل در حد وزیر بود و گاهی به جای وزیر قرار می‌گرفت. صرف‌نظر از مرکز، در هر ایالتی نیز گروهی کاتب و جود داشتند که مکاتبات شخص والی را انجام می‌دادند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه دیوانها

فصل هفتم

دیوان برید:

از دیوانهای مهم دوره آل بویه بود.

در رأس این دیوان **صاحب برید** قرار داشت که نامه‌ها و گزارشات شهرها و نواحی مختلف را در دریافت می‌کرد و به نظر پادشاه می‌رساند. همچنین وظیفه داشت تا فرامین شاه را با پیکهای سواره و پیاده و یا کبوتران نامه‌رسان، به مقصد برساند.

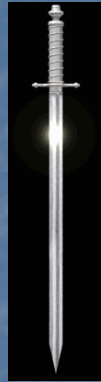
از وظایف دیگر این دیوان کسب اخبار و اطلاع از طرز رفتار عمال خراج، و قاضیان و دیگر کاربدستان دولتی و ارسال آنها به خدمت پادشاه بود، که توسط اشخاصی به نام **مُنهی** صورت می‌گرفت



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه دیوانها



دیوان جیش یا سپاه:

وظیفه نظارت بر امور سپاه را بر عهده داشت. با توجه به اینکه آل بویه خود برخاسته از فرماندهان نظامی مزدوری بودند که به سایر دولتها خدمت می کردند پس از به دست گرفتن قدرت، روحیه نظامی گری خویش را حفظ نمودند. آنان بر رسیدگی به وضعیت سپاهیان تأکید ویژه داشتند و در بسیاری موارد امرای بویهی خود شخصاً بر امور سپاهیان نظارت می نمودند.



اوضاع اداری عصر آل بویه قضاوت

فصل هفتم



قاضی القضاة وظیفه رسیدگی به دعاوی شرعی و حقوقی را داشت. گویا در آن زمان دو نوع قاضی القضاة وجود داشته است: یکی از آنان در پایتخت و دارالقضاة حضور داشت و بر کار تمام قاضیان کشور نظارت می کرد. نوع دیگر، قاضی القضاتی بود که از جانب پادشاه، فقط برای نظارت بر چند شهر انتخاب می گردید.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه

فصل هفتم

محتسب

وظیفه محتسب امر به معروف و نهی از منکر و نظارت بر تمامی امور مربوط به شهر چون نظم و نظافت عمومی و رسیدگی به وضع کلیه اصناف بود.

صاحب شرطه

صاحب شرطه احکام جرایم را به‌پا می‌کرد و حدود را استیفا می‌نمود.

نقابت علویان

در حفظ انساب خاندان علویان می‌کوشید و به امور مربوط به آنان رسیدگی می‌کرد



اوضاع اداري عصر آل بويه سپاه

فصل هفتم

سپاه آل بويه شامل پیاده نظام، سواره نظام و نیروی دریایی می‌گردید.

1-دیلمی های پیاده نظام:

دیلمیها بودند از دیرباز در رسته پیاده نظام، بخشی از نیروی نظامی حکومت های مرکزی ایران را تشکیل می‌دادند. آنان خصوصاً پس از به قدرت رسیدن علویان طبرستان نقش بیشتری بر عهده گرفتند و به عنوان مزدور به خدمت بسیاری از حکومت های موجود در ایران درآمدند.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداري عصر آل بويه سپاه

فصل هفتم

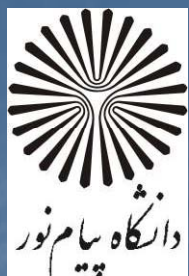
سپاه آل بويه شامل پیاده نظام، سواره نظام و نیروی دریایی می‌گردید.
1-دیلمی های پیاده نظام:

1-1- ویژگی های پیاده نظام دیلمی:

سرسختی و پایداری دیلمیها به‌طور معمول هر نفر دیلمی در جنگ سپر، شمشیر و سه نیزه در اختیار داشت. چون آنان در کنار هم و در صفوف فشرده پیشروی می‌کردند، با سپرهای بلندشان دیواری نفوذناپذیر در برابر دشمن به‌وجود می‌آوردند. مهارت دیالمه در پرتاب نیزه خصوصاً نیزه‌های مشتعل با پارچه‌های آغشته به نفت.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان





اوضاع اداري عصر آل بويه سپاه

فصل هفتم

سپاه آل بويه شامل پیاده نظام، سواره نظام و نیروی دریایی می‌گردید.
1-دیلمی های پیاده نظام:

نقش پیاده نظام دیلمی ها در قدرت گیری آل بويه:

دیلمی ها در طی خدمت به حکومت ها تجربیات با ارزشی به دست آوردند که راهگشای آنان در برخوردهای آنی بود.
از آنجایی که دسته‌های مزدور دیلمی که در خدمت رقبای آل بويه بودند در جریان جنگ به هم‌قبیلگان خود می‌پیوستند، آل بويه پیروزیهای راحتی به دست می‌آوردند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداري عصر آل بويه سپاه

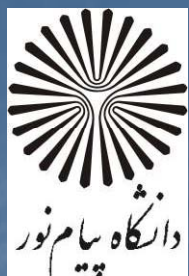
فصل هفتم

جایگاه پیاده نظام دیلمی در سپاه آل بویه:

آل بویه هم به دلیل خویشاوندی با دیالمه و هم به دلیل آنکه موفقیت‌های خویش را ناشی از سرسختی آنان می‌دیدند، توجه ویژه‌ای به آنان داشتند. به همین علت بود که برای رسیدگی ویژه به وضعیت آنان مقامي به نام **نقیب النقباء دیالم** در سپاه وجود داشت. همچنین دیالمه از **امتیازات ویژه‌ای** برخوردار بودند و نام آنها در دفاتر ویژه‌ای ثبت می‌شد.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه

فصل هفتم



2- ترکان:

از آنجایی که دیالمه تنها در پیاده نظام دارای تخصص بودند، آل بویه مجبور بودند تا از ترکان که در سواره نظام تبحر داشتند، استفاده نمایند.

دسته‌ای از ترکان پس از قتل مرداویج به آل بویه پیوستند و به صورت بخشی از سپاه بویهی درآمدند. با تصرف بغداد توسط معزالدوله، از آنجایی که ترکان بخش قابل توجهی از سپاه خلفا را تشکیل می‌دادند، بر شمار ترکان سپاه خصوصاً در عراق افزوده شد.

بنابراین درحالی‌که در سپاه آل بویه در ایران غلبه با دیالمه بود، در عراق ترکان غلبه داشتند. تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه

فصل هفتم



3- کردان:

آل بویه علاوه بر ترکان و دیالمه یک عنصر نژادی دیگر یعنی کردان را نیز در سپاه خویش به کار بردند.

اما رقابت اصلی در دولت آل بویه میان ترکان و دیالمه بود. زیرا موقعیت ترکان که از دیرباز در عراق دارای قدرت بودند، با به قدرت رسیدن دیالمه به خطر افتاده بود. شاید این واقعیت که ترکان هر گاه می توانستند، یکی از امرای بویهی را به پادشاهی برمی داشتند و در مقابل آل بویه ایران مقاومت می نمودند، نشان دهنده تلاش آنان برای حفظ موقعیتشان در بین النهرین باشد.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری عصر آل بویه سپاه

فصل هفتم

4- نیروی دریایی:

از ویژگیهای نظامی آل بویه، داشتن یک نیروی دریایی مستقل بود که در منابع از آن به جیش الماء یاد می‌شود.

به دلیل وجود همین نیروی دریایی بود که معزالدوله موفق به تصرف عمان گردید و پس از وی نیز تا مدتی آن سرزمین در اختیار جانشینانش بود. عضدالدوله نیز به کمک همین نیروی دریایی موفق به تصرف بصره گردید.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع فرهنگی عصر آل بویه

قرن چهارم ق را می‌توان قرن احیاء فرهنگی ایران دانست زیرا، سلسله‌های ایرانی و غیر ایرانی که در این قرن در مشرق و مرکز ایران به وجود آمدند توجه ویژه‌ای به مسائل فرهنگی داشتند.

1- در مشرق ایران سامانیان و غزنویان که به شدت تحت تأثیر فرهنگ ایرانی بودند، آن را به اوج رساندند.

2- در مرکز و مغرب ایران نیز آل بویه که تحت تأثیر فرهنگ اسلامی - عربی بودند خدمات شایسته‌ای به آن نمودند.



اوضاع فرهنگی عصر آل بویه

عوامل توسعه علمی و فرهنگی در دوره آل بویه:

الف - فرمانروایان آل بویه:

اگرچه نسل اول امرای بویهی بیشتر وقتشان را مصروف جنگ با دشمنان نمودند، اخلافتان چنین وضعیتی نداشتند.

عضدالدوله و توسعه علمی:



1- حمایت مالی و معنوی از ادبا و علما از جمله تعیین مقرری برای طبقات مختلف علماء از فقیهان تا شاعران و مهندسان و تشویق آنها به تحقیق و تألیف

2- فراگرفتن دانشهای آن زمان، به گونه‌ای که نحو را از ابوعلی فارسی، نجوم را از ابوالحسین عبدالرحمن صوفی و سیاست و کشور داری را از ابوالفضل بن عمید آموخت.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع فرهنگی عصر آل بویه

عوامل توسعه علمی و فرهنگی در دوره آل بویه:

الف - فرمانروایان آل بویه:

3- عضدالدوله خود شعر می‌سرود و با وجود تبحر و استغراق در ادبیات عربی به شعر فارسی و همچنین به اشعاری که به زبان طبری سروده می‌شد، علاقه نشان می‌داد.

4- تأسیس مرکزی مشابه بیت الحکمة مأمون

5- کارهای عام‌المنفعه در فارس و بغداد و دیگر نقاط قلمروش از جمله تأسیس

بیمارستان عضدی در بغداد و کتابخانه بزرگ شیراز

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع فرهنگی عصر آل بویه



6- از جمله آثاری که به نام عضدالدوله و یا به اشاره و حمایت وی پدید آورده شده است:
کتاب الايضاح و التکمله ابوعلی فارسی
صُور الکواکب عبدالرحمن صوفی،
کتاب التاجی ابراهیم صابی حرانی
کامل الضاعه یا طب ملکی اثر علی بن عباس مجوسی اهوازی.
علاقه عضدالدوله به شعر و ادب سبب شد تا ابوالطیب متنبی و ابواسحق صابی نیز مورد توجه او قرار گیرند .





اوضاع فرهنگی عصر آل بویه

عوامل توسعه علمی و فرهنگی در دوره آل بویه:

ب - وزرای آل بویه :

مهمترین عامل ترویج علم و دانش در قلمرو آل بویه وجود وزرای فرهیخته‌ای است که خصوصاً در ری و جبال استقرار داشتند.

1- معروفترین اینان ابوالفضل بن عمید وزیر رکن‌الدوله حسن بویه‌ی و عضدالدوله است.

2- ابوالفتح پسر ابن عمید که در شعر و کتابت مهارت زیادی داشت جانشین وی شد.





اوضاع فرهنگی عصر آل بویه

عوامل توسعه علمی و فرهنگی در دوره آل بویه:

ب - وزرای آل بویه :



3- اسماعیل بن عباد به سبب مصاحبت طولانی با مؤیدالدوله یا ابوالفضل بن عمید، صاحب خوانده شد.

او صاحبان حکمت و پزشکی و ریاضیات را می‌نواخت، خود شخصاً دست به تألیفات زد از جمله رساله‌های نیکو در طب نوشت. همچنین کتابی با عنوان محیط در لغت نوشته است که از مهارت او در این زمینه حکایت دارد. صاحب برای ترویج علم و دانش کتابخانه بزرگی در ری به وجود آورد.

4- ابو نصر شاپور بن اردشیر وزیر بهاءالدوله بن عضدالدوله نیز از وزرای فرهنگ دوست بویهی بود. او در سال 382-3 هـ ق کتابخانه بزرگی در محله شیعه نشین کرخ در غرب بغداد تأسیس نمود



اوضاع مذهبی عصر آل بویه

آل بویه و تشیع :

عموم مورخان آل بویه را شیعی مذهب دانسته‌اند. آل بویه تشیع را مدیون تسلط علویان بر طبرستان بوده‌اند. با این همه نمی‌توان به درستی مشخص کرد که آنها پیرو کدام یک از فرق شیعه بوده‌اند؛ زیرا در میان آنان پیروانی از فرق زیدی، اسماعیلی و دوازده امامی نیز بوده‌اند.

قراین و مدارک موجود بیش از هر چیزی بر دوازده امامی بودن آل بویه دلالت دارند. از جمله:

- 1- معزالدوله در 352 ق فرمان داد تا آیین سوگواری امام حسین (ع) در عاشورا و در سالروز واقعه غدیر خم، مراسم جشن و شادمانی برپا شود.
- 3- او به زیارت مشاهد و مقابر ائمه شیعه می‌رفت و به تعمیر و تزئین و ساختن گنبد و بارگاه بر مقابر آنان همت می‌گماشت.
- 4- آل بویه همواره ارادتشان را نسبت به خاندان پیامبر (ص) با تکریم علمای شیعه نشان می‌دادند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع مذهبی عصر آل بویه

آل بویه و زیدیه:

دلایل شبهه زیدی بودن امرای اولیه بویه:

- 1- آنان تحت تأثیر مستقیم علویان زیدی بوده‌اند.
- 2- در هنگام حمله معزالدوله به عراق، محمد بن حسن زیدی حسنی که در 353 ق زیدیه در مازندران با او بیعت نمودند، در سپاه او بود. اما این واقعیت که دیلمیها به وسیله ناصر اطروش در طبرستان اسلام و تشیع را پذیرفته‌اند ضرورتاً انتساب آنان را به مذهب زیدی الزام نمی‌کند، زیرا حتی فرزندان خود اطروش هم بر خلاف او امامی مذهب بوده‌اند و به همین سبب با داعیان زیدی همراهی نمی‌کرده‌اند. با این وجود انتساب برخی از فرمانروایان بویه به مذهب زیدی بعید نیست و حتی برخی از آنان به مذهب اسماعیلی نیز گرایش نشان داده‌اند.



اوضاع مذهبی عصر آل بویه

آل بویه و سایر مذاهب:

با وجود آن که آل بویه شیعی مذهب بودند، نسبت به پیروان سایر مذاهب سختگیری خاصی نداشتند و خصوصاً در ارتباط با اهل تسنن دارای روحیه تسامح و تساهل بودند. دلایل تسامح و تساهل آل بویه با سایر مذاهب:

- 1-چنین سیاستی لازمه بقای دولت آل بویه در ایران و خصوصاً عراق بود. زیرا در آن زمان عموم مردم آن نواحی معتقد به یکی از چهار مذهب تسنن بودند.
- 2-بخش قابل توجهی از سپاه آل بویه به مذهب تسنن گرایش داشتند در کنار دیالمه شیعه، ترکان و کردان که نقش مهمی در فتوحات آل بویه داشتند بر مذهب تسنن بودند.
- 3-لازمه ایجاد امنیت در قلمرو آل بویه نیز جلوگیری از درگیریهای مذهبی بود



اوضاع مذهبی عصر آل بویه

پراکندگی مذهبی در قلمرو آل بویه:

اکثریت با حنفیها و سپس شافعیان بود، معتقدان به مذهب حنبلی و خصوصاً مالکی بسیار کمتر بودند.

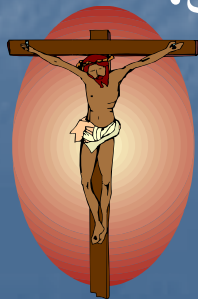
از نظر عقاید کلامی گروه کثیری معتزلی مذهب بودند، در حالی که گروهی از اشاعره هم، خصوصاً در نواحی خراسان حضور داشتند.

گروه کثیری ظاهری مذهب نیز در نواحی جنوبی ایران وجود داشتند. مؤسس این مذهب ابوسلیمان، داود بن علی اصفهانی معروف به ظاهری بود. مبنای مذهب ظاهری تمسک به ظاهر کتاب و سنت است که از این حیث مانند حنبلی مذهباند.

ظاهریه در زمان عضدالدوله، قدرت یافتند، زیرا این امیر بویهی منصب قاضی القضاتی تمام قلمروش را به یکی از آنان واگذار نمود.

در قلمرو آنان تعداد زیادی مسیحی، یهودی و زردشتی خصوصاً در فارس، جبال، خوزستان و عراق میزیستند.

تعداد قابل توجهی صابئی نیز در اهواز میزیستند.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع مذهبی عصر آل بویه

آل بویه و ذمیان:

استفاده امرای بویهی از اهل ذمه در تشکیلات اداری به جهت جلوگیری از رقابت میان تشیع و تسنن بود. نکته جالب توجه اعتماد آل بویه به اهل ذمه در واگذاری مشاغل و مناصب دیوانی و اداری بود. کاتب عمادالدوله در شیراز مردی مسیحی به نام ابواسعد بود که از اختیاراتی در حد یک وزیر برخوردار بود. عضدالدوله هم کاتبی مسیحی به نام ابن رزق داشت و نصر بن هارون بزرگترین وزیر عضدالدوله بود. خازن عضدالدوله هم ابونصر خوادشاذ مجوسی بود. علاوه بر این ابواسحاق صابی، کاتب و مشاور و وزیر معروف معزالدوله و عزالدوله در عراق نیز دارای دین صابئی بود.



اوضاع مذهبی عصر آل بویه

آل بویه و صوفیان:

نگرش بی طرفانه آل بویه نسبت به مسائل مذهبی باعث افزایش فعالیت صوفیان در ایران گردید. یکی از مراکز صوفیان در قرن چهارم شیراز بود و شیخ آنان ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی بود. با افزایش قدرت صوفیان و مشکلاتی که از این رهگذر می توانست متوجه قدرت آل بویه شود، عضدالدوله دستور پراکنده ساختن آنان را داد. از دیگر مراکز تصوف در قلمرو آل بویه می توان به دینور اشاره کرد که بواسطه زیاد بودن صوفیان در آنجا ضرب المثل بوده است.





طبقات اجتماعي عصر آل بويه

در يك تقسيم بندي كلي جامعة عصر آل بويه را مي توان به سه طبقة خواص، متوسط و عامه تقسيم نمود:

1- طبقة خواص:

شامل، وزراء، امراء، واليان، سرداران سپاه، اعيان، زمينداران و بازرگان بزرگ مي گرديد که از عوايد سرشاري بهره مند بودند. در بسياري از ولايات آل بويه، حکام و رؤسا شهرها از ميان زمينداران بزرگ برمي خاستند. اين در حالي بود که در برخي از ايالات چون فارس و طبرستان تعدادي از حکام و رؤسا شهر، از بقايای بيوتات و خاندانهاي قديم محلي انتخاب مي شدند. اما در بغداد، اشراف و سادات و حتي بزرگان ترکان و کردان هم به سبب موضع خاصي که در دستگاه رهبري داشتند به طبقة خواص راه مي يافتند. گويا تنها توقيف، قتل و مصادرة اين بزرگان سبب مي شد که در برخي از موارد آنان و يا خانواده شان به طبقة عوام سقوط نمايند.

تاريخ سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي ايران در دوره سامانيان، ديلميان و غزنويان



طبقات اجتماعی عصر آل بویه

2- طبقه متوسط:

شامل علما، ادبا، تجار، اهل دیوان و رؤسا سپاه، و خرده مالکان. این طبقه حلقه واسطه میان طبقه خاصه و عامه بود.

3- طبقه عوام:

شامل پیشه‌وران جزء اهل شهر و روستائیان و شبانکارگان خارج از شهر. بسیاری از آنان غالباً از تهیه مایحتاج زندگی عاجز بودند. به همین دلیل افراد این طبقه در نزد طبقه خواص دارای ارج و منزلتی نبودند و به آنان چون خدمتکاران و بردگان نگریسته می‌شد.

اما در شهرها، وضعیت برخی از اعضای این طبقه مناسبتر بود، زیرا آنان با ایجاد سازمانهای صنفی می‌توانستند تا حدودی از حقوق خویش در برابر فشارهای وارده از جانب صاحبان قدرت حفاظت نمایند و در این کار نقیبان اصناف از نفوذ فقهاء و علماء که رؤسا واقعی و رهبران همساز این طبقه محسوب می‌شدند نیز استفاده می‌کردند.



اوضاع اقتصادي عصر آل بويه

1- کشاورزي:

در دوره آل بويه نیز کشاورزي ستون فقرات اقتصاد ايران بود و بخش عظيمي از مردم به آن کار اشتغال داشتند. امراي بويهي در جهت افزايش محصولات کشاورزي و آباداني کشور سدها و کانالهاي بسيار زيادي به وجود آوردند. از میان اين امراء معزالدوله و عضدالدوله تلاش بيشتري در اين خصوص انجام دادند. عضدالدوله نیز سدهاي متعددي در ناحیه عراق و فارس ايجاد نمود که مهمترين آنها بند امير (بند عضدي) در فارس مي باشد. اين سد که بر روي رود کر در هفت فرسخي شمال شيراز ساخته شد.





اوضاع اقتصادی عصر آل بویه

2- تجارت:

تجارت در دوره آل بویه پر رونق بود و این ناشی از موقعیت خاص ایران بود که در مسیر کاروانها قرار داشت. در بخشی از این تجارت سوداگران یهود (رادانیه = راهدانان) نقش فعالی ایفا می‌کردند. تجارت زمینی میان شرق و غرب از عراق در مسیر جاده‌های اهواز و فارس و کرمان صورت می‌گرفت. ری بارانداز کالاهایی بود که از ارمنستان، آذربایجان، خراسان، خزر و بزرگان (از نواحی خزر) می‌آمدند. تجارت دریایی نیز در این دوره پر رونق بود و بندر سیراف در این زمینه جایگاه مهمی داشت.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اقتصادی عصر آل بویه

فصل هفتم



2- تجارت:

اقدامات آل بویه برای توسعه تجارت:

- 1- کاروانسراها و آب‌انبارهایی طول مسیرو میلهایی که برای راهنمایی مسافران وجود داشت .
- 2- توجه به امنیت راهها .
- 3- برای تسهیل در امر تجارت چک یا سفته نیز متداول بود، که پرداخت آنها در حوزه فعالیت صراف و جهبذ بود.
- 4- وجود بازارهایی پر رونق در شهرها.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



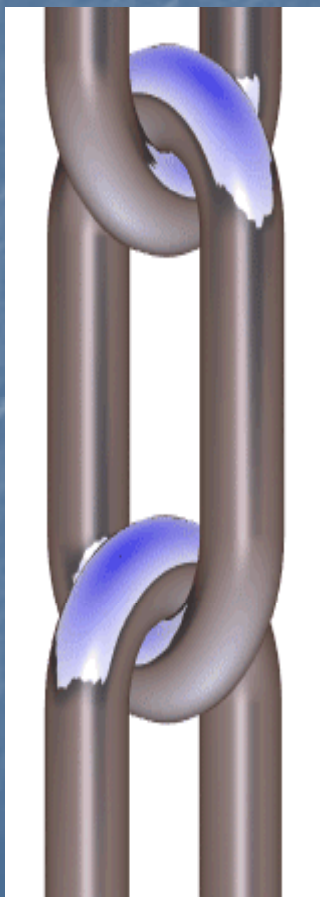
اوضاع اقتصادی عصر آل بویه

3- صنعت:

صنعت نیز در دوره آل بویه رواج داشت. خصوصاً کارگاههای پارچه‌بافی، فرش بافی و کارخانه‌های سازنده اجناس فلزی و چوبی دارای رونق بودند. از جمله پارچه‌های ابریشمین بافت گرگان به یمن صادر می‌گردید، در حالی که یمن خود از مراکز عمده تهیه پارچه بود. همچنین طیلسان و جامعه مازندران را به همه آفاق از جمله مکه حمل می‌نمودند و خزهای ساخت شوش به همه آفاق صادر می‌شد. صنعت ذوب فلزات نیز در این دوره پیشرفته بود.

4- معادن:

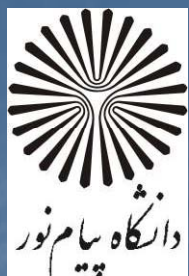
بهره‌برداري از معدن نیز در این دوره مرسوم بود. به نوشته ابن حوقل در فارس معادن نقره، آهن، سرب، گوگرد، نفت، نقره، طلا، جیوه و روی وجود داشته است.





تاریخ سیاسی غزنویان

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

آغاز به کار غزنویان:

- 1- مؤسس دولت غزنوی، البتکین حاجب از غلامات ترک دولت سامانی بود. البتکین که با شرکت در دسته‌بندی‌های سیاسی موجود در زمان عبدالملک بن نوح به مقام سپهسالاری خراسان دست یافته بود، کوشید تا پس از مرگ عبدالملک موقعیتش را همچنان حفظ نماید. با قدرت یافتن **البتکین** در 351 ق در غزنه، سلسله غزنویان بنیاد نهاده شد. فرمانروایان بعدی غزنویان عبارت بودند از:
 - 2- پسرش **اسحق** (355 - 352).
 - 3- حاجب اسحق به نام **بلکاتکین** (364 - 355 ق)
 - 4- **بوری تکین** (پیری تکین) (366 - 364 ق) از غلامان سابق البتکین. بوری تکین که حاکمی بی‌کفایت بود نتوانست رضایت لشکریان ترک خویش را تأمین نماید و از همین رو توسط سبکتکین در 366 ق معزول گردید.



تاریخ سیاسی غزنویان

5- **سبکتکین** (387 - 366 ق) پس از به دست گرفتن قدرت برای پایان دادن اختلافات موجود در غزنه که بر سر حمایت یا عدم حمایت از دربار بخارا بود، سیاست توسعه طلبانه‌ای در پیش گرفت. او به تدریج سرزمینهای بست، قصدار، بامیان و غور را به نام امیر بخارا تسخیر کرد.

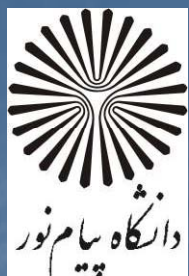
به این ترتیب سبکتکین ضمن آنکه رابطه‌اش را با دربار بخارا قطع نکرد، بر قدرت و قلمروش افزود. در منازعات امیران سامانی و نافرمانی غلام سپهسالاران ترک، سبکتکین به همراه پسرش محمود به یاری امیر بخارا شتافت و مخالفان را در هم شکست. نوح بن منصور به پاس این موفقیت حکومت بلخ و بامیان را با لقب ناصرالدین ضمیمه امارت غزنه کرد و پسرش محمود را با لقب سیف‌الدوله به سپهسالاری خراسان منصوب کرد.



تاریخ سیاسی غزنویان

6- محمود غزنوی :

سبکتکین بر خلاف انتظار اسماعیل پسر کوچکش را به جانشینی برگزیده بود و این امر نارضایتی محمود پسر ارشد را به دنبال داشت. محمود موفق شد تا با همکاری عمویش بغراجق و برادر دیگرش نصر بن سبکتکین بر اسماعیل غلبه یافته و او را بر کنار نماید.



تاریخ سیاسی غزنویان

توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

1- شرق خراسان :

محمود برتری دربار بخارا را به رسمیت شناخت و این امر سبب شد تا منصور بن نوح امیر سامانی، حکومت محمود را بر غزنه، بست و شهرهای مشرق خراسان یعنی بلخ، ترمذ و هرات به رسمیت شناسد. اما حکومت محمود بر مغرب خراسان که به تصرف بکتوزون سپهسالار خراسان درآمده بود به رسمیت شناخته نشد.

2- مغرب خراسان:

عزل منصور بن نوح توسط بکتوزون و فایق خاصه موجب شد که محمود به بهانه خونخواهی از امیر مخلوع به نبرد با مخالفان پرداخت و در 389 ق بر همه آنان فایق آمد و خراسان را به طور کامل ضمیمه قلمروش نمود.





تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم



توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

3- قراخانیان:

آغاز همسایگی تا موافقتنامه صلح:

فتح خراسان توسط محمود غزنوی و فتح بخارا و ماوراءالنهر توسط قراخانیان به حیات دودمان سامانی خاتمه داد و دو دولت غزنوی و قراخانی را دارای مرزهای مشترک نمود. محمود غزنوی که تمایل چندانی به مداخله در آن سوی جیحون نداشت مناسبات دوستانه‌ای با نصر قراخانی برقرار کرد و براساس موافقتنامه‌ای مقرر شد که قلمرو دولت سامانی میان طرفین تقسیم شده و رود جیحون سرحد دو دولت غزنوی و قراخانی باشد.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم



توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

3- قراخانیان:

شکست صلح:

قراخانیان هیچگاه اندیشه تسلط بر خراسان را رها نکردند و هر گاه فرصتی دست می داد به خراسان یورش می آوردند. سلطان محمود در 398 ق در دشت گتر در چهار فرسنگی بلخ شکست سنگینی بر مهاجمان وارد آورد و آنان را وادار به تخلیه خراسان نمود. شکست قراخانیان در نبرد گتر تا حدود زیادی توان آنان را به تحلیل برد. بروز اختلافات داخلی نیز میان قراخانیان بر ضعف آنان افزود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

4- سیستان:

اولین هدف محمودی غزنوی پس از فتح خراسان بود، که در این زمان خلف بن احمد صفاری بر آن حکومت می‌کرد. بر اساس قرارداد صلح، خلف متعهد شد ضمن پرداخت یکصد هزار دینار نام محمود را در خطبه بیاورد. سه سال بعد زمانی که خلف بن احمد بر اثر جنگ‌های داخلی کاملاً ضعیف شده بود، محمود غزنوی مجدداً متوجه سیستان گردید (393 ق) و با اسارت خلف آن ناحیه را ضمیمه قلمروش نمود و به برادرش ابوالمظفر نصر سپرد.



تاریخ سیاسی غزنویان

توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

5- ناحیه جوزجانان:

در شمال هرات که آل فریغون بر آن حکومت داشتند. چون شاهزاده ابونصر احمد فریغونی روابط نزدیکی با محمود برقرار کرده بود برای مدتی مستقل ماند. ابونصر احمد در هنگام حیاتش به نفع محمود باقراخانیان در خراسان و نیز در هند جنگیده بود و به همین دلیل قلمروش را تا هنگام مرگش در 401 ق حفظ نمود. اما پس از درگذشت وی جوزجانان مستقیماً به زیر نفوذ غزنویان درآمد و به محمد پسر سلطان محمود واگذار گردید.



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم

توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

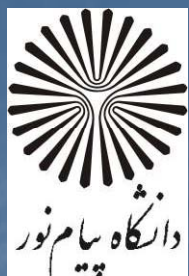
6- سرزمین غرجستان:

در شمال بخش علیای هریرود که خاندانی محلی به نام شار بر آن حکومت داشت . در 389 ق سروری سلطان محمود را به رسمیت شناخته بود، برای مدتی استقلالش را حفظ کرد، اما پس از مدتی سلطان محمود به این بهانه که در عزیمت غزوه‌ها امیر غرجستان به موکب وی ملحق نشده بود، آن سرزمین را متصرف شد و به قلمروش افزود .

7- ناحیه غور:

در 401 ق به زیر نفوذ غزنویان درآمد و از همین زمان بود که اسلام در آن ناحیه به تدریج گسترش یافت .

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم

توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

8- مناطق شمالیتر افغانستان یعنی نواحی نور و قیرات: که ظاهراً در بخش شرقی کافرستان واقع بود مدتها بعد در 411 ق مورد هجوم سپاهیان غزنوی قرار گرفت.

9- نواحی چغانیان و ختلان: که در دست آل محتاج و ختلان قرار داشت در دوره غزنویان تا حدودی مستقل ماند. زیرا این نواحی که در قسمت علیای جیحون قرار داشتند پل عبور غزنویان به قلمرو قراخانیان بودند و چون پایگاههایی در برابر هجوم اقوام ترک به قلمرو غزنویان عمل می‌کردند.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم

توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

10- تصرف خوارزم: در 408 ق ضمن آنکه قلمرو دولت غزنوی را در شمال به نهایت رساند، موقعیت آن را در برابر قراخانیان تقویت نمود. زیرا غزنویان با تسلط بر این ناحیه می‌توانستند قلمرو قراخانیان را هم از جنوب و هم از مغرب مورد هجوم قرار دهند. خوارزم هم از لحاظ اقتصادی کشاورزی پیشرفته‌ای داشت و هم از نظر نقش مهمی که در تجارت با آسیای میانه و چین ایفا می‌کرد، در پیشرفت اقتصادی دولت غزنوی بسیار مؤثر بود.

در 408 ق سلطان محمود به دنبال کشته شدن مأمون بن مأمون حاکم آن ناحیه که خواهر سلطان را به زنی داشت به آن ناحیه لشکر کشید و آن را فتح نمود. سلطان محمود پس از فتح خوارزم حکومت آن ناحیه را به یکی از سردارانش به نام آلتون‌تاش حاجب واگذار نمود.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم

توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

11- ناحیه فصدار: در دوره سبکتکین به تصرف غزنویان درآمد اما همچنان در دست پادشاهان محلی باقی ماند. سلطان محمود در 402 ق به دلیل خودداری پادشاه فصدار از پرداخت خراج آنجا را فتح کرد.

12- ناحیه مکران: در ساحل دریای عمان و در جنوب بلوچستان از دوره سبکتکین برتری غزنویان را به رسمیت شناخته بود و به آنان خراج می داد. اندکی قبل از درگذشت سلطان محمود، عیسی بن معدان حاکم وقت مکران در صدد کسب استقلال برآمد. اگر چه مرگ سلطان محمود، سرکوب او را به تعویق انداخت، سلطان مسعود او را سرکوب نمود و به قتل رساند و برادرش ابوالعسکر را به جانشینی وی برگزید. به این ترتیب مکران نیز به عنوان بخشی از قلمرو غزنویان باقی ماند

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم



توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

14- مسئله هند:

در سیاست خارجی سلطان محمود غزنوی جایگاه ویژه‌ای داشت به گونه‌ای که سلطان محمود میان سالهای 416 - 392 ق بهکرات به هند لشکرکشی نمود. در این لشکرکشیها که ظاهراً به نیت جهاد با کفار هند صورت می‌گرفت، ملاحظات مالی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

14- مسئله هند:

14-1- نخستین هجوم سلطان محمود در 392 ق به قلمرو جیپال راجه و یهند از خانواده هندوشاهان صورت گرفت.

14-2- مولتان ناحیه دیگری از هند بود که مورد توجه سلطان محمود قرار داشت. این ناحیه از مدتها قبل به اسلام گرایش یافته بود، اما در قرن چهارم داعیان اسماعیلی موفق به ترویج مذهب شیعه اسماعیلی در آن ناحیه شده بودند. بنابراین سلطان محمود که به شدت مخالف اسماعیلیه بود بهانه لازم را برای لشکرکشی به آن ناحیه و قلع و قمع اسماعیلیان در اختیار داشت.

14-3- اوج لشکرکشیهای سلطان محمود به هند، فتح سومنات بود. سومنات در گجرات قرار داشت.



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم



توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

15- غرب ایران:

اولین تلاش وی در این راستا مطیع نمودن زیاریان گرگان و طبرستان بود. فی الواقع پس از مرگ قابوس بن وشمگیر در 402 ق زیاریان خراجگزار دولت غزنه بودند. محمود در ابتدا از دعوی جانشینی دارا بن قابوس که در زمان حیات پدر به غزنه گریخته بود، حمایت کرد. اما پس از آنکه منوچهر بن قابوس موفق شد تا بر تخت پادشاهی زیاریان جلوس نماید، سلطان محمود بلافاصله امارت وی را به رسمیت شناخت.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

16-- آخرین اقدام جنگی سلطان محمود که يك سال قبل از وفاتش صورت گرفت لشکرکشی به ری و فتح ایالت جبال بود.

اگر چه با برقرار شدن نفوذ غزنویان در گرگان و طبرستان سلطان محمود می‌توانست آل‌بویه را از دو سو مورد هجوم قرار دهد. این کار را تا آخرین سال پادشاهی خود به تعویق انداخت. محمود سپس در حالی که حکومت نواحی تازه فتح شده را به مسعود سپرده بود به غزنه بازگشت. دلایل این عدم تهاجم عبارتند از:



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم



توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

الف - مشکلاتی که سلطان در ارتباط با ایلک خانیان داشت و غزوات هند مانع از آن بوده تا سلطان در صدد گشایش جبهه جدیدی در مرزهای غربی‌اش در برابر آل‌بویه باشد.

ب- ری نیز در دوره حکومت سلطان محمود شرایطی داشت که به هیچ عنوان نمی‌توانست خطری برای غزنویان ایجاد نماید. زیرا پس از جلوس مجدالدوله رستم، پسر خردسال فخرالدوله بر سریر امارت، قدرت واقعی در دست مادرش سیده بود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم



توسعه سیاسی و ارضی غزنویان در دوره محمود:

17- واداشتن ابراهیم بن مرزبان مسافری در **طارم** به پذیرش برتری غزنویان توسط مسعود

18- تصرف **اصفهان و همدان** از چنگ علاءالدوله کاکویه موسس خاندان بنی کاکویه توسط مسعود.



تاریخ سیاسی غزنویان

دوره سلطان مسعود غزنوی:

سلطان محمود در 421 ق پس از بازگشت از ری درگذشت و پسرش محمد که والی گوزگان بود بنابر وصیت پدر به قدرت رسید. اما مسعود که پسر ارشد بود به مخالفت با وی پرداخت. آخر الامر مسعود بر تخت سلطنت غزنویان تکیه زد. پس از به دست گرفتن قدرت به تسویه حساب با کسانی که با پدرش همکاری داشتند و مسعود فکر می‌کرد که آنها نظر پدرش را از وی برگردانده‌اند پرداخت. یکی از این افراد که به اصطلاح بیهقی **محمودیان** (= پدريان) نامیده می‌شدند، خواجه حسن می‌کال نیشابوری معروف به حسنک، وزیر سابق سلطان محمود بود که به اتهام بر ساخته قرمطي بودن اعدام گردید.



تاریخ سیاسی غزنویان

توسعه سیاسی و ارضی در دوره مسعود :

1- سرکوب شورش مکران.

2- تصرف کرمان.

3- پس از مکران ، **جبال** مهمترین اولویت سلطان مسعود بود. زیرا پس از بازگشت سلطان مسعود از آن ناحیه، علاءالدوله کاکویه اصفهان، همدان و ری و برخی از متصرفات زیاری از قبیل خوار، ورامین و دماوند را متصرف شده بود. سپاهیان مشترک غزنوی و زیاری در نزدیکی ری علاءالدوله را شکست دادند. بعد از فرار علاءالدوله ، تاش فراش از جانب سلطان مسعود غزنوی به اداره امور ری و جبال مأمور شد .





تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم

توسعه سیاسی و ارضی در دوره مسعود :

4- لشکرکشی به **گرگان و طبرستان** به دنبال شورش ابوکالیجار کوهی خال و قیم انوشیروان زیاری . مسعود شخصاً تا ناتل پیشروی نمود. اما به واسطه تحرکات سلجوقیان پس از اعلان پشیمانی ابوکالیجار به خراسان بازگشت.

5- **هند** در نظر سلطان مسعود غزنوی چون پدرش جایگاه ویژه‌ای داشت. مسعود قصد داشت دستاوردهای پدرش را در هند حفظ نماید، ولی همواره مسائل خراسان او را از توجه جدی به هند باز می‌داشت. با این حال علی‌رغم آنکه اوضاع خراسان در 429 ق بسیار بحرانی بود، مسعود قلعه معروف هانسی را در جنوب شرقی پنجاب، گشود .

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

قدرت یافتن سلجوقیان:

مراحل قدرت یافتن سلجوقیان:

- 1- سلجوقیان و سامانیان و قراخانیان
- 2- سلجوقیان و سلطان محمود
- 3-1- اسارت ارسال اسرائیل
- 3-2- استقرار سلجوقیان با اجازه محمود در مناطق سرخس، ابیورد و فراوه
- 3-4- سرکوب سلجوقیان شورشی توسط محمود به دلیل غارت گری
- 3-5- سرکوب سلجوقیان موجب شد دسته‌هایی از آنان به بلخان کوه در ساحل شرقی دریای خزر گریختند و دیگران به داخل ایران به هزیمت شدند که بنام ترکمنان عراقی شهرت یافتند و به خدمت امرای محلی موجود در مرکز و غرب ایران درآمدند .



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم



قدرت یافتن سلجوقیان:

4- با به قدرت رسیدن سلطان مسعود خاندان سلجوقی که در ماوراءالنهر بودند يك بار دیگر به علي تگین قرخانی پیوستند. آلتونتاش خوارزمشاه در جنگ با آنان به قتل رسید (423 ق).

5- پس از مرگ علي تگین قرخانی (425) به دنبال اختلاف با قراخانیان به دعوت هارون بن آلتونتاش به خوارزم کوچیدند و به عنوان متحدان وی در آن سرزمین استقرار یافتند. اما با مرگ هارون بن آلتونتاش که در همان سال صورت گرفت، آنان تحت فشار رئیس گروهی از اغزه‌های رقیب، به نام ییغو وارد خراسان شدند و در اطراف نسا استقرار یافتند.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم



قدرت یافتن سلجوقیان:

6- سلجوقیان در خراسان از سلطان خواستار دو شهر نسا و فراوه شدند و در مقابل متعهد شدند از مرزهای خراسان در برابر مهاجمان ماورالنهر دفاع نمایند ولی سلطان نپذیرفت اما در جنگ با آنان شکست خورد. سلطان مسعود به دنبال این شکست بود که سه ولایت نسا، ابیورد و فراوه را به ترتیب به طغرل، داود چغری و بیغو واگذار کرد و آنان را در ظاهر والی خود خواند.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم



قدرت یافتن سلجوقیان:

7- سلجوقیان که پس از پیروزی بر سپاه غزنوی از سلطان خواستند که عایدات سه شهر سرخس، ابیورد و مرو را به آنها واگذار نماید. سلطان مسعود به حاجب بزرگش سُبَاشی سپاهسالار خراسان دستور داد تا به مصاف با سلجوقیان بپردازد. اما در نبردی که در 429 ق در حوالی سرخس رویداد از سلجوقیان شکست خورد و گریخت. سلجوقیان متعاقب این پیروزی طوس، نیشابور تختگاه خراسان و قسمت اعظم آن ایالت را متصرف شدند و حتی هرات را نیز تهدید نمودند.

8- نبرد نهایی سلطان مسعود و سلجوقیان در دندانقان که به شکست غزنویان منجر شد در 431 ق روی داد.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم

نتایج نبرد دندانقان:

- 1- مهمترین نتیجه نبرد دندانقان برای سلجوقیان تسلط آنان بر خراسان بود.
- 2- تبدیل شدن رهبران قبایل ترکمن سلجوقی به سلاطین قدرتمند ایران.
- 3- پایان تسلط غزنویان بر ماوراءالنهر، خوارزم و خراسان. سلطان مسعود پس از فرار از دندانقان از طریق غرجستان و غور به غزنه بازگشت.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم

دوره سلطان مودود غزنوی:

- 1- مسعود با شورش لشکریانش به قتل رسید. شورشیان محمد بن محمود را با وجود کوری به سلطنت برداشتند. ولی مودود در نبردی عمویش را به قتل رساند.
- 2- مودود در همان ابتدای کار با شورش برادرش مجدود بن مسعود حاکم هند بود و روبرو شد. اما مرگ مرموز وی موجب پایان غائله او شد.



تاریخ سیاسی غزنویان

سلطان مودود غزنوی و سلجوقیان:

گرچه باز پس‌گیری خراسان از سلاجقه مهمترین هدف سیاسی مودودبن مسعود بود، به دلیل مشکلات داخلی توفیقی در این راستا نیافت. دو اقدام مهم مودود در این ارتباط عبارتند از:

1- در 435 ق مودود سپاهی را به خراسان اعزام نمود. اما این سپاه از الب ارسالان شکست خورده و به غزنه عقب نشست، شورش در هند مانع از آن شد تا مودود شخصاً به خراسان بپردازد و مودود به ناچار متوجه هندوستان شد.





تاریخ سیاسی غزنویان

فصل هشتم

سلطان مودود غزنوی و سلجوقیان:

2- سلطان مودود در آخرین سال حیاتش اتحادیه‌ای شامل ابوکالیجار گرشاسب بن علاءالدوله محمد، از دودمان بنی‌کاکویه جبال و خاقان ملک ترکان ایجاد کرد تا از سه جبهه موضع سلجوقیان در خراسان را مورد هجوم قرار دهند. این اتحادیه راه به جایی نبرد، زیرا لشکریان ابوکالیجار در کویر لوت دچار صدمات بسیار شدند. خان ترک نیز که ناحیه ترمذ را مورد هجوم قرار داده بود، در نهایت مجبور به انعقاد قرار داد صلحی با چغری بگ گردید. مودود نیز که شخصاً در رأس سپاهی عازم نبرد با سلجوقیان گردید، به محض خروج از غزنه به قولنج مبتلا شد و به پایتخت بازگشت و اندکی بعد در 441 ق درگذشت.



تاریخ سیاسی غزنویان

سر انجام غزنویان:

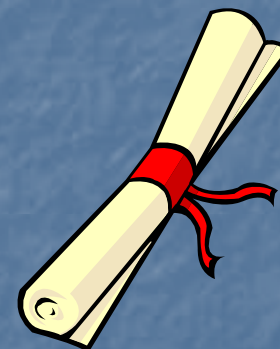
اگرچه پس از مودود ده سلطان دیگر سلجوقی در حدود 41 سال دیگر در غزنه به حکومت پرداختند، نقش چندانی در تاریخ مشرق ایران ایفا نمودند. ظهور سلجوقیان و خصوصاً غوریان که تمایل زیادی به دخالت در امور افغانستان و هند داشتند سبب شد تا روز بروز از دامنه نفوذ غزنویان کاسته شود. سرانجام در ایام حکومت خسرو ملک (582 - 555) آخرین سلطان غزنوی دایرة نفوذ آن دولت محدود به لاهور و مناطق اطراف آن گردید. اما این ناحیه نیز در 582 ق مورد هجوم غوریان واقع شد. با تصرف لاهور و اسارت خسرو ملک به حکومت غزنویان برای همیشه پایان داده شد.



اوضاع اداري دولت غزنوي

فصل نهم

تشکيلات اداري دولت غزنوي به طور کامل برگرفته از سازمان اداري سامانيان بود. امور اداري اين حکومت نیز همچون سامانيان توسط صاحب منصبان دو نهاد **دربار و ديوان** اجرا مي شد.



تاريخ سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي ايران در دوره سامانيان، ديلميان و غزنويان



اوضاع اداری دولت غزنوی

دربار (درگاه) و تشکیلات آن:

درگاه عبارت از کاخ سلطنتی بود. اصطلاح درگاه به اعتبار استقرار سلطان به هر محلی اعم از کاخ سلطنتی یا خیمه و خرگاه موقتی سلطان در سفرها نیز اطلاق می‌گردید. اگرچه از نقطه نظر عملی و نظری شخص سلطان در رأس تشکیلات درگاه قرار داشت، به طور معمول او اداره امور درگاه را به شخصی با عنوان حاجب بزرگ یا مقدم حاجبان می‌سپرد.

حاجب بزرگ که وی را سالار بار و بار سالار نیز می‌گفتند به منزله وزیر دربار بود که همه کارهای درگاه (= دربار) از قبیل تشریفات، مسایل مالی، نظارت بر امور داخلی حرم، تعیین مشاغل مربوطه و بالاخره پرداخت دستمزدها را انجام می‌داد.





اوضاع اداری دولت غزنوی

مناصب دربار (درگاه):

درگاه دارای تشکیلات بسیار مفصلی بود و افراد زیادی با عناوین خاص تحت نظر **حاجب بزرگ** در آن خدمت می‌کردند.

خزانه‌دار، خوانسالار، آخور سالار، جاندار، دوتدار، جامه‌دار، محدث (قصه‌گو)، حوائج‌کش (متصدی و کارپرداز مطبخ) غلام سرایی (غلامانی که در سرای شاهی خدمت می‌کردند)، شرابدار، مشرف درگاه، ندیم، مفرد (مفردان دویست مرد رشید بودند که گارد تشریفات را تشکیل می‌دادند) و آغاجی (خادم و پیشخدمت مخصوص سلطان) و وکیل در (نماینده امراء و حکام قلمرو غزنوی در دربار) از جمله این **مناصب است**.





اوضاع اداري دولت غزنوي

فصل نهم

ديوان وزارت:

کارکنان اداري:

ديوان وزارت دومين نهاد اداري عصر غزنوي بود که در رأس آن وزير يا خواجه بزرگ قرار داشت. همچنان که غزنويان بخش زيادي از قلمرو دولت ساماني را به ارث بردند، بسياري از اعضاي ديواني ساماني را نیز جذب نمودند. برخي از اين ديوانيان زماني که محمود اداره خراسان را به دست گرفت در مقامهايشان در ديوان خراسان باقي ماندند و مأمور ساخت ديوانسالاري غزنوي شدند. ابوالعباس فضل بن احمد اسفرايني نخستين وزير سلطان محمود غزنوي در آغاز يکي از منشيان دستگاه فايق خاصه بود.

تاريخ سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي ايران در دوره سامانيان، ديلميان و غزنويان



اوضاع اداری دولت غزنوی

فصل نهم

دیوان وزارت:

وزرای غزنوی:

- 1- ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی نخستین وزیر سلطان محمود غزنوی
- 2- احمد بن حسن میمندی وزیر محمود
- 3- خواجه ابوعلی حسن بن محمد نیشابوری، معروف به حسنک میکال وزیر محمود
- 4- احمد بن حسن میمندی نخستین وزیر مسعود
- 5- احمد بن عبد الصمد وزیر مسعود و مودود

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداری دولت غزنوی

فصل نهم

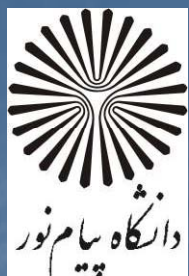
دیوان وزارت:

وزیر:

وزیر اگرچه بسیار قدرتمند بود و دومین شخصیت مملکت بعد از سلطان بود خطرات زیادی موقعیت وی را تهدید می‌کرد. این خطرات خصوصاً از اختلاف میان دیوان و سپاه و ناشی می‌شد. ولی شخصیت خود رأی سلاطین غزنوی بیش از هر چیزی وزرا را در معرض خطر قرار می‌داد.

این خطرات سبب شد تا کاندیداهای مقام وزارت در عصر مسعود که از تلون مزاج سلطان و توطئه‌های درباریان احساس خطر می‌کردند پس از انعقاد قراردادی با سلطان که به **مواضعه** معروف بود قدرت را به دست گیرند. زیرا این قرار و مواضعه تا حدودی سلطان را وادار به پذیرش برخی از اصول می‌نمود و در عین حال دایرة قدرت وزیر را نیز مشخص می‌ساخت.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداري دولت غزنوي

فصل نهم

ديوان استيفا:

ديوان استيفا که در رأس آن مستوفي قرار داشت متصدي امور مالي کشور و مأمور جمع آوري خراج بود.

ديوان استيفا بعد از ديوان وزارت يا ديوان خواجه بزرگترين و مهمترين ديواهاي عصر غزنوي بود و مستوفي نيز بعد از وزير قدرتمندترين مقام کشوري به شمار مي رفت.



تاريخ سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي ايران در دوره سامانيان، ديلميان و غزنويان



اوضاع اداری دولت غزنوی

دیوان رسالت:

دیوانی که مکاتبات دولتی در آن صورت می‌گرفت. این دیوان با نامه‌های دیوان رسائل، دیوان انشاء، دیوان طغراء، دیوان رسائل و انشاء و دیوان انشاء و رسالت ذکر گردیده است.

ابوالفضل بیهقی از این دیوان به اسم دیوان رسالت و از متصدی آن به اسم **صاحب دیوان رسالت** نام برده است.

اهمیت دیوان رسائل در حد دیوان وزیر بود.

از معروفترین رؤسای دیوان رسائل، ابونصر مشکان بود که در بیشتر دوره سلطنت محمود و تمامی ایام سلطان مسعود، ریاست دیوان رسائل را بر عهده داشت. از

دیگر رؤسای دیوان رسائل می‌توان به بوسهل زوزنی جانشین ابونصر مشکان و ابوالفضل بیهقی اشاره کرد.





اوضاع اداري دولت غزنوي

فصل نهم

ديوان اشراف (ديوان اشراف مملکت):

در رأس این دیوان مشرف و یا مشرف مملکت قرار داشت که وظیفه وی بازرسی در امور دیوانی و به‌ویژه در امر استیفا و امور مالی بود. همچنین دیوان اشراف مملکت وظیفه داشت تا اعمال و رفتار غلامان شاهي، امرای سپاه، وزراء و دیوانیان، شاهزادگان و همچنین دشمنان خارجی را تحت نظر گرفته و به موقع شخص سلطان را مطلع سازد.

اهمیت این دیوان را از این سخن سلطان مسعود که آن را مهمتر از دیوان عرض دانسته می‌توان دریافت.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداري دولت غزنوي

فصل نهم

ديوان عرض و سپاه:

گردآوري سپاه، رسيدگي به سپاهيان، نگهداري سپاهه و صورت اسامي آنان با تعيين درجات و پرداخت مستمري و آذوقه به عهده ديوان عرض بود. در رأس اين ديوان **عارض** قرار داشت.

علاوه بر عارض بزرگ که در پايخت بود جهت سپاهياني که در ولايات بودند و همچنين قواي تحت امر صاحب منصبان برجسته عارض و کدخدا تعيين مي گرديد. از آنجايي که در اين مورد توانايي اداري لازم بود و نه قابليت نظامي، بطور معمول ديوان سالاران ايراني براي مقام عارضي در نظر گرفته مي شدند. يکي از مهمترين وظيفات عارض برگزاري سان سپاه بود.

تاريخ سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي ايران در دوره سامانيان، ديلميان و غزنويان



اوضاع اداری دولت غزنوی

سپاه غزنوی:

پرداخت مواجب سپاه غزنوی:

مواجب سپاه به طور معمول به صورت نقدي بود. ثروتهای موجود در هند و خراسان به آنان اجازه می داد تا حقوق سربازانشان را به صورت نقدي پرداخت نمایند. سربازان از غنایم نیز سهمی می بردند.

سلطان يك پنجم از بردگان، چارپایان و غنایم کلی را خود برمی داشت. کلیه فلزات قیمتی، سلاحها و فیلان جزو يك پنجم سلطان بود و نیز حق صفیه به او اجازه می داد که برداشت اول از اجناس برگزیده دیگر با او باشد. چهار پنجم بقیه به فراخور مقام میان سپاهیان تقسیم می گردید و سهم سواران دو برابر پیادگان بود.

به علاوه صلوات ویژه ای نیز وجود داشت که در میدان جنگ در صورت پیروزی سترگ یا موفقیت های برجسته به سربازان اعطا می گردید.





اوضاع اداری دولت غزنوی

سپاه غزنوی:

کمیت و تنوع سپاهیان:

در سپاه غزنوی سربازانی از نژادهای مختلف بودند.

1- هسته اصلی را **بردگان (غلامان، ممالیک)** تشکیل می دادند. فرماندهی غلامان با سالار غلامان بود که درجه او پس از فرمانده کل سپاه یا حاجب بزرگ بود. غلامان از اقوام ترک، هندی و تاجیک بودند. اما غلامان ترک بیشتر از دیگران بودند و عالیترین مقامات ارتش از آن آنها بود.

در میان این غلامان فوجی وجود داشت که نگهبان شخصی سلطان بودند و به غلامان سرایی (غلامان خاص، غلامان سلطانی) معروف بودند. غلامان سلطانی معمولاً در دسته‌ای جدا از سایر اصناف لشکر می‌جنگیدند. با این وجود ممکن بود که افواجی از آنها برای خدمت در سفرهای جنگی همراه با لشکریان عادی گسیل شوند.

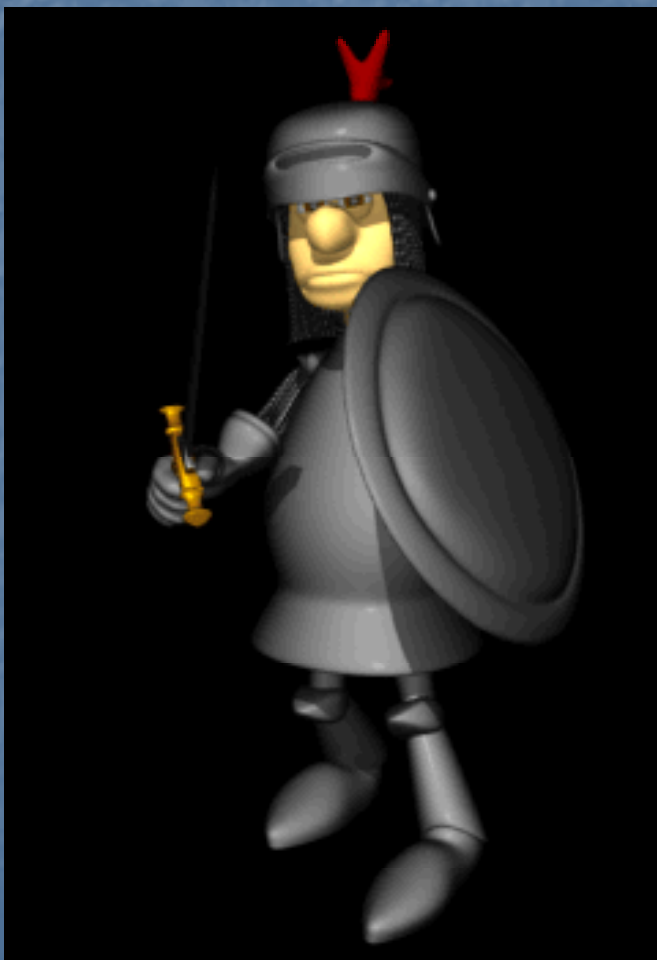


تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداري دولت غزنوي

فصل نهم



سپاه غزنوي:

کمیت و تنوع سپاهیان:

2- علاوه بر غلامان سربازانی از ملیت‌های دیگر از جمله هندیان، دیلمان، اعراب، اکراد، و افغانه نیز در میان سپاه یافت می‌شد.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع اداري دولت غزنوي

فصل نهم

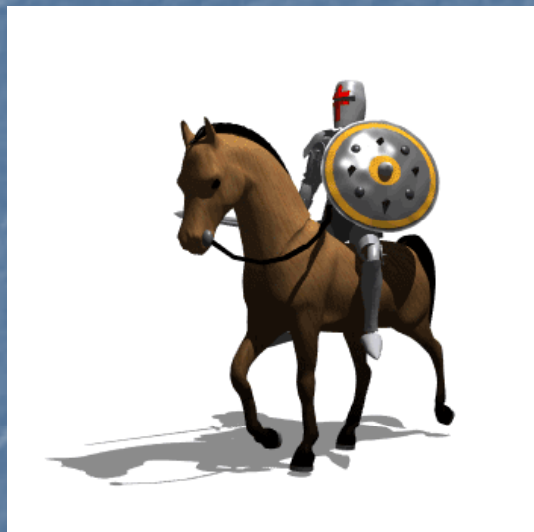
سپاه غزنوي:

رده هاي سپاه:

1- سواره نظام: بخش عمده سپاه غزنوي شامل سواره نظام بود.

2- پياده نظام: غزنويان سپاه ثابتي از پيادگان به نام پيادگان درگاهي داشتند که در سفرهاي جنگي به مناطق دور با شتران مسرع مي رفتند و پس از رسيدن به مقصد پياده مي جنگيدند، بسيار با ارزش بودند.

هنديان و ديلميان در پياده نظام ممتاز بودند، اما دسته هايي از مردم سيستان، مرو، غزنه، هرات، بلخ، سرخس و غور نیز در پياده نظام غزنوي خدمت مي کردند .



تاريخ سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي ايران در دوره سامانيان، ديلميان و غزنويان



اوضاع اداري دولت غزنوي

فصل نهم



سپاه غزنوي:

رده هاي سپاه:

3- گروههاي داوطلب: در کنار سپاه منظم، دستههاي داوطلب که غازي يا مطوعه نام داشت، بودند. پيروزيهاي سلاطين غزنوي، داوطلبان مسلمان را از سراسر نقاط جهان اسلام به زیر علم آنان گرد مي آورد. الپتکين با سفرهاي جنگي اش به دره کابل و هند که غنايم بسياري به ارمغان آورد، داوطلبان زيادي از خراسان و ترک و تاجیک گرد آورد. شهرت محمود نیز در جريان لشکرکشي به هند سبب شد تا داوطلبان زيادي به وي به پيوندند. غازيان از ديوان عرض مواجب نمي گرفتند و نامشان در دفاتر ديوان عرض ثبت نمي گرديد، اما از غنايمي که از ميدان نبرد به دست مي آمد سهمي داشتند.



تاريخ سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي ايران در دوره سامانيان، ديلميان و غزنويان



اوضاع اداري دولت غزنوي

فصل نهم

سپاه غزنوي:

رده هاي سپاه:

4-فيل سواران: يكي از مهمترين ويژگيهاي سپاه استفاده از فيلان جنگي بود. آنها اين فيلان را يا به صورت خراج از شاهزادگان هندو به دست مي آوردند و يا در جنگها به غنيمت مي گرفتند. گروهی فيلبان هندی در سپاه وجود داشت که مسئول فيلها بودند و فرمانده آنان **مقدم فيلبانان** خوانده ميشد که مقام برجسته حاجب داشت. سپهسالاران در ميدان جنگ بر فيل مي نشستند و از بالاي آن ميدان نبرد را زير نظر مي گرفتند. بر سر فيلان زره مي پوشاندند و آنها را در صف مقدم سپاه بر عليه دشمنان به کار مي گرفتند. همچنين از فيلان جهت کشيدن تجهيزات سنگين، نظير سلاحها و آلات قلعه گيري استفاده مي کردند



تاريخ سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي ايران در دوره سامانيان، ديلميين و غزنويان



اوضاع فرهنگی عصر غزنوی

فصل دهم

زمینه های توسعه فرهنگی و ادب فارسی در دوره غزنوی :

- 1- رشد و بالندگی زبان و ادب فارسی که در عصر سامانی آغاز شده بود در عهد غزنویان نیز ادامه یافت زیر سلاطین نخست غزنوی عمیقاً تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی سرزمینهایی بودند که به تصرف آنها درآمده بود .
- 2- تعلیم و تربیت سلاطین غزنوی بر اساس ادب فارسی .
- 3- سلاطین غزنوی بر اثر ثروت فروانی که از غزوات هند به دست آوردند، دربارشان را به صورت یکی از مأمینهای بزرگ شعرا درآوردند.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع فرهنگی عصر غزنوی

فصل دهم

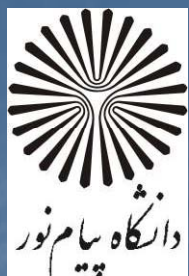


زمینه های توسعه فرهنگی و ادب فارسی در دوره غزنوی :

- 4- نیازی که سلطان محمود به نشر مدایح و ذکر خیر خویش در میان توده مردم داشت و تقلید از دربار دولت سامانی .
- 5- مهمترین موضوعی که در این دوره به تحکیم بنیان نثر در زبان فارسی کمک بسیاری نمود آن بود که وزیر معروف سلطان محمود یعنی اسفرائینی فرمان داد تا تمام دیوانها و دفاتر دولتی به فارسی نوشته شود. این امر سبب شد تا زبان عربی به طور کامل از دوائر دولتی بر انداخته شود.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع فرهنگی عصر غزنوی

فصل دهم

شاعران دوره غزنوی:

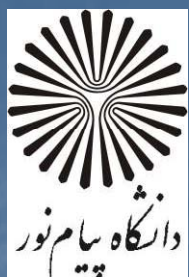
- وجود چهار صد شاعر، خصوصاً شعرای بزرگی چون عنصری، فرخی، زینتی علوی، و عسجدي سبب شد تا دربار غزنویان مرکز مهمی برای ادامه و تکامل سبک ادبی دربار سامانی گردد.

عنصری امیرالشعراء دربار محمود که گویا منظومه‌ای درباره جهانگشاییهای سلطان محمود به نام تاج‌الفتوح داشته است و فرخی سیستانی که دو سبک تازه کامل که در اصول و کلیات دنباله سبک شعرای پیشین بود به وجود آوردند. سبک این دو و ابو النجم احمد منوچهری مدتها بعد از ایشان در شعر فارسی تأثیر داشت.



حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر چیره دست و بزرگترین حماسه سرای ایران نیز در روزگار غزنویان می زیست.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع فرهنگی عصر غزنوی

فصل دهم

نثر نویسان غزنوی:

-از بزرگترین نویسندگان عصر غزنوی ابونصر منصور بن مشکان صاحب دیوان رسائل محمود، محمد و مسعود غزنوی است. از او با آنکه سی سال صاحب دیوان رسائل بود جز چند نامه که شاگرد او ابوالفضل بیهقی در تاریخ خود نقل کرده است، چیزی نمانده است. ابوالفضل بیهقی از نویسندگان مهم آن دوره است. اثر مهم وی کتاب مقامات محمودی و مسعودی مشهور به تاریخ بیهقی است. روش بیهقی در انشاء از بهترین روشهای هنر فارسی است.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



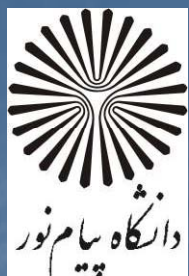
اوضاع فرهنگی عصر غزنوی

فصل دهم

علوم در دوره غزنوی:

-یکی از مهمترین علما دربار غزنوی ابوریحان بیرونی بود که پس از تسلط سلطان محمود غزنوی بر خوارزم به خدمت وی پیوست. ابوریحان از زندگی در دربار محمود و اولاد او استفاده بزرگی نمود و آن شرکت در سفرهای جنگی محمود به هندوستان و مسافرتهاى ممتد به آن دیار و معاشرت با دانشمندان آن سامان و کسب اطلاعات ژرف از زبان سانسکریت و علوم و عقاید هندوان بوده است. این اطلاعات از فرهنگ هندی بود که ابوریحان بیرونی را در تألیف کتاب تحقیق ماللهند و ترجمه چندین کتاب از زبان سانسکریت به عربی یاری کرد.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع مذهبی عصر غزنوی

فصل دهم

غزنویان و خلفای عباسی:

غزنویان معتقد به مذهب تسنن بودند و می‌کوشیدند تا روابط بسیار نزدیکی با دستگاه خلافت عباسی برقرار نمایند. از جمله:

- 1- البتکین فتح غزنه همچون غزوه‌ای با کفار هند تلقی کرد و به این ترتیب هم رضایت سامانیان و هم رضایت دستگاه خلافت عباسی را تأمین نمود.
- 2- جانشینان البتکین نیز سیاست وی را در ارتباط با ادامه عملیات در هند و برقراری روابط دوستانه با سامانیان را ادامه دادند.



تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



اوضاع مذهبی عصر غزنوی

فصل دهم



غزنویان و خلفای عباسی:

3- با توجه به تسلط آل بویه شیعی مذهب بر بغداد، دستگاه خلافت و دنیای تسنن در نهایت ضعف قرار داشت و تنها پیروزیهای محمود در شرق و غرب خصوصاً در هند روزنه امید برای آنان بود. یکی از اهداف مهم خلفا در تأیید غزنویان به وجود آوردن توازن قدرت میان آنان و آل بویه بود.

4- سلطان محمود و مسعود در راستای سیاست جلب نظر دستگاه خلافت عباسی می‌کوشید از دست زدن به کارهایی که می‌توانست موجبات نارضایتی خلفا را فراهم آورد خودداری ورزد. در این راستا بود که از هرگونه تماسی با فاطمیان مصر خودداری ورزیدند.

5- سرکوب و قتل عام اسماعیلیان در مولتان و همچنین سرکوب شیعیان ری در مرکز ایران نیز از جمله اقداماتی بود که مورد توجه دستگاه خلافت و سنیان متعصب قرار گرفت.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان



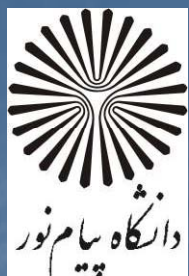
اوضاع مذهبی عصر غزنوی

فصل دهم

غزنویان و اسماعیلیه:

اسماعیلیان در دوره غزنوی فعال بودند هر چند که با عکس‌العمل شدید سلاطین غزنوی مواجه می‌شدند. علی‌رغم این تعصب و خشونت محمود اقدامات اسماعیلیان ادامه می‌یافت.

نتیجه مسلم این تعصب سلطان در رابطه با اسماعیلیان برقراری روابط حسنه با خلفا بود که سلاطین غزنوی در اقداماتشان به تأییدیه معنوی و مذهبی آنان نیازمند بودند. سلطان محمود مبارزه با قرامطه و اسماعیلیه را بهانه‌ای برای اقدام به کشورگشایی و توسعه قلمرو خویش قرار می‌داد.



اوضاع مذهبی عصر غزنوی

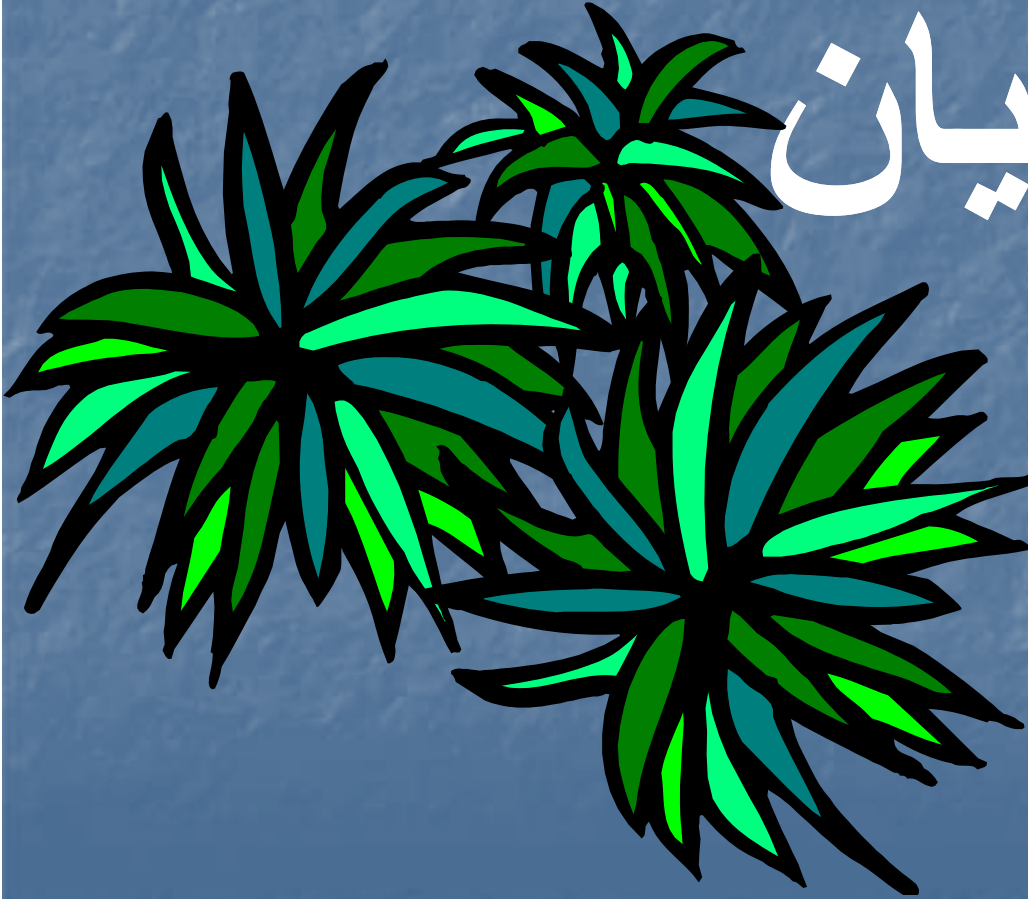
فصل دهم

غزنویان و علویان:

غزنویان علی‌رغم تعصب مذهبی که داشتند با علویان مدارا می‌کردند و علویان نیز تا حدودی با آنان همکاری داشتند. شیعیان در دوره غزنویان در موقعیت مناسبی قرار داشتند. تنها محلی که در آن شیعیان میانه رو مورد اذیت و آزار قرار گرفتند ری بود که آن هم بیشتر جنبه سیاسی داشت. احترام و اهمیت شیعیان و علویان به اندازه‌ای بود که مسعود در آغاز کارش در ری پس از اعلام وفاداری مردم آن شهر به او از جمله افرادی که از او خلعت دریافت کردند نقیب علویان بود که خلعت وی چون خلعت قاضی شهر از زر بود در حالی که خلعت دیگران زراندود بود.

تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دیلمیان و غزنویان

پایان



www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com